



دوفصلنامه تخصصی دین و تعالی تربیتی با رویکرد خانواده

سال دوم/شماره ۳/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه <

مدیرمسئول: مریم صالحی ساداتی

سردبیر: سلیمه سایی

مدیر اجرایی: کبری خداوردی

اعضای هیئت تحریریه:

سلیمه سایی: استاد حوزه و دانشگاه

محمدتقی سبحانی: عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و رئیس بنیاد بین المللی امامت

محمدجواد فدایی: عضو هیأت علمی موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

سیدمهدی میرباقری: رئیس فرهنگستان علوم اسلامی س و استاد سطوح عالی حوزه علمیه

حسن نجفی: استادیار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران

ویراستار ادبی: کبری خداوردی

ویراستار ترجمه چکیده‌های انگلیسی: فروغ کاوری

صفحه آرایی، چاپ و صحافی: نشر هاجر

آدرس: قم میدان بسیج، خیابان شیخ عباس قمی، مقابل برج آسمان، مدرسه علمیه

تخصصی حضرت آمنه <، کد پستی: ۳۷۱۵۹۴۸۰۴۵

تلفن: ۰۲۵-۳۷۲۳۹۸۸۴

Email: din-va-taali.whc.ir

website: <https://amene.whc.ir>

شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۳۶۲۶

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

۱. مشخصات نویسنده/ نویسندگان: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، شماره تماس و نشانی الکترونیکی در فایل جداگانه ارسال گردد.
۲. حجم هر مقاله بیش از ۷۵۰۰ کلمه نباشد. مقالات پرحجم جهت تلخیص برگردانده خواهد شد.
۳. چکیده فارسی، عصاره مقاله است و باید حداکثر ۱۵۰ کلمه باشد (بیان مسئله یا موضوع، قلمرو بحث، قلمرو منابع، اشاره به دستاوردها).
۴. واژگان کلیدی فارسی، حداقل ۳ واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارند.
۵. مقدمه، شامل خلاصه‌ای از بیان مسئله، اهمیت موضوع، اهداف پژوهش، سوال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش است.
۶. در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به این موارد پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم مطالب در قالب محورهای مشخص.
۷. نتیجه‌گیری، شامل یافته‌های حاصل از پژوهش با اهداف در نظر گرفته شده از انجام پژوهش، مقاله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط پیشنهاد تحقیق است.
۸. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی چاپ شده باشد.
۹. مقاله ارسالی نباید هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها برای چاپ فرستاده شده باشد.
۱۰. ارجاعات، به شیوه درون‌متنی تنظیم و به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد (در صورتی که اثر دارای بیش از یک جلد باشد) و

شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۹۴). در صورت تکرار منبع، به نام خانوادگی و کلمه «همان» و ذکر شماره جلد و صفحه اکتفا شود (مظفر، همان، ج ۱، ص ۱۹) و در صورت تعدد آثار منتشره در سال واحد از یک مؤلف، جهت نمایاندن ترتیب انتشار از حروف الف، ب، ج و... استفاده شود. فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، به شکل ذیل در آخر مقاله درج گردد.

أ) برای کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ نام کتاب؛ نام مترجم؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: ناشر، سال انتشار.

ب) برای مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ «عنوان مقاله»؛ عنوان مجموعه (مجله)، شماره مجله، سال انتشار.

۱۱. ارسال، پیگیری، ارزیابی، اصلاحات، تایید نهایی و انتشار مقاله، تنها از طریق سامانه دوفصلنامه دین و تعالی تربیتی به نشانی din-va-taali.whc.ir انجام می پذیرد.

فهرست مطالب

.....	سخن سردبیر	۵
.....	بررسی جایگاه احترام به کودکان در اندیشه قرآنی علامه طباطبایی ره/فاطمه گرمایی	۷
.....	نقش مادر در تربیت فرزندان مهدوی/فاطمه لک زاده	۲۷
.....	بررسی تطبیقی تربیت جنسیتی در اسلام و غرب با محوریت شعار زن زندگی آزادی/الهام نیکبخت	۵۵
.....	تأثیر ملاک‌های غیر الهی در افزایش طلاق/اشرف ارجمند	۸۳
.....	نقش امنیت دینی در تاب آوری خانواده/فاطمه عابدی شاهپور آبادی	۱۰۱
.....	جهاد امید در بیانات مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی/فاطمه سادات خاتمی	۱۲۹
.....	خلاصه‌المحتویات	۱۵۱
.....	Abstract	۱۵۷

سخن سردبیر

طلیعه سخن

تربیت انسان در همه ابعاد وجودی‌اش، اساس خلقت عالم است و البته تربیت دینی همانا سفری است معنوی؛ که انسان را به کمال نهایی خود که همان لقای الهی است، می‌رساند.

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ».

آموزه‌های دینی، به‌ویژه باورهای اعتقادی و به‌خصوص امید به مهدویت، می‌تواند ارزشمندی زندگی را براساس حرکت تکاملی انسان، تعیین و روشن کند. انسان، موجودی است که همه ویژگی‌های بهره‌وری از نعمت‌های مادی و معنوی در او جمع است. همچنین تمام راه‌های به فعلیت رسیدن نیروهای درونی‌اش نیز به او نشان داده شده است.

بنابراین، با توجه به آیه شریفه «فِطَرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»، ندای فطرت درونی به انسان کمک می‌کند تا گام‌های سریع‌تری را برای رسیدن به حقیقت موجود در خود طی نماید تا از دریچه آن با تکیه بر باورها، برای بهره‌مندی از دنیا و رسیدن به معنویت و حقیقت گام بردارد.

از این‌رو، خانواده، محیط اجتماعی و الگوها، شاکله باورها و اعتقادات وی را سامان داده و تربیت دینی او را در مسیر تعالی یاری خواهند نمود. همچنین سه عامل فوق، باورهای انسان را در جغرافیای تربیت دینی شکل داده و زمینه حرکت رو به رشد وی را نیز ایجاد می‌کنند.

مقالات ارائه شده در این فصلنامه، عناصر و عواملی را مطرح می‌نمایند که هرکدام ابعادی از امور اعتقادی و تربیتی در مسیر رشد و تعالی انسان را نمایان می‌کنند. کاوش در این موضوعات هم می‌تواند باور به مهدویت را در انسان

شکوفای نموده و هم نقش عنصر امید را در پایداری انسان‌ها برای رهایی از عوامل ایجاد پوچی در زندگی، عقب افتادگی، انزوا و مشکلات تربیتی دیگر آشکار نماید. در روزگار کنونی، نخستین و قطعی‌ترین جهاد، ایجاد امید در انسان‌ها به‌ویژه نسل جوان می‌باشد؛ که نیازمند همکاری نخبگانی در جامعه است، زیرا هدفمندی برای رسیدن به موفقیت کافی نیست، بلکه برای رسیدن به هدف از چالش‌های زیادی باید عبور کرد. امید به خدا، باعث تقویت امید به زندگی در انسان می‌شود و امیدواری سبب می‌شود انسان بتواند با وجود مشکلات، راحت‌تر گام برداشته و مشکلات را مهندسی نماید، آنها را برطرف کرده و به هدف نزدیک‌تر شود. تربیت دینی صحیح، بهترین ابزار امیدواری است که نقش اساسی در خانواده، روابط میان همسران، رابطه والدین با فرزندان و بالعکس، انتقال دیدگاه‌های اعتقادی به فرزندان، عمل به اعتقادات در روابط زناشویی، اعمال شیوه تربیتی فردی، اجتماعی و غیره را ایفا می‌کند که همه در سلامت جسم و روان، با انتقال عزت نفس، احترام متقابل و به‌خصوص آموزه‌های معنوی نقش‌آفرینی می‌کنند.

سلیمه سائری

زمستان ۱۴۰۲

بررسی جایگاه احترام به کودکان در اندیشه قرآنی علامه طباطبائی^۱

فاطمه گرمابی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

چکیده

کودکی، یکی از مراحل رشد انسانی است. اهمیت این مرحله تا آنجاست که آموزه‌های قرآنی، به آن توجه و اهتمام خاصی دارد؛ زیرا آینده هر شخصی به دوران کودکی او وابسته است. یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت انسان، روش احترام و «تکریم شخصیت» است. این شیوه در حقیقت پشتوانه سلامت روان بشر و از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیت اوست. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته و هدف از انجام آن اهمیت جایگاه تربیتی و اجتماعی احترام به شخصیت کودکان در قرآن از دیدگاه اندیشه علامه طباطبائی می‌باشد. در این پژوهش به تبیین موارد مختلفی همچون کودکی، احترام به کودک، جایگاه احترام به کودک در قرآن و نظریات و شیوه برخورد علامه طباطبائی پرداخته است. احترام و تکریم شخصیت آدمی از اصولی است که در فرایند تربیت باید رعایت شود، زیرا انسان نیازمند این است که دیگران برایش قدر و منزلتی قایل باشند چرا که اگر کودک در درون احساس شخصیت و عزت نماید، اعتماد به نفس به دست آورده و در اجتماع شأن و منزلت پیدا می‌کند و خود را سالم نگه می‌دارد، اما اگر در درون احساس بی شخصیتی کرد، مستعد گرایش به انحرافات و کج رفتاری‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین می‌توان با حفظ احترام کودک او را تبدیل به موجودی ارزشمند و با عزت کرد.

کلیدواژه‌ها: کودک، احترام، علامه طباطبائی، قرآن

^۱ طلبه سطح دو مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه >

مقدمه

دین مبین اسلام در مقایسه با سایر ادیان شاخص ترین دینی است که هم به لحاظ تعالیم و آموزه ها و هم به سبب تأثیرات گسترده ای که بر ذهن و رفتار پیروان خود گذارده و آنان را به صورت فعال درگیر زندگی در این دنیا کرده ، توانسته است گسترده ترین حضور اجتماعی را در جوامع به ثبت برساند. در قرآن کریم، آیات زیادی در مورد مسائل و موضوعات اجتماعی وجود دارد. رابطه فرد و جامعه، اهمیت خانواده، پیدایش جوامع و تطور آن، انواع جامعه، سنت های اجتماعی، رسالت جامعه، عوامل وحدت دهنده و عوامل نابودکننده جامعه و ارزش های اجتماعی از مباحث مهمی است که آیاتی از قرآن به آن پرداخته است. (عیوضی، ۱۳۸۶، ش ۵۸، ص ۲)

احکام و قوانین اسلامی، بیشتر از آنکه به طور مستقیم ناظر به روابط انسان با خدا باشد، ناظر به روابط انسان با انسان است؛ چون اگر روابط انسانها با یکدیگر به شکل درست انجام شود، تامین کننده روابط انسان با خدا است؛ چرا که خروجی احکام عبادی در ارتباط با خدا را می توان در خلق و خوی شخص نسبت به دیگران جستجو کرد؛ از همین رو مومن را کسی دانسته اند که «خلق نیکو» در روابط اجتماعی داشته باشد و حتی پیامبر(ص) هدف و حکمت و فلسفه بعثت پیامبران از جمله خویشتن را «اتمام مکارم اخلاقی» دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶ و ۷۰، ص ۲۱۰ و ۳۷۲)

این بدان معناست که هدف و فلسفه آموزه های وحیانی از جمله آموزه های دستوری و احکام و قوانین آن، دستیابی انسان به «اخلاق نیک» است. از همین رو وقتی از احترام، تکریم، تعظیم و حرمت نهادن نسبت به شعائر الهی و حدود و قوانین آن سخن به میان می آید، به معنای احترام گذاشتن به حقوق انسانی و تکریم انسان ها نسبت به یکدیگر است. (جلالوند، ۱۳۹۹، ص ۴)

در این بین، حفظ حرمت کودکان با توجه به اینکه ریشه بسیاری از مشکلات انسان به دروران کودکی او برمی گردد، از اهمیت فراوانی برخوردار است که قبل از پرداختن به آن ذکر مقدماتی لازم است.

مفهوم شناسی

کودک

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا «صغیر» نامیده می‌شود که معادل آن در زبان عربی طفل است. در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۴۰۱) این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آن‌ها (فرزندان) اطلاق می‌گردد و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است، او را طفل صغیر می‌نامند». (فیومی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۴)

در اصطلاح فقهی هم به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک اطلاق می‌شود. این تعبیر در بسیاری از مباحث به چشم می‌خورد. مثلاً در باب تبعیت طفل از والدین در حکم اسلام، در کلمات بعضی از فقیهان آمده است: «حکم طفلی که به سن بلوغ نرسیده مطلقاً (پسر باشد و یا دختر) از جهت مسلمان یا کافر بودن، حکم والدین اوست و در احکامی مثل طهارت و نجاست، از آن‌ها تبعیت می‌نماید. این مساله بین فقها اجماعی است و روایات متواتر بر آن دلالت دارد.» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۰۹)

دانشمندان علوم اجتماعی نیز به این موضوع توجه خاصی داشته‌اند؛ زیرا تکامل مادی و معنوی جوامع انسانی، در گرو توجه کامل به کودکان است. از این رو حقوق کودکان در اجتماع به هیچ امری محدود نخواهد بود. قوانین اسلام، زندگی آدمی را از قبل تولد تا لحظه مرگ در بر می‌گیرد. حقوق کودک، چه حقوق واجب و چه وظایف اخلاقی، به عنوان یکی از این قوانین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نهال وجود کودکان همواره در معرض آفت‌ها و آسیب‌های

گوناگون است. (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۵۸)

کودکی یکی از مراحل حیات دنیایی انسان است. (حج: ۵، روم: ۵۴ و غافر: ۶۷) این مرحله از هنگام ولادت آغاز می‌شود (همان) و تا بلوغ ادامه می‌یابد؛ (نساء: ۶) زیرا با رسیدن کودک به دوران بلوغ، حیات و زندگی وی به مرحله دیگری وارد می‌شود که از آن به دوران نوجوانی یاد می‌شود و کودک در مرحله آغاز رشد جنسی و سپس عقلانی قرار می‌گیرد که آثار آن را می‌توان در حوزه رفتارهای اقتصادی به خوبی مشاهده کرد (کهف: ۸۲). دوران شیرخوارگی چنان مهم است که خداوند در آیات پیش گفته و همچنین آیه ۶ سوره طلاق، بر لزوم مشاوره و همفکری والدین در مورد چگونگی شیرخواری کودک تاکید کرده و در آیه ۱۵ سوره احقاف نیز تکمیل دوران شیرخوارگی را واجب و لازم دانسته است؛ زیرا این دوران در رشد و تکمیل شخصیت کودک نقش اساسی ایفا می‌کند. (بقره: ۲۳۳ و لقمان: ۱۴)

مفهوم شناسی احترام:

احترام، مصدر باب افتعال از ریشه «ح ر م» و به معنای حرمت نگه داشتن است. حرمت به معنای چیزی است که هتک و شکستن آن روا نباشد، آمده است. (فراهیدی، ص ۱۷۴ و جوهری، ج ۵، ص ۱۸۹۷).

«حرام» به معنای کاری است که انجام دادن آن ممنوع باشد و «حَرَم» مکان محترمی است که انجام دادن برخی امور مجاز در مکان‌های دیگر در آن جا روا نیست. (راغب، ص ۲۲۹) و «حریم چاه» به معنای اطراف آن است که جز مالک، کسی حق تصرف و حفر چاه دیگر در آن جا را ندارد. (ابن فارس، ج ۲، ص ۴۵) و «حرمت شخص» چیزی است که شخص از آن حمایت و دفاع می‌کند. (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۴۰) احترام در اصطلاح عرف به معنای تعظیم، گرامی داشت و بزرگداشت، بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص، شیء،

مکان یا زمان محترم، دارای حرمت و حریمی است که حفظ آن لازم و هتک آن نارواست.

کلمه احترام در لغت نامه دهخدا نیز به معنای حرمت داشتن، بزرگ داشتن و بزرگداشت آمده است. (دهخدا، ۱۳۲۵ش، ج ۳، ص ۱۰۵۵) احترام بر این اساس چنان که در اصطلاحات عرفی نیز آمده به معنای تعظیم و تکریم و گرامیداشت شخص است که بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص یا هر چیز دیگری که محل احترام است از نظر مردم دارای حرمت و حریمی است که می بایست آن را حفظ کرد.

کرامت انسان

انسان با احترام گذاشتن به حقوق دیگران، به خود انسانی خویش احترام می‌گذارد؛ زیرا افزون بر اینکه مراعات حقوق دیگران موجب می‌شود تا دیگران نیز نسبت به حقوق ما احترام بگذارند و مراعات کنند، عامل اصلی در احترام به خویشتن خویش است.

کسانی که به حقوق دیگران احترام می‌گذارند بستری برای انسجام اجتماعی می‌شوند؛ زیرا مردم با احترام به یکدیگر در قالب مثلاً احترام به قوانین و حقوق اجتماعی می‌توانند به همدیگر نزدیک شوند و محبت خویش را ابراز کنند. این محبت می‌تواند در همه ابعاد از جمله محبت از طریق احسان و انفاقات مالی، صله رحم، همکاری در برّ و تقوا و مانند آنها خودنمایی کند. (مائده: ۲)

منشأ احترام به هر چیزی را باید در نحوه ارتباط آن با خدا دانست. هر چیزی که انتساب آن به خدا قوی تر و نزدیک تر باشد از احترام بیش تری برخوردار است.

بسیاری از آموزه های حقوقی و حکمی قرآن ارتباط تنگاتنگی با مسئله احترام و تکریم انسان دارد. از این رو حرمت جان آدمی (انعام: ۱۵۱) و یا مال (بقره:

(۱۸۸) و یا عرض و آبرو (نساء: ۱۴۸ و نور: ۲۳) در شریعت اسلام و همه شرایع و حیاتی آسمانی مطرح شده و از مردمان خواسته شده که با یکدیگر به سخن نیکو (بقره: ۸۳) و دور از تهمت و غیبت و افترا (حجرات: ۱۱ و ۱۲) و صدای بلند، یا رفتاری تفاخرآمیز و تبخترگونه و مانند آن عمل کرده و احترام یک دیگر را نگه دارند. (جلالوند، ۱۳۹۹، ص ۱)

در قرآن تکریم در باب تفعیل و بر وزن قَعْل، یُقَعِّل، تفعیل به معنای احترام کردن و کریم نمودن و مکرم ساختن انسان است با این تفاوت که معادل با مطلق وجود و بخشش نیست. خداوند متعال در قرآن کریم بنی آدم را تکریم نموده است و هیچ موجودی را برتر از او نیافریده است: «و لقد کَرَّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیّبات و فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً» (اسراء: ۷۰) ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آن ها را در خشکی و دریا بر مرکب های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم. از آیه مزبور چنین استنباط می کنیم که خداوند بر نوع بشر منت نهاده و به او دو چیز بخشیده است: یکی کرامت و بزرگواری و دیگری برتری بر سایر مخلوقات. منظور از تکریم، اعطای خصوصیتی است به او که در سایر موجودات و پدیده ها نیست و منظور از برتری، اعطای خصوصیتی است به انسان که دیگر موجودات در آن شریک هستند، ولی انسان در حدّ اعلاء از آن برخوردار است. نظر به این که انسان از این دو مزیت عالی و فطری برخوردار است، احترام و تکریم وی یک وظیفه اساسی است که هیچ عاملی نباید آن را متزلزل سازد.

احترام به کودک از منظر روانشناسان

روانشناسان شخصیت را مجموعه ای از جنبه های بدنی، عادات، تمایلات،

حالات، افکار، نظریات، استعدادها و رفتارهایی دانسته که در فرد به صورت خصوصیات و صفاتی نسبتاً پایدار در آمده و به صورت یک کل واحد عمل می کند. روانشناسان معتقدند که در این دوره مهم ترین عامل مؤثر در رشد و تکامل شخصیت کودک محیط، اولیاء و اطرافیان او هستند. همچنین روانشناسان، یکی از علت‌های ایجاد عقدۀ روانی را محترم نبودن فرد در برابر دیگران می دانند. مراعات احترام کودک یکی از راههای پیشگیری از پیدایش چنین آسیب روانی است. به علاوه، تکریم کودک و احترام به او، حس خودباوری و اعتماد به نفس را که در ارتباطات اجتماعی بسیار حائز اهمیت است، در آنان تقویت می کند. (بیابانگرد، ۱۳۷۲، ص ۸۷)

قرآن توجه به نیازهای معنوی و تأمین احتیاجات روانی کودک را به طرز ظریفی پیش بینی نموده است. از این روست که تکریم و رعایت احترام کودک به عنوان یک حق مسلم بر عهده والدین و دیگران، مورد تأکید قرار گرفته است. زیرا که دوره کودکی مهم ترین دوره زندگی انسان و دوره شکل پذیری و اثر پذیری او می باشد. (حیدری و پورشایگان، ۱۳۹۳، ص ۴)

کودک و نوجوانی که مورد توهین و تحقیر پدر و مادر قرار گیرد عقده و کینه پیدا می کند و دیر یا زود دست به طغیان و تمرد خواهد زد و از آنان انتقام خواهد گرفت. متأسفانه بعضی از پدران و مادران در ارتباط با احترام به کودکان برداشت نادرستی دارند، و می گویند: «اگر به کودکان احترام بگذاریم لوس می شوند و به ما احترام نخواهند گذاشت.» این گونه والدین، بی اعتنایی، بی توجهی و در بعضی مواقع تحقیر کودکان را یک نوع روش تربیتی می دانند، و بدین وسیله عزت و شخصیت کودک را لگدکوب کرده و احساس حقارت، فرومایگی و زبونی را در نهاد وی به ودیعه می گذارند. در صورتی که این روش، یکی از اشتباهات بزرگ تربیتی والدین می باشد، که با سیره و روش ائمه اطهار (ع)،

علمای دینی، علوم تربیتی و روانشناسی منافات دارد. احترام به کودک نه تنها پدر و مادر را در نظر فرزند کوچک نمی گرداند بلکه روح شرافت و بزرگواری و عزت نفس را در آنان پرورش می دهد. (شکوهی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۱)

احترام به کودکان در روایات

در روایات اسلامی برای محبت به کودکان تاکید فراوان شده است، مانند: رسول اعظم (ص) در ضمن خطبه‌ای در بیان وظایف مردم در ماه رمضان می‌فرماید: به بزرگسالان خود احترام کنید و نسبت به کودکان خود ترحم و عطوفت داشته باشید. «قَالَ: وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ». (حرعاملی، ۱۴۰۲، ج ۱۰، ص ۳۱۳)

و نیز فرموده است: کسی که به کودکان محبت و شفقت نداشته باشد و بزرگسالان را احترام نکند، از ما نیست. «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُؤَقِّرْ كَبِيرَنَا». (ورام، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۴)

از وصایای امیرالمؤمنین Γ به فرزندان هنگام شهادتش این بود که در خانواده خود به کودکان عطوف و مهربان باشید و بزرگترها را احترام کنید. (شیخ مفید، ۱۳۶۱، ص ۲۲۲ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲، ص ۲۰۳)

امام صادق Γ می‌فرماید: خداوند بعضی از مردان را به خاطر شدت محبت و دوستی نسبت به فرزندانش مورد لطف و رحمت خویش قرار می‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ». (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۵۰)

هم‌چنین آن حضرت نقل می‌کند: موسی بن عمران Γ به درگاه خدا عرض کرد، کدام اعمال نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی خود آفریدم و اگر از دنیا بروند با رحمتم آنان را داخل بهشت می‌نمایم. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۵۷ و بروجردی، ۱۳۸۰، ج ۲۱، ص ۲۹۲)

پیامبر [نشسته بود، حسن و حسین (علیهما السلام) به طرف آن حضرت آمدند. پیامبر] وقتی آنها را دید به احترام آنها ایستاد. چون به کندی حرکت می کردند، پیامبر (ص) به استقبال آنها رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: چه مرکب خوبی دارید و شما چه سواران خوبی هستید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۵).

در سیره ائمه اطهار=روش‌های مختلفی مانند بوسیدن برای مهرورزی وجود دارد. امام صادق^ع فرموده است: «أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ: فرزندان خود را زیاد ببوسید؛ زیرا برای شما در هر بوسیدن، درجه‌ای در بهشت است». نامیدن کودک با الفاظی زیبا و محبت‌آمیز مانند عزیزم و سلام کردن به او، از دیگر روش‌های مهرورزی در سیره معصومین=است. بنا بر روایات، پیامبر اکرم(ص) هر گاه از کنار کودکان عبور می‌کرد، با نهایت تواضع به آنها سلام می‌کرد. (حاج شریفی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵)

عمل کردن به وعده‌هایی که به کودک داده می‌شود نیز از دیگر موارد تکریم و تربیت کودک است که افزون بر محبتی که به او منتقل می‌کند، صداقت را نیز به او می‌آموزد. رسول خدا(ص) فرمود: «أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُمَا وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمَا شَيْئًا فَفُوا لَهُمَا: فرزندان را دوست بدارید و به آنان محبت کنید و هر وقت به آنان وعده دادید، به آن عمل کنید». مشورت خواستن از کودک نیز یکی دیگر از راه‌های تکریم و بزرگداشت اوست: «قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَأَنْظِرْ مَاذَا تَرَى» گفت: ای فرزند خردسالم، من مرتب در خواب می‌بینم که تو را سر می‌برم، پس بنگر چه نظر می‌دهی». مشاهده چنین برخوردهایی از طرف خانواده تأثیر مستقیمی بر روحیه و آرامش کودک دارد. در خانواده‌هایی که عشق و احترام در میان اعضا به مرور کمرنگ شود، بی‌شک کودکان دچار آسیب عاطفی خواهند شد. (لباف، ۱۳۸۵، ص ۶۴)

در رابطه با تاریخچه پژوهش در زمینه احترام به کودکان در اندیشه علامه طباطبایی تحقیقات زیادی صورت نگرفته و در خصوص رابطه احترام به کودک در قرآن و اسلام و نتایج آن اندیشه هایی صورت گرفته است که به صورت زیر می باشد:

سید باقر حسینی و زهرا عرب در مقاله ای با عنوان "تکریم و احترام گذاشتن به کودکان از دیدگاه قرآن و ائمه اطهار (الهیات و معارف اسلامی)" نشان میدهد که احترام گذاشتن به کودکان و تقویت حس عزت نفس در ایشان از جمله ی مهم ترین عواملی است که در سلامت روح و جسم آنان دخالت می کند.

صالحی و یار محمدی در مقاله ای با عنوان "تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تاکید بر هدف ها و روش های تربیتی" به استخراج دلالت های تربیتی مرحوم علامه با یک بررسی اجمالی از انسان شناسی معرفت شناسی و ارزش شناسی می پردازند تا در زمینه ی اهداف روش ها و وظایف معلم برای تربیت کودک استفاده شود.

رمضانی و حیدری در پژوهشی با عنوان "روش های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه" در مجموع ۶ روش برای تربیت اجتماعی کودک مورد بررسی و تبیین قرار داده اند و نیز به توصیه هایی با توجه به هر روش برای مربیان و والدین جهت بهره گیری و استفاده اشاره واقع شده است. روش های بررسی شده عبارتند از: الگویی، پیشگیری، عبرت آموزی، تشویق، تنبیه، تعلیم.

حیدری و پورشایگان در تحقیقی به بررسی شناخت و معرفی آیات قرآن کریم و دیدگاه های امام علی (ع) در مورد تکریم شخصیت کودکان، فوائد تکریم شخصیت کودک، تکریم شخصیت و ارزشها، عوامل و متغیرات در شکل گیری شخصیت کودک، وسایل تکریم شخصیت کودک از نظر اسلام پرداخته اند.

سمیعی و همکاران در مقاله ای با عنوان "بررسی میزان تاثیر استفاده از روش

های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام بر بهبود نگرش مربیان نسبت به آموزش احترام " نشان داد که احترام دانش آموزان نسبت به مربیان با توجه به روش های تربیتی ارائه شده از دیدگاه اسلام تاثیر چشمگیری داشته است.

بنابراین، من باب اهمیت موضوع این مقاله میتوان گفت که تکریم و احترام به شخصیت کودک را می توان به عنوان یک وسیله و روش تربیتی مهم معرفی کرد. برای تحقق هدف این مقاله یعنی بررسی اهمیت جایگاه احترام به کودکان در قرآن و آشنایی با مبانی استنباط و اجتهاد در علوم انسانی و تسلط بر مقدمات تحقیق در قرآن و احادیث و آگاهی از نظریات دانشمندان لازم و ضروری است. استاد علامه طباطبائی (ره) فقیه و مفسر و حکیم و اسلام شناس جامع در عصر حاضر، با الهام از سرچشمه ی وحی در رشته های مختلف علوم و معارف اسلامی تحقیقات جامع و گسترده ای کرده و آثار گران بهایی به وجود آورده است.

با توجه به ذکر مطالب گفته شده هدف از انجام پژوهش حاضر اهمیت جایگاه تربیتی و اجتماعی احترام به شخصیت کودکان در قرآن از دیدگاه اندیشه علامه طباطبائی می باشد. امید است که مطالب این تحقیق بتواند به عنوان ابزاری برای آشنایی خوانندگان در راستای موضوع مورد بحث قرار گیرد.

معرفی اجمالی علامه طباطبائی (ره)

سید محمدحسین طباطبائی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ش) مشهور به علامه طباطبائی مفسر، فلیسوف، اصولی، فقیه، عارف و اسلام شناس. وی از عالمان تأثیرگذار شیعه در فضای فکری و مذهبی ایران در قرن ۱۴ ش بود. او نویسنده تفسیر المیزان و کتاب های فلسفی بدایة الحکمة، نهایة الحکمة و اصول فلسفه و روش رئالیسم است. علامه طباطبائی در حوزه علمیه قم به جای اشتغال به فقه و اصول، درس تفسیر قرآن و فلسفه برقرار کرد. این کار او موجب رونق

دانش تفسیر در حوزه علمیه قم شد. روش تفسیری او تفسیر قرآن به قرآن بود. در دوران تعطیلی درس فلسفه، با برقراری جلسات هفتگی با شاگردان خاص خود تدریس مبانی فلسفی ملاصدرا و حکمت متعالیه را ادامه داد. بسیاری از مدرسان بعدی فلسفه در حوزه علمیه قم شاگردان او بودند. شاگردان او همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، مصباح یزدی و جوادی آملی را می‌توان جزو مؤثرترین و معروف‌ترین روحانیان شیعه در ایران در چهار دهه پایانی قرن ۱۴ ش دانست. نشست‌های علمی او با هانری کربن فیلسوف و شیعه‌شناس فرانسوی زمینه‌ساز معرفی تشیع به اروپاییان شد. (غیائی کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳)

احترام به کودک در سیره و دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی برای بچه‌ها خصوصاً دخترها ارزش بسیار قائل بود و دخترها را نعمت‌های خدا و تحفه‌های ارزنده می‌دانست، مدام بچه‌ها را به آرامش و راستی دعوت می‌نمود، میل داشت آوای صوت قرآن در گوش کودکان طنین انداز شود و برای همین منظور قرآن را با صدای بلند تلاوت می‌نمود. در فرصت‌های مناسب از روایات مطالبی آموزنده نقل می‌کرد و براین باور بود که این برنامه برای بچه‌ها مفید است، با کودکان بسیار مهربان و خوش رفتار بود و گاه می‌شد که وقت زیادی را صرف بازی و سرگرم کردن آنان می‌نمود، در عین حال از حد خود تجاوز نمی‌نمود که بچه‌ها لوس بار آیند، از سروصدای فراوان فرزندان و نوه‌ها و نیز پرحرفی‌ها و سؤالات مکرر آنان به هیچ عنوان ناراحت و خسته نمی‌شد، در خانه هم توصیه می‌کرد مبادا در مقابل کودکان عکس‌العمل بدی نشان دهید و به آنان چیزی بگویید، بچه باید آزاد باشد، در عین حال به ادب و تربیت آنان توجه داشت و رفتار پدر و مادر را در تربیت آنان مؤثر می‌دانست و عقیده داشت که حرف پدر و مادر نباید در مورد بچه یا در هر موردی که بچه‌ها شاهدند

دوگانه باشد و می گفت این حالت دوگانگی شخصیت بچه ها را ناجور بار می آورد. در رفتارشان با دخترها احترام و محبت افزون تری مشاهده می شد و می گفت به این ها باید محبت بیشتری شود تا در زندگی آینده با نشاط باشند و بتوانند همسری خوب و مادری شایسته باشند، حتی نام دختران را با پسوند سادات صدا می کرد و اظهار می داشت حرمت دختر مخصوصا سید باید حفظ شود. همسرش عقیده داشت که دختر باید در خانه کار کند ولی علامه می گفت به آنها فشار نیاور، آن ها اکنون باید آرامش داشته باشند و هنوز موقع کار کردنشان فرا نرسیده است. دخترش نقل کرده است در مواقعی غذایی طبخ می کردیم که اشکال داشت، پدرم اصلا به روی خودش نمی آورد و خیلی هم تعریف می کرد، مادرم می گفت به این ترتیب این دخترها در کدام خانه می توانند زندگی کنند؟ و پدرم می گفتند این ها امانت خدا هستند هرچه آدم به این ها احترام بگذارد خدا و پیغمبر خوشحال می شوند. تربیت ما منحصر در هنگام کودکی صورت نگرفت من پس از ازدواج هم همیشه از رهنمودهای پدرم بهره مند می شدم مثلا اوایل ازدواج هروقت به خانه پدرم می رفتم عوض این که بپرسند وضعت چگونه است؟ فقط سفارش می کردند که مبدا کاری کنی که موجبات ناراحتی مادر شوهرت را فراهم کنی که خدا از تو نمی گذرد. علاقه ایشان به فرزندان زیاد بود، در سال های اخیر که ما در تهران اقامت داشتیم، من هفته ای دو سه بار به ایشان سر می زدم ولی مشخص نبود که چه وقت هایی می روم منتهی هروقت می رفتم، خانمشان (همسر دوم علامه) می گفتند: که پدرت سه، چهار ساعت است که این جا قدم می زند و منتظر توست، وقتی می پرسیدم: از کجا می دانستید که من می آیم؟ پدرم جواب مشخصی نمی دادند و بالاخره هم نفهمیدم چگونه می دانستند که من چه وقت به آن جا می روم. فرزند محترمه علامه در ادامه افزوده است پدرم می گفت: اگر زن اهمیت نداشت خدا

نسل دوازده امام را از نسل حضرت زهرا (س) قرار نمی داد. واقعا اگر زن خوب باشد می تواند عالم را گلستان کند و اگر بد باشد عالم را جهنم می نماید. (جرعه های جانبخش، ش ۸۹۲، ص ۳۹۲-۳۹۴)

به این صورت با توجه به صحبت های مختلف علامه و آیات قرآن عواملی را از جایگاه اجتماعی و تربیتی احترام به کودک استخراج کرده و به طور خلاصه به تبیین آن ها می پردازیم.

الف) جایگاه اجتماعی

سعادت و رستگاری انسان در پرتو تعاملات اجتماعی و در ارتباط با دیگران به دست می آید. علامه طباطبایی در این مورد میگوید: «بدیهی است که یک سعادت واقعی و کامل جز در پرتو همکاری اجتماعی میسر نیست. چه در غیر این صورت اگر هم سعادت به دست آید، کامل و همه جانبه نخواهد بود». (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۴۴)

رستگاری و سعادت انسان، در سایه ی گرایش اجتماعی و روح جمعی انسان حاصل می شود. تاثیر گذاری در روح و نفس یک کودک بسیار آسان تر از تغییر یک فرد بالغ است پس برای رسیدن به این رستگاری میبایستی ریشه احترام را در کودکان قوی نمود. بعضی از اهداف اجتماعی احترام به کودک از دیدگاه علامه طباطبایی عبارت است از:

- تقویت روحیه تعامل و همکاری با احترام گذاشتن و مشارکت دادن کودک در کارها برای حل مسائل اجتماعی در زمان بزرگسالی (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۴۵)
- پرورش روحیه احترام به هم نوع در کودک و عدالت خواهی در آینده (مأنده: ۸)

- احترام به افراد و مراعات حقوق دیگران از زمان کودکی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۲۸۷)
- ایجاد روابط محبت آمیز و سازنده با دیگران از زمان طفولیت در نتیجه دیدن احترام از افراد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۹۰)
- ایجاد عادت به نظم و انضباط و احترام به اصول زندگی در کودک و عادت به رعایت مقررات و قوانین اجتماعی به هنگام بلوغ (ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۶)
- یادگیری احترام به افراد دیگر و به تبع آن خدمت و رفع نیاز آنان و رسیدن به روحیه مسئولیت پذیری در زمان بزرگسالی (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۷۰)
- شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی جامعه و احترام به آن در کودک برای حفظ و گسترش آن در آینده (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۴۰۷)

ب) جایگاه تربیتی

همانطور که در آیات قرآن و روایات رفتار پیامبر و سخنان ائمه اطهار(ع) مشاهده کردیم احترام تاثیر به سزایی در تربیت و تعلیم کودکان بر جای میگذارد. به این صورت که جایگاه تربیتی احترام در جامعه اسلامی در زمینه پرورش اخلاقی کودکان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اینک به برخی اهداف تربیتی احترام به کودک از منظر علامه طباطبائی اشاره میکنیم:

- شناخت تکریم شخصیت در کودک و توجه به کرامت های نفس (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۶۲)
- شناخت و پذیرش فرهنگ احترام و تلاش برای حفظ و گسترش آن (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۴۰۷)

- تهذیب نفس از رذایل و عادت های ناپسند (ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۴۸)
- تزکیه نفس و آراستن آن به فضایل اخلاقی (نهج البلاغه، ۱۳۶۵ق، نامه ۳۱)
- پرورش قدرت تفکر و اترام به تفکر دیگرانو استنباط و نیروی ابتکار در افراد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۳۰)
- احترام به ذوق هنری کودک و پرورش استعداد زیباشناسی.

نتیجه گیری

در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اِعمال هر گونه خشونت و بی‌رحمی در حق آنان باز داشته شده‌اند. این در حالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره‌مند نبودند. اهمیت و ارزش کودکان در اسلام تا آنجاست که آن‌ها نه فقط پس از تولد، بلکه پیش از تولد نیز دارای حقوقی هستند. گزافه نیست اگر بگوییم اسلام، اساس حقوق بشر را با حقوقی که برای کودکان در نظر گرفته، پایه‌گذاری کرده است. با توجه به آن چه مورد بررسی قرار گرفت به این نتیجه می‌رسیم که احترام و تکریم شخصیت آدمی از اصولی است که در فرایند تربیت باید رعایت شود، زیرا انسان نیازمند این است که دیگران برایش قدر و منزلتی قایل باشند و خودش را با قدر و قیمت ببیند و در برخورد با قدرانی دیگران، این احساس را به دست آورد که دارای ارزشی است، لذا اگر کودک در درون احساس شخصیت و عزّت نماید، اعتماد به نفس به دست آورده و در اجتماع شأن و منزلت پیدا می‌کند. خود را سالم نگه دارد اما اگر در درون احساس بی‌شخصیتی کرد، مستعد گرایش به انحرافات و کج رفتاری‌های اجتماعی می‌شود. لذا باید با توجه به آموزه‌های کتاب قرآن و با پیروی از دیدگاه افراد بزرگی مانند علامه طباطبایی در اهمیت به شخصیت فرزندان از هیچ تلاشی دریغ نکرده و رفتار ائمه معصوم = را در برخورد با کودکان الگوی خود قرار داد.

منابع

کتب

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب. (ج ۱۱). بیروت: دار بیروت، ۱۳۷۵.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن. (ج ۱). قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۵. بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعۀ. (ج ۲۱). تهران: مطبعه المساحه، ۱۳۸۰ق.
۶. بیگی، جمال، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. تهران: میزان، ۱۳۸۴.
۷. بیابانگرد، اسماعیل، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲.
۸. جلالوند، صابر، احترام به دیگران از نگاه قرآن. تهران: کیهان، ۱۳۹۹.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ. قم: مؤسسه آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۲ق.
۱۰. حاج شریفی، محمدرضا (۱۳۸۶). حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام. تهران: سینا.
۱۱. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، (ج ۲-۸-۱۰). قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۲. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها). تهران: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی. ۱۳۷۰.
۱۳. شیخ مفید، محمد بن محمد، الامالی. قم: حوزه علمیه، ۱۳۶۱.
۱۴. صدوق، محمد بن بابویه، مصداق الاخوان. تهران: جاویدان، ۱۳۶۲.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان. (ج ۹-۱۱-۱۲). ترجمه ی محمد باقر موسوی همدانی، تهران: رجا، ۱۳۶۲.

۱۶. غیائی کرمانی، سید محمدرضا، زندگی نامه علامه سید محمدحسین طباطبائی. قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱
۱۷. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر. قم: دار الهجره، ۱۳۹۷
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. (ج ۶). تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۹. لباف، فریبا، حقوق فرزندان از نظر قرآن و سنت. تهران: زهد، ۱۳۸۵
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار. (ج ۱۶-۴۲-۴۳-۷۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۱. وزیرى، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام. تهران: بین الملل، ۱۳۸۴.
۲۲. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام. (ج ۱). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۹.
۲۳. مقالات
۲۴. حیدری، ناهید؛ پورشایگان، نوشین، تکریم و احترام به کودک. مجموعه مقالات دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۳۹۳.
۲۵. عیوضی، محمدرحیم، فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی ها و اصول، ماهنامه زمانه، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.

نقش مادر در تربیت فرزندان مهدوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

فاطمه لک زاده^۱

چکیده

این مقاله به بررسی نقش مادر در تربیت فرزندان مهدوی می‌پردازد و با تأکید بر اهمیت تربیت دینی و مهدوی، ابعاد مختلف این نقش را تحلیل می‌کند. و تأکید می‌کند که تربیت مهدوی به معنای آماده‌سازی نسل آینده برای ظهور امام مهدی (ع) و تحقق عدالت و صلح در جامعه است. مساله اصلی این است که مادران به عنوان اولین معلم و الگوی تربیتی، می‌توانند در شکل‌گیری شخصیت، اخلاق و اعتقادات دینی فرزندان مؤثر باشند و آن‌ها را برای زندگی در جامعه‌ای عدالت‌محور و مهدوی آماده کنند. این تحقیق به بررسی نقش مادر از جنبه‌ی فردی که شامل: نقش مادر در تغذیه و رشد عاطفی، آموزش مفاهیم مهدویت، الگوسازی، ایجاد روحیه انتظار، تربیت اخلاقی و دینی و از جنبه اجتماعی به آموزش احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری، آموزش مشارکت اجتماعی، تقویت روابط اجتماعی و تشویق به تعاون و همکاری می‌پردازد تا فرزندان را به گونه‌ای شکل دهد که در آینده، آن‌ها را به افرادی آگاه و مسئولیت‌پذیر تبدیل کند. تحقیق حاضر با استفاده از منابع معتبر و مستندات دینی و اجتماعی به روش کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی انجام شده است. این مقاله تأکید می‌کند که با پرورش فرزندان مهدوی و ترویج آموزه‌های اسلامی می‌توان به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای ایده‌آل و مهدوی دست یافت که در آن ارزش‌های انسانی و اخلاقی در کانون توجه قرار دارد.

کلید واژه ها: نقش مادر، تربیت دینی، تربیت فرزندان، فرزندان مهدوی، جنبه های فردی، جنبه های اجتماعی.

^۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه <fatemeh6730fm@gmail.com> .

مقدمه

مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش مادران در جامعه اسلامی تربیت فرزندان مهدوی است. مادر به‌عنوان اولین معلم و تربیت‌کننده‌ی فرزندان، نقش بسیار مهمی در این فرایند دارد. از آن‌جا که مادر در اکثر مواقع از پدر زمان بیشتری را با فرزندان خود سپری می‌کند، می‌تواند آموزه‌های اخلاقی، دینی، اجتماعی و فرهنگی را به فرزندان منتقل کند. این تربیت تأثیر بسزایی بر شخصیت فرزندان دارد. در دنیای امروز که با چالش‌های متعددی مواجه است، تربیت فرزندان مهدوی به معنای آماده‌سازی نسل آینده برای ظهور امام مهدی (ع) و تحقق عدالت و صلح در جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از طرفی نیز تربیت مهدوی فرزندان نیازمند شناخت صحیح از اصول و آموزه‌های دینی و اخلاقی مهدویت است که مادر باید این موارد را به فرزندان خود آموزش دهد. مادر به‌عنوان «معمار تربیت مهدوی»، با انتقال ارزشهایی مانند امید، عدالت، معنویت و مسئولیت‌پذیری، نه تنها شخصیت فردی فرزندان، بلکه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند به تقویت بنیان‌های جامعه و ایجاد نسلی آگاه و مسئولیت‌پذیر منجر شود. در این راستا، زنان با ایفای نقش‌های مختلف خود، از جمله مادر، معلم و الگو، می‌توانند به تربیت نسلی بپردازند که نه تنها به ارزش‌های مهدوی پایبند باشد، بلکه جامعه را به سمت الگوی مطلوب «تمدن منتظر» سوق دهد که در آن ظلم ستیزی، اخلاق مداری و همبستگی اجتماعی به فرهنگ غالب تبدیل شود.

حال سوال این است که نقش مادر در تربیت فرزندان مهدوی چیست؟

اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که دشمن شبانه‌روز در صدد تخریب خانواده که در رأس آن مادر است، می‌پردازد؛ زمانی که مادر از نقش

اصلی خود که تربیت فرزند است دور شود، خانواده معنای حقیقی خود را از دست می‌دهد. همان‌طور که در آیه شش سوره تحریم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند [به‌طور کامل] اجرا می‌نمایند.» به مسئولیت زنان و مردان در تربیت فرزندان و مراقبت از آن‌ها از گناه و عصیان خداوند اشاره شده‌است.

ضروری است این مهم به‌عنوان یک فرهنگ نهادینه شود تا این فرزندان به‌دلیل تربیت‌های مهدوی و انتظار بتوانند جامعه حال حاضر را به جامعه مفید و مؤثری تبدیل و در پیشرفت و شکوفایی آن نقش مهمی ایفا کنند.

هدف این مقاله تبیین جایگاه بسیار حیاتی و مهم نقش مادر در تربیت فرزندان مهدوی و متعهد خدمت به جامعه است.

در مجله‌ی مطالعات مهدوی، پاییز ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «**مروری بر نقش مادران در تربیت نسل منتظر**» آمده: مهم‌ترین رسالت زنان منتظر توجه به تقویت بنیان‌های دین‌داری در فرزندان خود می‌باشد؛ چرا که نسل بدون دین با اعتقادات سست و بی‌اساس هرگز نمی‌تواند در آینده پرچمدار حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) باشد. بین تمام نقش‌های مختلف زنان در حفظ این ارزش تربیت نسل ولایی و زنده نگه‌داشتن محبت = به‌ویژه یاد و اندیشه مهدوی نقشی بسیار مؤثر و غیر قابل انکار بوده‌است. در مجله‌ی انتظار موعود، آبان ۱۴۰۰ در مقاله‌ای با عنوان «**مطالعه تأثیر تربیت ولایی در تحقق جامعه مهدوی**» نیز است: نقش مادران، اصلی‌ترین رکن برای شکل‌گیری و تربیت فرزندان مهدوی

است و مهدوی باوری عنصری است که انسان را رهنمون می‌کند به فرزند آوری و تولید نسل مهدوی که بتواند امام غایب خود را در تشکیل جامعه مهدوی یاری گرداند.

و همچنین در کتاب خانواده و تربیت مهدوی، مرتضی آقائهرانی، محمدباقر حیدری‌کاشانی که در سال ۱۳۸۹، انتشارات: کتاب یوسف آمده: از آن جا که هدف و آرمان تربیتی در فرآیند تربیت مهدوی وارد شدن فرزندان در شمار «انصارالمهدی» و «مهدی یاوران» است و از آن جا که اصلی‌ترین ویژگی مهدی یاوران، خدا محوری و موحدپروری است در طول تمام دوره‌های تربیتی اصالت باید با خدامحوری، موحد پروری، نیت‌های خالص الهی و رنگ و بوی خدایی گرفتن باشد؛ و در مقام عبودیت و فرآیند تربیت چه رنگ و بویی از رنگ و بوی خدا خوش تر؟!

بنابراین در این مقاله، تأکید بر ابعاد مختلف تربیت فرزندان، از جمله جنبه‌های فردی و اجتماعی است. همچنین، به جای تمرکز صرف بر جنبه‌های دینی، به چالش‌های معاصر و نیاز به تربیت نسل آینده برای مواجهه با این چالش‌ها نیز اشاره شده است. در این مقاله، نقش مادران به‌عنوان معماران تربیت مهدوی و تأثیر آن بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان به‌طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، تأکید بر اهمیت آموزش اصول و آموزه‌های مهدویت به فرزندان، به‌ویژه در دنیای امروز، از دیگر نکات متمایزکننده است.

مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی، ضروری است که توضیحاتی درباره مفاهیم و متغیرهای مرتبط با این موضوع ارائه شود.

(۱) تربیت

تربیت یعنی پرورش دادن چیزی از حالتی به حالت دیگر تا این که کامل و تمام شود. (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۶) و در اصطلاح تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و به فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه درون او و آنگاه که با پسوند خانواده بیاید، بدین معناست که در این نهاد کوچک، افرادی به عنوان مربیان و کسانی در جایگاه تربیت شونده‌گان وجود دارند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۵۰۷).

استاد مطهری در تعریف تربیت این گونه بیان می دارد: تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده ایم، نه این که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده ای. (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۲، ۵۵۱)

(۲) تربیت دینی

تربیت دینی، فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات (به تعبیر علامه جعفری، حیات معقول) مهیا می سازد (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۸۹) شهید مطهری وقتی می خواهند تربیت را تعریف بکنند می فرمایند: آن شکوفاسازی استعدادهای بالقوه انسان است (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۳) هدف تربیت دینی آن است که افراد جامعه را در فهم دین یاری رساند تا آن ها بتوانند آگاهانه درباره آن بیندیشند. این کار زمانی ممکن است که اذهان و عواطف آدمی، درهای خود را به

روی دین نبندند و تصور نشود که دین چیزی منسوخ و مطالعه آن فاقد ارزش است؛ بنابراین تنها راه سعادت‌مند شدن انسان، بهره‌مندی او از تعلیم و تربیت دینی است (رحیمی، ۱۳۸۰: ۴۱)

به طور کلی، تعریف تربیت دینی به منظور آشنا ساختن افراد با جریان کسب معرفت ایمانی و عقاید دینی است و همچنین پذیرش سنت‌ها و اعمال دینی، توجه به ملاحظات اخلاقی و رفتاری مورد تأیید دین و به عبارت دیگر ایجاد یا پرورش ایمان در افراد را در برمی‌گیرد. گریمیت در این زمینه می‌نویسد: «تعلیم و تربیت مذهبی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که موجب پرورش ایمان در افراد می‌شود، به‌ویژه فعالیت‌هایی که به آشنا کردن کودکان و نوجوانان به هسته اصلی معرفت، ایمان و عقاید ایمانی و منجر می‌شود (خاکپور، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

نقش مادر در تربیت فرزندان مهدوی

مهدویت و تربیت از دو جهت ارتباطی نزدیک و پیوندی عمیق با هم دارند: از یک سو، تربیت صحیح، زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (ع) است که می‌توان با پرورش نیروهای مخلص و معتقد به مهدویت زمینه قیام آن حضرت را فراهم کرد؛ چون در زمره اصحاب امام زمان (ع) قرار گرفتن، تربیت اسلامی و قرآنی می‌خواهد که بر اساس آن اندیشه، اخلاق و رفتار صحیح را باید به جامعه ارائه داد تا افراد صالحی از میان اجتماع پدید آیند و صلاحیت یاری حضرت مهدی (ع) را کسب نمایند. (احسانی، ۱۳۹۰: ش ۱۶)

از طرف دیگر روایات متعددی از رسول خدا [ائمه اطهار = وجود دارد که با ظهور مهدی موعود (ع) تربیت الهی و معنوی در عصر ظهور آن حضرت به بالاترین سطح خود می‌رسد و انحرافات اخلاقی بکلی از بین می‌رود. علاوه بر آنکه مهدی باوری آثار تربیتی فراوانی را بر انسان به همراه دارد؛ مانند امیدبخشی، رفع اضطراب و نگرانی ایجاد نشاط و شادابی و امثال آن در، نهایت می‌توان گفت: رابطه تربیت و مهدویت، رابطه‌ای است دو سویه هم تربیت بر تحقق مهدویت

کمک می رساند و هم مهدی باوری ضمن تأثیرات روحی و معنوی بر انسان پس از تحقق ظهور مهدی (ع) تربیت را در مسیر صحیح آن قرار می دهد (همان)

بنابراین نقش مادر در تربیت فرزندان بسیار حائز اهمیت است. امام علی (ع) در نامه ای به فرزندان امام حسن (ع) می فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتُهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُو قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ، لِيَسْتَقْبَلَ بِجَدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعْيَتُهُ وَ تَجَرِبَتُهُ؛ دل جوانان نخواستۀ، چونان زمین ناکشته است که هر تخم در آن افکنند، بپذیردش و بپروردش من نیز پیش از آنکه دلت سخت و اندرزنناپذیر شود و خردت به دیگر چیزها گراید، چیزی از ادب به تو می آموزم. تا به جدّ تمام، به کارپردازی و بهره خویش از آنچه اهل تجربت خواستار آن بوده اند و به محک خویش آزموده اند، حاصل کنی و دیگر نیازمند آن نشوی که خود، آزمون از سرگیری.» (نهج البلاغه: نامه ۳۱)

از این نامه می توان به اهمیت تربیت فرزند در کودکی پی برد. از این رو مادران در تربیت مهدوی فرزندان خود از دوران کودکی باید به این مهم توجه نموده و تلاش کنند با ایجاد فضایی محبت آمیز و آموزش مفاهیم اخلاقی، شخصیت دینی فرزندان را شکل دهند و از جنبه اجتماعی نیز آنها می توانند فرزندان را به مشارکت در فعالیت های اجتماعی و دینی تشویق کنند تا حس مسئولیت و تعلق به جامعه را در آنها تقویت نمایند. بدین ترتیب، نقش مادران در تربیت فرزندان مهدوی به رشد فردی و تقویت بنیان های اجتماعی کمک می کند.

۱. جنبه های فردی

نقش مادر در تربیت فرزندان مهدوی به جنبه های فردی مهم بسیاری تقسیم می شود که در این مقاله به پنج مورد اشاره می شود: ۱. نقش مادر در تغذیه و رشد عاطفی و جسمانی فرزند، ۲. آموزش مفاهیم مهدویت، ۳. الگو سازی، ۴. ایجاد

روحیه ی انتظار ۵. تربیت اخلاقی و دینی فرزندان، که این نقش ها به شکل گیری باورها و رفتارهای نیکو در فرزندان کمک می کند.

(۱-۱) نقش مادر در تغذیه و رشد عاطفی و جسمانی فرزند

تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی و اخلاقی انسان، جای انکار نیست. از این رو، دین اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن درباره تغذیه مادران و فرزندان، توصیه های فراوانی دارد که اگر به خوبی اجرا شود از بروز بسیاری از مشکلات تربیتی پیشگیری خواهد شد. نخستین غذایی که کودک پس از تولد از آن تغذیه می کند شیر مادر است. شیر مادر از جنبه های گوناگون بر کودک تأثیر می گذارد و آنچه مهم است تأثیرات روحی آن است (یوسفیان، ۱۳۸۶: ۲۶). امام علی(ع) فرمود: چیزی برای کودک سودمندتر و پربرکت تر از شیر مادر نیست (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۵، ۱۷۵).

مادرانی که با وضو به فرزند خود شیر میدهند و با ذکر و یاد خدا سینه بر دهان فرزند قرار می دهند قطعاً در تربیت نسل مهدی باور و مهدی یاور توفیق بیشتری خواهند داشت. تأثیر شیر مادر در پرورش شخصیت معنوی فرزندان امری مسلم و غیرقابل انکار است. حکایات زیبایی که از زندگی برخی علمای بزرگ و مفاخر دینی ما ذکر شده، به خوبی بیانگر نقش شیر مادر در شکل گیری شخصیت معنوی فرزندان است. (Etratonna.ir)

مادر شیخ انصاری که فرزندش از مفاخر بزرگ عالم تشیع است وی می گوید: «من درباره، پسر من توقع بیشتری داشتم؛ زیرا در دو سالی که او را شیر، دادم هیچ وقت بدون وضو نبودم حتی در نیمه شب بلند، زمستان یخ حوض را می شکستم و وضو می گرفتم سپس بچه ام را شیر می دادم هیچگاه بدون بسم الله سینه بر دهان فرزندم نگذاشتم (میخبر، ۱۴۰۰: ۱۷۷).

همچنین مادر مرحوم آیت الله مقدس اردبیلی می گوید هرگز لقمه ای شبهه ناک. نخوردم قبل از شیر دادن وضو می گرفتم هرگز چشم به نامحرم نینداختم و

در تربیت او کوشیدم» والدین حضرت امام خمینی رحمه الله علیه نیز بسیار کوشیدند برای شیردهی فرزند بزرگوار خود دایه ای بیابند که از روزی کاملاً حلال استفاده کند. آنان پس از یاس از یافتن چنین دایه‌های با خانمی قرار گذاشتند در طول شیردهی این فرزند حتی یک لقمه از غذای خود استفاده نکند و تمام ارتزاق وی از غذایی باشد که برای او می آورند(همان).

قرآن کریم و روایات معصومان الله به این بعد از تربیت پرداخته اند؛ چنان که قرآن مسئله تغذیه کودک از شیر و مدت زمان آن را مطرح می کند «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره، ۲۳۳). همچنین در مورد کیفیت و نوع تغذیه انسان نیز می فرماید انسان باید به غذای خود بنگرد: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴).

گرچه به تعبیر برخی روایات، مراد از این طعام غذای روح است ولی ظاهر آن غذای جسم است و دست کم نمی توان آن را از ظاهر منصرف دانست افزون براین تغذیه جسمی از تغذیه روحی جدا نیست چراکه احکام خمسه حلال، حرام مکروه مستحب و مباح و نیز حکم پاک و نجس به انواع غذاها تعلق می گیرد و به این لحاظ غذای جسم در روح نیز تأثیر می گذارد(حسینی زاده، ۱۴۰۲: ۲۴۰).

رسول خدا(ص) درباره زنان باردار فرمود: به زنان باردار در آخرین ماههای حاملگی خرما بخورانید تا فرزندان شما بردبار و متقی شوند(محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۶، ۳۸۴). در روایات متعددی نیز به تغذیه کودک از غذاهای مقوی و طاهر مانند خرما(طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۶۹) شیر (همان: ۱۹۴) سویق (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۱۴) و مانند آن و انواع میوه جات (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۷۱ - ۱۷۵) سفارش شده است.

زمانی که مادر با هیجان عاطفی خاصی طفل را در آغوش خود می فشارد و به او شیر می دهد، یا زمانی که به زبان کودکانه و با تمام وجود با فرزند خود سخن میگوید و برق عشق و محبت از چشمان او می جهد و تا اعماق وجود طفل نفوذ

میکند همین گرمای مطبوع عشق و محبت است که بذرهای عاطفه را در وجود کودک می پروراند و او را با اکسیر عشق و کیمیای محبت آشنا می سازد. (یوسفیان، ۱۳۸۶: ۶۳).

رهبر معظم انقلاب می فرمایند: بهترین روش تربیت فرزند انسان این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می کنند اشتباه می کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده اند، اسلام این را اجازه نمی دهد. یکی از وظایف مهم زن عبارت از این است که فرزند را با عواطف با تربیت صحیح با دل دادن و رعایت و دقت آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد از لحاظ روحی یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری بدون احساس ذلت، و بدون بدبختیها و فلاکتها و بلایایی که امروز نسلهای جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن، گرفتارند بار آمده باشد (<http://www.khamenei.ir>).

بنابراین مادران در شکل گیری سلامت عاطفی و جسمی فرزندان مهدوی نقش کلیدی دارند و با تأمین تغذیه حلال و مغذی، نه تنها به رشد فیزیکی فرزندان کمک می کنند، بلکه با ایجاد فضایی سرشار از محبت و توجه، احساس امنیت و آرامش را در دل آنها نهادینه می سازند. این محیط، باعث پرورش روحیه ای قوی و متعهد به ارزش های مهدوی است.

۲-۱) نقش مادر در آموزش مفاهیم مهدویت

فضای حاکم بر محیط خانواده تاثیر فراوانی بر روی رفتار کودکان می گذارد اگر فرهنگ و محیط خانواده ای مبنایش بر این است که در آن مسأله ی وجود امام زمان (ع) امری جدی و جزء اصول آن خانواده است، کودکان نیز تحت تاثیر این فضا قرار گرفته و به تدریج با این مساله آشنا میشوند. (محمدی: ۲۰)

یکی دیگر از راههای انتقال فرهنگ انتظار به کودکان گره زدن این فرهنگ با علایق و زندگی روزانه کودک است مثل اینکه برای کودک توضیح دهیم که اگر

خوب درس بخواند یک قدم به اینکه یار و سرباز امام زمان (ع) باشد نزدیکتر میشود همچنین میتوان در طول هفته و ایام سال با متذکر شدن زمانهایی که میگویند متعلق به امام زمان (ع) است او را با این موضوع بیشتر آشنا کرد « (معین الاسلام، ۱۳۸۶: شماره ۲۲)

همچنین یکی از مسائلی که باید به کودکانمان بیاموزیم آموزش احادیثی درباره آن حضرت است. آموزش دعایی کوتاه برای امام زمان (ع) و تکرار آن و جایزه دادن به او می تواند در جهت تحقق انس او با حضرت تاثیر گزار باشد البته باید توجه داشت که از زیاده روی در آموزش و ایجاد انس پرهیز کرد. (همان)

یکی از بهترین وسیله ها برای بیدار سازی عواطف کودکان و نوجوانان و تحریک عشق و علاقه آنها به ولی خدا و امام زمان (ع) با استفاده از فنون فصاحت و بلاغت و صناعات ادبی است. بهتر است سیمای حکومت امام زمان (ع) در قالب شعر، داستان و تصویر بیان شود. برای دستیابی به این امر میتوان از قدرت تخیل و علاقه مندی کودکان به شنیدن قصه ها و قهرمان پروری استفاده کرد و به نقل داستان کسانی که با حضرت ارتباط داشته اند پرداخت . (همان)

در حقیقت مادران می توانند با بهره گیری از داستان ها و منابع آموزشی مناسب، مفاهیم مهدویت را با شیوه ای ساده و قابل درک برای فرزندان خود توضیح دهند و به فرزندان خود در درک بهتر این مفاهیم کمک کنند.

۱-۳) نقش مادر در الگو سازی

از بهترین وسایل مؤثر در تربیت اخلاقی و عاطفی و اجتماعی کودک، الگوست (بهشتی، ۱۳۹۵: ۳۸۳) که کاربرد گسترده ای در تربیت دارد و در آن مشاهده برجسته است و قرآن کریم و معصومان نیز به آن توجه زیادی دارند، روش الگویی است. این روش یکی از کاراترین روش ها در تربیت به ویژه در تربیت اخلاقی به شمار می رود. قرآن کریم افزون بر توصیه به استفاده از این روش (احزاب، ۲۱) در عمل تربیتی نیز آن را به کار گرفته است (فتح: ۲۹) (حسینی زاده، ۱۴۰۲: ۱۸۹)

الگو، گاه عینی و مستقیم است و گاه تاریخی و غیر مستقیم. منش فعالیت ها و منش تربیتی چهره های مورد احترام و اعتبار، از نوع ارائه ی الگوی غیر مستقیم است اما همانگونه که مشاهده ی الگوی عینی نقش انگیزشی دارد، اطلاع و آگاهی از الگوهای معتبر تاریخی هم این نقش را ایفا می کند. بنابراین، گزارش سیره های تربیتی معصومان = گونه ای الگو سازی است که به ویژه در معتقدان به منزلت والای آنان نقش تهییجی داشته و ترغیب کننده ی روانی به شمار می رود. (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۲۷-۲۸). مادران به عنوان اولین الگو، با رفتار و گفتار خود به عنوان الگوهای عملی برای فرزندان خود عمل و با نمایش ویژگی هایی چون صبر و امید، می توانند در آن ها روحیه انتظار فرج را تقویت کنند.

والدین، اولین سرمشق و مدل برای رفتار کودک هستند. او با مشاهده ی رفتار والدین آن را الگوی رفتاری خود قرار می دهد به همین جهت در روایتی آمد: «عن أبي جعفر و أبي عبد الله الا قالاً يُحفظ الأطفال بأعمال آبائهم كما حفظ الله الغلامين بِصَلاح أبيهما؛ رفتار کودکان در اثر خوبی های رفتار والدین آنها حفظ و نگهداری می شود...» (عیاشی، ۱۴۲۱ق: ۲، ۳۳۸، ذیل سوره کهف آیه ۸۲).

الگوی مهدوی باید در آن جنبه از معارف مهدویت که به عنوان الگو معرفی می گردد نمونه و ممتاز باشد. حال در آن جهت، یا نمونه ی کامل بوده و یا این که حداقل نسبت به دیگران به ویژه کودک الگوپذیر، جلوتر و پیش تر باشد و در راه تحقق کامل جنبه الگویی با سرعت و صحت بیشتری حرکت کند. این جنبه الگویی می تواند فکری، اخلاقی، عاطفی و یا رفتاری باشد.

ممتاز بودن الگوهای مهدوی، نقش بسزایی در آموزش کامل تر جنبه الگویی به کودک و جذب او به معارف مهدوی ایفا می کند. مثلاً برای تقویت گرایش و عشق کودکان به امام زمان (ع) باید کسی را به عنوان الگوی عاطفی مهدوی معرفی کنیم که واقعاً در این زمینه ممتاز و نسبت به دیگران پیش تر باشد، یعنی عشق و علاقه فراوانی نسبت به حضرت مهدی (ع) داشته و این عشق در سراسر زندگی او جریان دارد و در قالب گفتار، اخلاق و رفتارهای متناسب نمایان شود. (عبداللهی، ۱۳۹۶: ۱۶۲)

همچنین، با مطالعه و آشنایی با سیره اهل بیت، مادران می توانند معارف دینی شامل احکام شرعی، تاریخ اسلام و آموزه های اخلاقی را به فرزندان منتقل کنند که به شکل گیری هویت دینی آنها کمک می کند. ایجاد محیط خانوادگی سالم و محبت آمیز نیز می تواند به فرزندان احساس امنیت و آرامش بدهد و آنها را به سمت رفتارهای مثبت هدایت کند.

پاکی و سلامت محیط تربیتی طفل فقط در این صورت ممکن است که او به اخلاق و سیره و محبت پیامبر و ائمه اطهار ارتباط و اتصال دهیم. (همان: ۴۰۰).
امام علی (ع): «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. فرزندان خود را با سه خصلت تربیت کنید: ۱ - دوست داشتن پیامبران ۲ - دوست داشتن خاندان او ۳ - خواندن قرآن» (متقی، ۱۴۰۹: ۱۶، ۴۵۶)

جوان، قهرمان جو و الگو طلب است. (بهشتی، ۱۳۹۵: ۴۰۱). انسان به طور طبیعی علاقه مند به قهرمانها است. او دارای روح قهرمان پروری است یعنی

میخواهد به شخص بزرگی عشق بورزد و او را در زندگی خود الگو قرار دهد. یکی از پشتوانه های الگونمایی مهدوی همین روحیه قهرمان دوستی و قهرمان جویی است. انتخاب قهرمان، عشق ورزی به او و همچنین الگوپذیری از وی در سرنوشت انسان به ویژه در دوره ی کودکی و شکل دادن به زندگی تأثیر فراوانی دارد هدایت این تمایل فطری به سوی قهرمانان واقعی و الگوهای والای انسانی میتواند کمک مؤثری به پرورش فضائل اخلاقی در فرد و جامعه باشد(مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱، ۳۸۲)

مادر با الگوگیری از سیره اهل بیت، ارزش های اخلاقی مانند صداقت، محبت، احترام به دیگران و ایثار را به فرزندان خود آموزش می دهد. سیره حضرت فاطمه الزهرا E به عنوان الگوی محبت و فداکاری می تواند به مادران کمک کند تا این ویژگی ها را در فرزندان پرورش دهند. آشنایی کودکان و نوجوانان با سیره و راه و رسم زندگی بزرگان اسلام بسیار مفید است. (عبداللهی، ۱۳۹۶: ۴۰۱) قرآن در اهمیت بخشیدن به این مطلب است که می فرماید: «وَلِئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ... اینان را خداوند هدایت کرده و تو به هدایت آنها اقتدا کن» (انعام: ۹۰)

۴-۱) نقش مادر در ایجاد روحیه ی انتظار در فرزندان

تقویت روحیه امید و انتظار در فرزندان از دیگر وظایف مادران است. با آموزش ارزش هایی چون صداقت، احترام و مهربانی، می توانند شخصیت اخلاقی فرزندان را شکل دهند و آن ها را برای زندگی در جامعه ای عدالت محور آماده کنند. این روحیه انتظار به فرزندان کمک می کند تا در مواجهه با چالش ها، به آینده ای روشن و مهدوی امیدوار باشند.

او با شرکت در مراسمات مذهبی، دعا برای فرج و ایجاد فضای معنوی در خانه، روحیه انتظار را در فرزندانش تقویت می کند. او می تواند فرزندانش را به مطالعه و تحقیق درباره امام زمان (ع) تشویق کند تا به صورت فعالانه با این موضوع درگیر

شوند و درک عمیق‌تری پیدا کنند. بیان ویژگی‌های عصر ظهور و بهبود شرایط جهان در آن زمان می‌تواند امید و نشاط را در آن‌ها تقویت کند. همچنین، تشویق به انجام کارهای نیک و کمک به دیگران نیز می‌تواند احساس نزدیکی و ارتباط با ایشان را در فرزندان ایجاد کند.

اگر مادر بنا دارد که فرزندی مهدی باور تربیت کند؛ باید بداند که هر چه محبت و دلباختگی و ارتباط قلبی او با حضرت بیشتر باشد و این علقه در رفتار وی که فرزندش شاهد آن است نمود عینی داشته باشد؛ به همان میزان می‌تواند این محبت و دلباختگی و عشق را به فرزند، خود بدون نیاز به آموزش رسمی انتقال دهد. همچنین اگر مادر منتظر از انجام رفتارهای مخالف با میل ولی خدا خودداری کند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم نشان دهد که به خاطر حضور و ناظر بودن حضرت مهدی (ع) از انجام این کار خودداری کرده است؛ تأثیر بسزایی در ایجاد روحیه مهدی باوری در فرزندش خواهد داشت (محمدی: ۱۵).

۵-۱) نقش مادر در تربیت اخلاقی و دینی فرزند

یکی از وظایف مهم خانواده (و بخصوص مادر) در عصر غیبت کبرای امام زمان (ع)، آشنا سازی فرزندان با مهدی (ع) است معرفی ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات اخلاقی به ویژه علاقه مندی آن حضرت به کودکان و به خصوص کودکانی که نماز می‌خوانند، به پدر و مادر خود احترام می‌گذارند، موجب ایجاد محبت و ایمان به آن امام بزرگوار در قلب کودکان خواهد شد (احسانی، ۱۳۹۰: ش ۱۶). این تربیت اخلاقی، فرزندان را برای ایفای نقش مثبت در جامعه مهدوی آماده می‌سازد.

بعد اخلاقی یکی از ابعاد بسیار مهمی است که در اسلام به آن توجه جدی شده است، به طوری که برخی محتوای دین را در سه بخش اعتقادات عبادات و اخلاقیات می‌دانند که دو بخش اول در تربیتی دینی و بخش سوم نیز تربیت اخلاقی است. قرآن کریم افزون بر اینکه پیامبر را بر اخلاق عظیم می‌داند: «وَإِنَّكَ

لَعَلَّی خُلِقَ عَظِیمٌ» (قلم: ۴) می فرماید انسانها در قیامت بر اساس مکتسبات قلبی بازخواست میشوند نه اعمال جوارحی: «لَا یُؤْخِذُکُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِیْ اَیْمَانِکُمْ وَلَکِنْ یُؤْخِذُکُمْ بِمَا کَسَبَتْ قُلُوبُکُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ حَلِیمٌ» (بقره: ۲۲۵) همچنین امام کاظم (ع) می فرماید: «الزُّمُّ الْعِلْمُ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِکَ وَ أَظْهَرَ لَكَ فَسَادَهُ» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۷۷)؛ لازم ترین علم برای تو علمی است که تو را به صلاح و فساد قلبت راهنمایی کند. این علم جز علم اخلاق نیست. (حسینی زاده، ۱۴۰۲: ۲۴۴)

امام صادق T می فرمایند: «مَنْ سَرَّ أَنْ یَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلَیَنْتَظِرْ وَ لَیَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْاِخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْاِجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجَدُّوا وَ انْتَظَرُوا هَبْنَا لَكُمْ اَیُّهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ: " کسی که دوست دارد از اصحاب و یاوران قائم باشد، باید که منتظر ظهور باشد و بر اساس ورع (پرهیزگاری و تقوای شدید) و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که در مسیر انتظار گام برمی دارد. پس اگر در این حالت مرگ او فرارسد و قائم پس از او قیام نماید، پاداش او همچون پاداش درک کنندگان آن حضرت خواهد بود. پس با جدیت تمام بکوشید و منتظر بمانید! ای گروهی که مورد رحمت خداوند قرار گرفته اید!». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۲، ۱۴۰).

در نظام تربیتی اسلام، این نکته مورد تاکید قرار گرفته است که دوران کودکی، دوران شکل گیری شخصیت دینی، عاطفی، عقلی و... کودک است. روایات در این زمینه دلالت دارند که در دوران کودکی (هفت سال اول) بایستی عنایت خاصی بر آشنایی کودک با مقوله های مذهبی و اخلاقی وجود داشته باشد. نظر به محدودیت قدرت درک و فهم کودک از ارزش های اخلاقی و به لحاظ رشد نیافتگی او از لحاظ اجتماعی، بیشترین تلاش مربیان در این مرحله، باید در جهت ایجاد رغبت، علاقه و انس در کودک به ارزش ها و مفاهیم اخلاقی باشد.

والدین می توانند فرزند خود را در هر مرحله از زندگی به نحوی با مسائل دینی گره بزنند. کودک می تواند امورات دینی را به صورت شعر یا آهنگ حفظ کند و از او در مراسم مذهبی کمک گرفته شود. حفظ قرآن و ادعیه، استفاده از نوجوانان به عنوان قاری یا مداح مراسمات، هدیه کتاب هایی در زمینه شناخت امام زمان (ع) و همچنین برعهده گذاشتن مدیریت و رهبری بخشی از مراسمات، او را مشتاق قدم زدن در راه ولی خدا می کند و محبت حضرت ولی عصر (ع) را در دل او می پروراند. (معارف وند، ۱۴۰۲: ش ۱)

بنابراین مادر با تأثیرگذاری بر رفتار و نگرش فرزند، می تواند ارزش های اخلاقی و دینی را در او نهادینه کند. در نتیجه، فرزندان با اصول اخلاقی و دینی قوی تری به جامعه وارد می شوند.

۲. جنبه های اجتماعی

مادر در تربیت فرزندان مهدوی نقش های اجتماعی مهمی ایفا می کند که به پنج مورد آن اشاره می شود: ۱. آموزش احترام به دیگران ۲. مسؤولیت پذیری ۳. آموزش مشارکت اجتماعی ۴. تقویت روابط اجتماعی ۵. تشویق به تعاون و همکاری. این جنبه ها به شکل گیری رفتارهای مثبت و ارزش های اجتماعی در فرزندان کمک کرده و آن ها را برای نقش آفرینی مؤثر در جامعه آماده می سازد.

۱-۲) نقش مادر در آموزش احترام فرزند به دیگران

احترام به دیگران یکی از ارزش‌های اساسی در اسلام و بسیاری از فرهنگ‌هاست که از طریق آموزش مستقیم و غیرمستقیم به کودکان منتقل می‌شود. مادران با رفتار محترمانه خود با دیگران، الگوی عملی برای فرزندان هستند. کودکان با مشاهده رفتار مادران، احترام را به عنوان یک هنجار اجتماعی می‌آموزند. مادران می‌توانند با بیان اهمیت احترام به دیگران و توضیح دلایل آن، این ارزش را به صورت مستقیم به فرزندان آموزش دهند. تشویق فرزندان به رفتارهای محترمانه مانند سلام کردن، رعایت ادب در گفتار و رفتار، و احترام به بزرگترها، از روش‌های مؤثر در آموزش این ارزش است.

همچنین در اسلام بر آموزش آداب و اخلاق اجتماعی از جمله آداب معاشرت سفارش زیاد شده است، به طوری که امام صادق Γ نقل می‌کنند که لقمان حکیم به فرزندش فرمود: «یا بُنِیْ اِنْ تَاَذَّبْتَ صَغِیْرًا اَنْتَفَعْتَ بِهٖ کَبِیْرًا وَ مَنْ عَنِیْ بِالْاَدَبِ اَهْتَمَّ بِهٖ وَ مَنْ اَهْتَمَّ بِهٖ تَکَلَّفَ عِلْمُهٗ وَ مَنْ تَکَلَّفَ عِلْمُهٗ اَشْتَدَّ لَهُ طَلْبُهٗ وَ مَنْ اَشْتَدَّ لَهُ طَلْبُهٗ اُذْرَکَ بِهٖ مَنَفْعَةٌ فَاتَّخِذْهُ عَادَةً؛ فرزندم اگر در کودکی ادب بیاموزی در بزرگسالی از آن بهره‌خواهی برد و هرکسی قصد ادب کند به آن اهتمام می‌ورزد و هرکس اهتمام به ادب آموزی داشته باشد در راه کسب آن می‌کوشد و هرکس در راه آن کوشش کند از آن سود می‌برد پس آن را عادت خود ساز» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳، ۴۱۹). آموزه‌های دینی در تربیت فرزندان مهدوی و آموزش احترام به دیگران نقش بسیار مهمی دارند. این آموزه‌ها می‌توانند به عنوان مبنای اخلاقی و رفتاری برای فرزندان عمل کنند.

آیات و روایات بسیاری وجود دارد که روشن می‌کند آموزش دادن احترام به دیگران در تربیت فرزند مخصوصاً فرزند مهدوی اهمیت بسیاری دارد. امام صادق Γ می‌فرمایند: «اِکْرَامُ الْکَبِیْرِ مِنْ اِجْلَالِ اللّٰهِ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی؛ احترام به بزرگترها بخشی از بزرگداشت خداوند متعال است» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۸، ۳۹۸) این آموزه

به فرزندان آموزش می دهد که در تعاملات اجتماعی خود به دیگران احترام بگذارند.

همچنین رسول خدا [اهمیت احترام گذاشتن فرمودند: « مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ - فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يُكْرِمُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُفْعَلَ بِهِ؛ کسی که برادر دینی اش را احترام کند و او را گرامی بدارد خدا را احترام کرده و گرامی داشته است»] مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱، ۳۱۹)

عامل دیگری که می تواند فرزند را در مسیر احترام به دیگران یاری نماید آن است که مادر به او آموزش دهد که خود را در جایگاه دیگران قرار داده و هر آنچه برای خود می پسندد برای دیگران نیز بیسندد و هر آنچه برای خود بد می داند را برای دیگران نیز بد بداند. حضرت علی [در توصیه ای به فرزندش می فرماید: «وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ لَهُمْ مِنْكَ؛ نفس خویش را بین خود و مردم میزان قرار بده، آن را برای مردم دوست بدار که برای خود دوست داری، درباره دیگران به چیزی بی میل باش که نسبت به خود بی میلی، به مردم ستم نکن همان طور که نمی خواهی بتو ستم شود، به مردم نیکی کن همان طور که مایلی درباره ات نیکی کنند، از خود قبیح بشناس چیزی را که از دیگران قبیح می شناسی» (حرانی، ۱۳۸۲: ۷۴)

بنابراین مادر با آموزش اهمیت احترام و نشان دادن نحوه تعامل مؤدبانه با دیگران، به فرزند می آموزد که چگونه در روابط اجتماعی خود رفتار کند. همچنین با تشویق فرزند به ابراز احترام در موقعیت های مختلف، به شکل گیری این ویژگی در او کمک می کند و به او می آموزد که احترام به دیگران بخشی از هویت اجتماعی اوست.

۲-۲) نقش مادر در مسؤولیت پذیری فرزند

از دیدگاه اسلامی انسان موجودی مسؤول است؛ چون مختار است و اختیار مسؤولیت را نیز به دنبال دارد. انسان نسبت به خود و هر آنچه انجام می دهد و یا انجام نمی دهد، مسؤول است؛ از این رو طبق گفته قرآن در قیامت خطاب می شود: «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)؛ زیرا او طبق آیه ۷۲ سوره احزاب این مسؤولیت را پذیرفته است، ولی گاهی تخلف می کند: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَتَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲)

مادر نسبت به تربیت فرزند مسؤول است. فرزند نیز نسبت به تربیت خود و پذیرش تربیت مادر مسؤول است؛ چنان که امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود می فرماید: « أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَّالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمُعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَفِي نَفْسِهِ فَمُتَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ حَقُّ فَرَزْنَدِ تُوْ اَيْنِ اِسْت...در سرپرستی وی مسؤولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری اش دهی.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۶۳). همچنین آن حضرت در مورد حق فرزند می فرماید: و اما حق اندرز جوی تو این است که تا بدانجا که سزاوار اوست و تاب می آورد پندش دهی و آنگونه سخن گویی که به گوشش نیکو آید و توان فهمش را داشته باشد؛ چراکه هر عقلی شایسته نوعی از سخن است که آن را بفهمد و متوجه شود، ولی می بایست شیوه ات مهرورزی باشد. (همان، ۲۶۹)

با در نظر گرفتن این نکات، مادر می تواند به فرزند بیاموزد که هر فردی در جامعه وظایفی دارد و باید به نیازهای دیگران توجه کند. با آموزش اهمیت مشارکت در فعالیت های اجتماعی و مسؤولیت پذیری در قبال جامعه، فرزند یاد

می‌گیرد تا به ارزش‌های مهدوی نزدیک‌تر شود و در راستای خدمت به جامعه تلاش کند.

۲-۳) نقش مادر در آموزش مشارکت اجتماعی به فرزند

مادر باید سعی کند هم خود در فعالیتهای اجتماعی شرکت کند و هم همه فرزندش را در فعالیتهای اجتماعی مشارکت دهد به طوری که فرزند احساس کند نه تنها مورد بی توجهی قرار نگرفته بلکه وظیفه دارد در فعالیتهای اجتماعی شرکت کند و نسبت به آنها بی تفاوت نباشد؛ از این رو از امام صادق [نقل شده است که فرمود: پدرم هرگاه امری او را محزون می کرد زنان و کودکان را جمع می کرد و دعا می کرد و آنها آمین می گفتند (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۸؛ حسینی زاده، ۱۴۰۲: ۲۴۷).

نقش مادری، مهارتی است همراه با مبانی دقیق که در وجود زن نهاده شده که غفلت و اشتباه در آن موجب فساد و تباهی جامعه و مراقبت از آن، جامعه ای خیرخواه و متکامل پدید می آورد (برجی نژاد، ۱۳۸۹: ۱). مادران می‌توانند با آموزش ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، فرزندان را به سمت مشارکت فعال در جامعه هدایت کنند. این تجارب می‌توانند به شکل‌گیری احساس مسئولیت اجتماعی کمک کرده و تعهد به خدمت به جامعه را ترویج دهند. به‌طورکلی، پشتیبانی اجتماعی از سوی مادران می‌تواند به توسعه مهارت‌های اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس، و تسلط بر مشکلات اجتماعی کمک کند. مادران با ایجاد محیطی حمایتی و تشویق به فعالیتهای اجتماعی، می‌توانند فرزندان خود را به درک اهمیت مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری ترغیب کنند.

با پرورش اخلاقی و اجتماعی فرزندان و ترویج آموزه‌های اسلامی مانند عدالت، مهربانی، انصاف، صداقت و تواضع، می‌توان به تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی کمک کرد و در نهایت به شکل‌گیری جامعه‌ای ایده‌آل و مهدوی دست یافت.

۴-۲) نقش مادر در تقویت روابط اجتماعی

مادر با ایجاد محیطی سرشار از محبت و حمایت، به فرزند کمک می‌کند تا ارتباطات اجتماعی سالمی برقرار کند و احساس تعلق به جامعه را در او تقویت کند. او با آموزش ارزش‌های مهدوی مانند همدلی و همکاری، فرزند را به سمت برقراری روابط مثبت و معنادار هدایت می‌کند. همچنین، با تشویق فرزند به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، مادر به او این امکان را می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی لازم را کسب کند و به عنوان فردی مؤثر و مسئول در جامعه مهدوی عمل کند.

انسان اصالتاً موجودی اجتماعی است و جنبه‌ی اجتماعی رشد کودک پایه و اساس زندگی او را تشکیل می‌دهد. لازمه‌ی زندگی اجتماعی، آمادگی روانی، برخورداری از مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس و قدرت سازگاری اجتماعی است. بدون تردید از نظر اجتماع، مهمترین بعد شخصیت افراد، بعد اجتماعی شخصیت ایشان می‌باشد و خانواده هم اساسی‌ترین بستر رشد شخصیت مطلوب فرزندان می‌باشد. (<https://narjes-s3.kowsarblog.ir>)

در پرورش شخصی فرزندان پدر و مادر چگونگی رفتار آنها با فرزندانشان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، برای اینکه بچه‌ها از رشد مطلوب اجتماعی بهره‌مند شوند لازم است الگوهای رفتاری بزرگسالان بیش از هر چیز نگرش مثبت به افراد مختلف و فعالیت‌های اجتماعی در ایشان ایجاد کند و این امر مهم مگر با رفتار مهربانانه، صمیمی و دوست‌داشتنی پدر و مادر صورت نخواهد پذیرفت. برای رشد و تکامل اجتماعی فرزندان، محیط خانواده باید آرامش‌بخش و حمایتگر باشد و والدین باید به پرورش استعدادها و ایجاد حس امنیت در فرزندان توجه کنند. در نهایت، راهنمایی در انتخاب الگوهای مثبت می‌تواند به فرزندان انگیزه و الهام بخشد و به رشد اجتماعی آنها کمک کند. (همان)

۵-۲) نقش مادر در تعاون و همکاری فرزندان

یکی از اصول تربیت اسلامی اصل همکاری فرزندان در تربیت همدیگراست. با رعایت این اصل انسان افزون بر آنکه خود رشد و پیشرفت می کند به دیگران هم در این زمینه کمک می کند؛ اما این تنها سبب رشد آنها نیست بلکه موجب رشد و پیشرفت خود نیز می شود؛ چراکه با این کار او نخست به خود خدمت کرده و رشد خود را مضاعف ساخته است؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَلَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء، (۷) و همانا تو نسبت به فرزندت در تربیت نیکو و راهنمایی به سوی پروردگارش و یاری رسانی او در فرمان پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حق فرزندت پرسیده خواهی شد پس (اگر وظیفه ات را به انجام رسانی) پاداش گیری و چون (کم کاری کنی) بازخواست شوی». و در مرحله بعد با این کار زمینه همکاری دیگری با خود را نیز فراهم می آورد؛ چراکه انسان طبعاً این گونه است که هرکس به او کمک و نیکی کرد او نیز متقابلاً و بر اساس اینکه شکر نعمت واجب عقلی و شرعی است و شارع نیز فرموده است: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸، ۴۴) سعی در جبران کمک دارد.

قرآن کریم درباره اصل تعاون و همکاری می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) در نیکی و تقوا به همدیگر همکاری کنید، نه در گناه و دشمنی، نکته مهم در این آیه این است که امر به تعاون شده است و تعاون از باب تفاعل و به معنای همکاری طرفینی است نه همکاری یک طرفه، بنابراین کمک به دیگری در کار خیر مستلزم کمک به خود نیز هست. همچنین امام صادق الله فرمود: «وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ؛ خدا در یاری مؤمن است مادامی که او در یاری برادرش باشد.»

(کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۲۰۰)

آموزش و تربیت یکی از مصادیق بارز امر خیر است و همکاری در آن نیز سفارش شده است؛ به ویژه آنکه همکاری در این امر خیر تمرینی در تربیت و یادگیری و اصلی تربیتی است. این همکاری از طریق اعطای مسئولیت به فرزند و شرکت او در فعالیتهای آموزشی و تربیتی محقق می شود و باید از همان سنین کودکی مسئولیت های متناسب را به او واگذار کرد. (حسینی زاده، ۱۴۰۲: ۱۴۶-۱۴۷).

بنابراین مادر می تواند از طریق آموزش ارزش های انسانی و اجتماعی، فرزند را به درک اهمیت ارتباطات مثبت و مشارکت در فعالیت های گروهی ترغیب کند. این فرایندها به فرزند کمک می کند تا در آینده فردی مؤثر و مسئول در جامعه باشد.

نتیجه گیری

تربیت فرزندان توسط مادران، اساس و زیربنای شکل گیری یک جامعه مهدوی و آرمانی است. در صورتی که مادران در این مسئولیت خطیر به درستی عمل نکنند، نسل آینده ممکن است با چالش های جدی روبه رو شود؛ از جمله تزلزل در اعتقادات دینی، دوری از ارزش های اخلاقی و ناتوانی در مواجهه با مشکلات اجتماعی. این نواقص می تواند به تضعیف بنیان های خانواده و جامعه منجر شود و تحقق آرمان های مهدوی را به تأخیر بیندازد.

تربیت فرزندان مهدوی نیازمند تلاش های مستمر و آگاهانه مادران است تا نسلی مهدوی باور و مهدوی یاور تربیت شود. از این رو، نقش مادران در تربیت فرزندان نه تنها برای شکل گیری شخصیت و هویت دینی آنها حیاتی است، بلکه کلید دستیابی به جامعه ای ایده آل و مهدوی به شمار می آید.

با توجه به این اهمیت، سرمایه گذاری در آموزش و پرورش مادران و فراهم کردن شرایط مناسب برای ایفای این نقش، امری ضروری است که می تواند به ایجاد

نسلی آگاه، مسئولیت‌پذیر و متعهد به ارزش‌های اسلامی منجر شود و در نهایت، جامعه‌ای سرشار از عدالت و اخلاق را به ارمغان آورد.

منابع:

*قرآن

*نهج البلاغه

کتاب ها

۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، تهران، انتشارات دار الكتاب الاسلامی ۱۴۰۷ق.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: حسن زاده، صادق، قم، انتشارات آل علی (ع)، ۱۳۸۲.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: جنتی، احمد، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
۴. بهشتی، احمد، تهران، اسلام و تربیت کودکان، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ سوم، ۱۳۹۵.
۵. جمعی از نویسندگان به کوشش زهرا آیت اللهی، اخلاق در خانواده، قم، دفتر نشر معارف ۱۳۹۱.
۶. حیدری کاشانی، محمدباقر، آقاتهرانی، مرتضی، خانواده و تربیت مهدوی، تهران، انتشارات کتاب یوسف، چاپ نهم ۱۳۹۳.
۷. حسینی، سیدعلی اکبر، تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
۸. حسینی زاده، سیدعلی، سیره ی تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) تربیت فرزند، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۴۰۰.
۹. حسینی زاده، سید علی، تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۴۰۲.
۱۰. حمیری، عبدالله، قرب الاسناد، قم، انتشارات آل البيت ۱۴۱۳ق.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، قم، آل البيت ۱۴۱۲ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، قم، آل البيت ۱۴۱۲ق.

۱۳. خاکپور، مسعود؛ «مبانی نظری آسیب شناسی تربیت دینی درنوجوانان و جوانان»، مجموعه مقالات آسیب‌شناسی تربیت دینی درآموزش و پرورش؛ تهران، موسسه فرهنگی محراب قلم ۱۳۸۱.
۱۴. رحیمی، علی‌رضا، تعلیم و تربیت دینی، تهران، معرفی رویکرد بصیرت‌گرا؛ نشریه رشد آموزش ابتدایی ۱۳۸۳.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم ۱۳۷۰.
۱۷. عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، قم، انتشارات بنیاد بعثت ۱۴۲۱ق.
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامیه ۱۴۰۷ق.
۱۹. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۶، بیروت، انتشارات مؤسسه الرسالة ۱۴۰۹ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۷ و ۶۸ و ۷۱، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی ۱۴۰۳ق.
۲۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، قم، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم ۱۳۸۳.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب ۱۳۷۷.Γ
۲۳. میخبر، سیما، با همکاری جمعی از خواهران حوزه علمیه، ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، قم، انتشارات نور الزهرا ۱۴۰۰.
۲۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و هفتم ۱۳۷۵.
۲۵. نوری طبسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، قم، انتشارات آل البيت ۱۴۰۸ق.

۲۶. یوسفیان، نعمت الله، تربیت دینی فرزندان، تهران، انتشارات اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه ۱۳۸۶.

مقالات

۱. احسانی، محمد، زمینه سازی تربیتی مهدویت، بی نا، شماره ۱۶. ۱۳۹۰.
۲. برجی نژاد، زینب، نشریه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۶. ۱۳۸۹.
۳. حسینی پور اردکانی، سید حسن، نشریه مطالعات مهدوی، شماره ۴۱. ۱۳۹۷.
۴. زاهدی، مریم، کریمی نیا، محمد مهدی، انصاری مقدم، مجتبی، نشریه مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، دوره ۳، شماره ۲۸. ۱۴۰۰.
۵. معین الاسلام، مریم، وظیفه مادران در تربیت نسل و فرزندان مهدوی، ماهنامه انتظار موعود، شماره ۲۲. ۱۳۸۶.
۶. معارف وند، مهرداد، فصلنامه جامعه اندیشکده ها، شماره ۱. ۱۴۰۲.

سایت ها

۱. پایگاه تحلیلی عترتنا <http://etratona.ir>
۲. <https://farsi.khamenei.ir>
۳. <https://narjes-s3.kowsarblog.ir>
۴. سایت بُرکه، بی تا، مطهره محمدی، مقاله نقش مادران در تربیت نسل منتظر از منظر مقام معظم رهبری.
۵. سایت کوثر بلاگ، بی تا، سمیه قهرودی، مقاله نقش مادر در سعادت جامعه.

بررسی تطبیقی تربیت جنسیتی در اسلام و غرب با محوریت شعار زن زندگی آزادی

الهام نیکبخت^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

چکیده:

بر اساس آموزه‌های اسلامی، تفاوت در تربیت پسران و دختران به معنای تکامل بخشی هر یک در مسیر طبیعی خلقتشان است. در آیات قرآن و روایات اسلامی، به تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد اشاره شده است که هر کدام دارای نقش‌های منحصر به فردی در جامعه و خانواده هستن اما به معنای برتری یکی بر دیگری نیست، بلکه نشان‌دهنده تقسیم وظایف بر اساس ساختار آفرینش است. این مقاله به بررسی تطبیقی تربیت جنسیتی در اسلام و غرب، با محوریت شعار «زن، زندگی، آزادی» می‌پردازد. شعار «زن، زندگی، آزادی» به طور ساده به معنای تأکید بر حقوق زنان، اهمیت زندگی انسانی و آزادی در انتخاب مسیر زندگی است. این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و به شکل کتابخانه‌ای تهیه شده است. در بخش نخست، مبانی نظری تربیت جنسیتی در اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم، تربیت جنسیتی در غرب و سپس، در بخش تطبیقی، شعار «زن، زندگی، آزادی» در دو فرهنگ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نهایت، مقاله پیشنهاداتی برای ارتقاء تربیت جنسیتی با توجه به آموزه‌های اسلامی و دستاوردهای غربی ارائه می‌دهد. در نتیجه اسلام بر پایه عدالت جنسیتی و رعایت ارزش‌های دینی، به حفظ نهاد خانواده و تربیت متعادل توجه دارد، در حالی که در غرب این طور نیست.

کلید واژه‌ها: تربیت جنسیتی، اسلام، غرب، زن، زندگی، آزادی.

مقدمه :

تربیت جنسیتی به عنوان یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت و رفتارهای فردی و اجتماعی، نقش اساسی در نحوه برخورد افراد با شرایط مختلف زندگی دارد. اسلام به عنوان یکی از ادیان بزرگ جهان، دارای نظامی جامع برای تربیت افراد بر اساس اصول و ارزش‌های مشخص است. این نظام تربیتی، نقش‌های متفاوتی برای زنان و مردان در نظر می‌گیرد. تفاوت‌های جنسیتی در اسلام به‌طور دقیق و با توجه به ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی هر جنس تعیین شده است. در حالی که نقش‌ها و مسئولیت‌های مختلفی برای مردان و زنان تعریف شده است، اسلام بر اصول عدالت و احترام به حقوق هر دو جنس تأکید دارد. این تفاوت‌ها به‌ویژه در زمینه‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی مشخص شده و تأثیرات عمیقی بر ساختار جامعه اسلامی دارند. با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها و توجه به حقوق و مسئولیت‌های هر جنس، می‌توان به توازن و عدالت در جامعه اسلامی دست یافت.

در اسلام، خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی شناخته می‌شود و تربیت جنسیتی به گونه‌ای تنظیم شده که زنان در نقش محوری خود در خانواده تقویت شوند. زنان به‌عنوان مادر و همسر نقش کلیدی در تربیت نسل آینده دارند و این امر در تربیت اسلامی مورد تأکید است.

والدین به‌عنوان نخستین الگوی رفتاری برای کودکان، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت جنسیتی آنان دارند. فرزندان از طریق مشاهده و تقلید از رفتارهای والدین، نقش‌های جنسیتی خود را فرا می‌گیرند. مطالعات نشان داده است که پدران و مادران به‌صورت ناخودآگاه و بر اساس باورهای فرهنگی و مذهبی خود، رفتارهایی را از جنسیت دختر یا پسر انتظار دارند و این انتظارات بر رفتارهای فرزندان تأثیرگذار است. (مجله نوجوانی زودرس، ۱۱: ۵۶-۹۵)

در حالی که غرب، به‌ویژه در عصر مدرن، با تأکید بر فردگرایی و حقوق بشر، به برابری مطلق جنسیتی نگاهی متفاوت دارد. در این فضا، شعار «زن، زندگی، آزادی» به‌عنوان نمادی از تلاش برای بهبود وضعیت زنان و تأکید بر حقوق و آزادی‌های آنان، به محوری برای تحلیل‌های تربیتی و فرهنگی تبدیل شده است. ضرورت پرداختن به موضوع تربیت جنسیتی و جایگاه زنان در جامعه امروز ایران و غرب از چندین زاویه قابل بررسی است، که هم به دلایل اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی برمی‌گردد و هم به تغییرات سریع در دیدگاه‌های جهانی در مورد حقوق و جایگاه زنان.

تحولات اجتماعی و حقوقی در ایران:

در ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بحث‌ها و مطالبات در زمینه حقوق زنان و برابری جنسیتی افزایش یافته است. شعارهایی نظیر «زن، زندگی، آزادی» بازتابی از این خواسته‌ها است. در چنین فضایی، پرداختن به این موضوع از چند جهت ضرورت دارد:

افزایش آگاهی: تربیت جنسیتی و نقش آن در پرورش نسل‌های آینده به موضوعی کلیدی تبدیل شده است. شناخت عمیق از حقوق زنان در اسلام و تفسیرهای مختلف آن می‌تواند در شکل‌دهی به گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر باشد و زمینه‌ی بهبود حقوق زنان را فراهم کند.

حفظ نهاد خانواده: از منظر دینی و فرهنگی، خانواده نهاد مهمی در ایران است و تربیت جنسیتی یکی از مسائل کلیدی در حفظ تعادل و سلامت خانواده است. پرداختن به این موضوع می‌تواند به فهم بهتر از نقش‌های مکمل زنان و مردان در خانواده و جامعه کمک کند.

در غرب، تغییرات گسترده‌ای در دیدگاه‌های مربوط به جنسیت و حقوق زنان رخ داده است. جنبش‌های فمینیستی طی دهه‌ها تلاش کرده‌اند تا حقوق و

فرصت‌های برابر برای زنان فراهم شود. این امر ضرورت پرداختن به موضوع را از چند منظر در غرب مشخص می‌کند:

مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی: حتی در جوامع غربی که برابری جنسیتی پیشرفت چشمگیری داشته، هنوز چالش‌هایی در مورد کلیشه‌های جنسیتی، نابرابری در دستمزد، و حضور کمتر زنان در سطوح مدیریتی وجود دارد. پرداختن به موضوع تربیت جنسیتی می‌تواند به کاهش این شکاف‌ها کمک کند.

نسل‌های جوان، به‌ویژه در ایران و غرب، به‌طور روزافزون به دنبال تغییرات و نوآوری‌هایی در زمینه حقوق زنان و جنسیت هستند. پرداختن به تربیت جنسیتی و بررسی تطبیقی آن در فرهنگ‌های مختلف، به این نسل کمک می‌کند تا با دیدی بازتر و تحلیلی‌تر به مسائل جنسیتی بپردازند و برای ایجاد تغییرات مثبت در جامعه تلاش کنند.

این مقاله با هدف بررسی تطبیقی تربیت جنسیتی در اسلام و غرب، تلاش دارد تا ضمن بررسی عمیق این دو دیدگاه، به تحلیل مفهوم شعار «زن، زندگی، آزادی» در هر دو فرهنگ بپردازد و با واکاوی تفاوت‌ها و شباهت‌ها، راهکارهایی برای تقویت و اصلاح نگرش‌ها ارائه دهد.

درخصوص موضوع‌های مرتبط با عنوان مقاله مطالعه و تحقیق صورت گرفته است ولی هیچ کدام جامع نیستند و در این تحقیق سعی شده است ضعف‌ها و خلاءهای موجود در تحقیق‌ها انجام شده پوشش داده شود در زیر به تعدادی از آنها اشاره میشود:

۱_مریم حسینی ، بررسی تطبیقی آموزه‌های مکتب تشیع و غرب در تربیت فرزندان ، آنچه در این مقاله به آن اشاره شده است در مورد عمیق بودن آموزه‌های تشیع و منطبق بودن آن‌ها با فطرت و طبیعت انسان و سطحی بودن آموزه‌های مکتب غرب و دور بودن از فطرت و طبیعت انسان است .

۲_ فاطمه احمدی، واکاوی ماهیت شعار زن، زندگی، آزادی در حیات بانوان برگزیده قرآنی

در این مقاله به این نکته اشاره شده است که زن مسلمان می تواند با پیروی از الگوی قرآنی زن آزاده و اهل زندگی سرفرازانه، از سعادت دنیوی و اخروی بهرمند شود

مفاهیم:

تربیت: (تربیت در لغت از گفته‌های زبان‌شناسان و فرهنگ واژه‌ها چنین برمی‌آید که «تربیت «مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه است: ۱- ربأ، یربؤ (= فعل مهموز) ۲- ربی، یربی (= فعل ناقص) ۳- رب، یرب (= فعل مضاعف) تربیت چون از «ربا، یربو» باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رَبْوًا وَرَبَاءً: زاد و نما.» (ابن منظور، ۱۴: ۳۰۵) یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد. تربیت از ریشه «رب، یرب» در معانی زیر آمده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن.

تربیت در اصطلاح عبارتست از: کوششی جهت ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او. به عبارت دیگر، تربیت به فعلیت رساندن استعدادها و به کمال رساندن فرد مستعد کمال است، و چنانکه صاحب نظر دیگری گفته: تربیت، مراقبت از نشو و نمای آدمیزاده در جریان رشد و سیر او بسوی کمال می‌باشد. از دریچه‌های مختلف می‌توان به تربیت نظر افکند. (عباسی مقدم، ۱۳۷۱: ۳۰)

تربیت جنسیتی: تربیتی است که در برگیرنده مقتضای فطرت و طبیعت ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی و مصالح فرد و جامعه باشد و باید به گونه ای باشد که نوع تعلیمات و حدود آن، و حتی نوع روش آن و کیفیت ارزیابی و فرم اجرای

برنامه برای پسر و دختر متفاوت گردد (قائمی، ۱۳۷۴: ۴۱)

زن: زن در اسلام موجودی الهی، اصیل و حقیقی است نه وجودی طفیلی و تبعی، از این جهت دارای حقوق عالی است و مردان ملزم هستند که حقوق مالی، فطری، طبیعی، زناشویی، ارثی، اخلاقی و اسلامی زن را به احسن وجه رعایت کنند؛ نفقه، لباس، مسکن، ادای حق زناشویی واقعیت‌هایی هستند که بر مرد واجب است نسبت به زن رعایت نمایند. (انصاریان، ۱۳۸۶، ۴: ۵۶)

زندگی: معنای زندگی برای هر انسانی، عبارت از داشتن یک تعریف مناسب از هویت خود و یک زندگی متناسب با همان هویت، قابلیت‌ها، شرایط و فرصت‌هاست. چنین معنایی از زندگی در کمال وجودی خود فرد، تأثیرش بر زندگی دیگران، نقش آن در نهادهای اجتماعی آن فرد و در حرکت‌های تاریخی و در نهایت، در نقش آن در تحقق وجود در یک نظام مبتنی بر خیر نهفته است. هر زندگی، تعبیری است از آن چه باید تعریف شود و گذران زندگی‌ای است که سزاوار انسانیت و فردیت هر انسان در شرایط و حالات خاص وجودی اوست. (آدامز، ۳۱: ۱۸)

آزادی: یعنی نبودن مانع. انسانهای آزاد انسانهایی هستند که با موانعی که در جلوی رشد و تکاملشان هست مبارزه می‌کنند و تن به وجود مانع نمی‌دهند.

نقش والدین در تربیت دختران و پسران

بدون تردید خانواده بهترین مأمن و شایسته‌ترین کانون برای تربیت فرزندان است و والدین اولین مربیان این مدرسه بزرگ تربیتی‌اند. زوجین در سایه همدلی و ایمان می‌توانند بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی فرزندان خود فراهم کنند و در پناه کانون گرم و پر محبت خانواده تمامی فراز و نشیب‌های زندگی را برای

عبور فرزندان خود هموار سازند و آن‌ها را از گذرگاه‌های دشوار زندگی به سوی رشد و تعالی رهنمون گردند. (بشیری، ۱۰۳:۸)

با پذیرفتن اصل تربیت برای این دو و قبول حقوق مساوی برای زن مرد، نمیتوان برای شان تربیت مشابه و همانند را بپذیریم. نوع وظایفی که اینان در آینده بر عهده خواهند گرفت تعیین کننده نوع تربیتی است که درباره آنها باید ملحوظ گردد. بهترین نوع تربیت آن تربیتی است که در برگیرنده مقتضای فطرت و طبیعت فرد و جامعه باشد و به هر فرد آن چیزی را بدهد که: بدان نیاز طبیعی، غریزی و اجتماعی دارد. همچنین قادر به بهره برداری از آن و مورد استفاده قرار دادن آن است. (قائمی، ۱۳۷۴:۴۱)

تفاوت‌های جنسیتی در تربیت کودکان در اسلام

با نگاهی به یافته‌های علمی، به خوبی می‌توانیم تفاوت‌های زیستی بسیاری را در جنبه‌های جسمی، روحی، دوران بلوغ و تفاوت‌هایی در کارکردها و استعدادهای دختران و پسران مشاهده کنیم. در اسلام سخن از این است که انسان‌ها همانند معادن گوناگون با هم تفاوت و اختلاف دارند. و این اختلاف معلول شرایط گوناگون ارثی و روابط علت و معلولی است که نظامات حیات بر اساس آن تدوین و تنظیم شده است. در اینجا ما به نمونه‌هایی از آن که مورد تأیید علم روانشناسی اختلافی است. (همان: ۲۰-۲۱) اشاره میکنیم:

۱- از نظر جسمی: پسران اسکلت حجیم‌تر، مغز، شش و قلب‌های بزرگ‌تری دارند. در نقطه مقابل، رشد جسمی دختران، چه در ابتدای تولد، چه در زمان راه افتادن و چه هنگام بلوغ زودتر از پسرهاست. مقاومت آنان در مقابل بیماری‌ها بیشتر بوده و کمتر از پسرها آسیب‌پذیر هستند.^۱ چشمان مردان

۴ کان جی، کارلسون و دیگران، بهداشت روانی زنان، ۱۳۷۹، ص ۳۴۰.

بزرگ‌تر از زنان است و برای دیدی تونل مانند و دور طراحی شده است، اما دایره دید زنان وسیع‌تر از مردان است و می‌توانند در یک لحظه چیزهای بیشتری را در حوزه دید خود قرار دهند. (کان جی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

۲_ از نظر ذهن و استعداد : اگر چه هوش و حافظه به عوامل متعددی از جمله عوامل ارثی و محیطی وابسته‌اند و هر کدام از اینها در تقویت حافظه و رشد استعدادهای مربوط به هوش دخالت دارند، اما بین زن و مرد از لحاظ هوش و حافظه تفاوت‌هایی وجود دارد. با افزایش سن فعالیت دو نیمکره متمایزتر می‌شود. این تمایز در پسران بیشتر از دختران مشاهده می‌شود. نتیجه این تمایز آن است که پسران در پردازش اطلاعات فضایی و ریاضیات، به ویژه در هندسه تجسمی موفق‌تر عمل می‌کنند. (پیره، ۱۳۷۷: ۱۰۴)

۳_ از نظر عاطفه و روان : زنان با مردان در بُعد عواطف و احساسات نیز تفاوت‌های آشکاری دارند. روابط اجتماعی قوی‌تر، نوع دوستی بیشتر، صمیمیت فراوان، توجه زیاد به دیگران و حمایت زیاد از سایرین از ویژگی‌های زن‌ها می‌باشد. اما مغز پسران در مقابل اشیا و اشکال واکنش بیشتری نشان می‌دهد، از این‌رو، برای ساخت نظام، مناسب هستند. (کوهن بارون، ۱۳۸۴: ۶۹-۷۱)

بررسی تربیت جنسیتی در غرب

الف) تاریخچه و تحول نگرش به جنسیت در غرب

فرهنگی که امروز بر جهان حاکم است و مورد ستایش تمام جهانیان است، با این همه غرور و تکبر و با این همه ادعاهای عجیب و غریب، حتی قدرتی به اندازه

یک فرد دلسوز به حال جامعه را ندارد.^۱ بدون تردید باید اقرار کرد که دنیا با همه پیشرفت‌هایی که در امور مادی نصیبش شده است، حقیقت تعلیم و تربیت واقعی را درک نکرده و توجهی به اصول معنوی و روحی ندارد. (انصاریان، ۱۳۸۳ : ۱۹۱)

فمینیسم، آموزه یا جنبشی است که در تلاش برای اثبات یا به دست آوردن حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برابر یا برتر با مردان است. « ویژگی این تعریف آن است که به گونه ای می تواند همه گرایش های فمینیستی را پوشش دهد. (رضوانی، ج ۶۷: ۵)

تاریخ فمینیسم به اواخر قرن هجدهم پس از انقلاب فرانسه برمی گردد. خانم مری ولستون کرافت با نوشتن کتاب *حقانیت حقوق زن* (۱۷۹۲) شاخص ترین فردی است که توانسته است در این دوران فمینیسم را مطرح نماید. (وینست، ۱۳۷۸: ۲۴۸-۲۵۱)

فمینیست ها از دهه ۱۹۶۰ به بعد، مباحث متعددی را مورد بحث قرار دادند . در این میان، به نظر می رسد برخی از آن مباحث جلوه بیش تری نسبت به دیگر مباحث داشته است. بحث از جنسیت، مردسالاری، حوزه عمومی و خصوصی، خانواده و دین از جمله مباحثی هستند که تقریباً همه گرایش های فمینیستی، به ویژه گرایش افراطی، در باب آن مطالبی را بیان داشتند.

۱. جنسیت: جنسیت قوی ترین و مهم ترین تقسیم بندی اجتماعی است. از نظر فمینیست ها، جنسیت همانند طبقه اجتماعی، نژاد و یا دین، یک طبقه بندی مهم اجتماعی است. به نظر فمینیست ها جنسیت گرایی (همان: ۲۵۳) به عنوان شکلی از ظلم محسوب می گردد که مشابه «نژادپرستی» است (هی وود، ۱۳۷۹ :

^۱ - برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب ارزشمند «انسان کامل» اثر استاد شهید مرتضی مطهری مراجعه کنید.

(۴۱۷)

برخی از فمنیست ها معتقدند: پنج جنسیت متفاوت وجود دارند: مردان، زنان، زنان همجنس باز، مردان همجنس باز و انسان هایی که هم با مرد و هم با زن می توانند آمیزش جنسی داشته باشند. بنابراین، آنچه از قدیم طبیعی شناخته می شد - مثلاً ازدواج زن و مرد - چون دارای زیربنا و تاریخ اجتماعی است، دیگر «طبیعی» محسوب نمی شود. (همان) فمنیست ها علاوه بر پنج جنسیت، سه نوع سکس یا جنس را به رسمیت می شناسند: مردان، زنان و آنانی که حال زن یا مرد را ترجیح می دهند. (همان: ۴۵۳) بنابراین، به نظر فمنیست ها به دلیل آن که تفاوت های جنسی زیستی هستند، نمی توان آن ها را از بین برد، در حالی که تقسیم بندی های جنسیتی، که مسأله ای فرهنگی و سیاسی است، جلوه ای از قدرت مردان است که باید آن را از بین برد. (همان: ۴۲۳)

مرد سالاری: آنان معتقدند: فرهنگ ما با فرهنگ «مردسالاری» عجین شده و در تار و پود آن ریشه دوانده است. بنابراین، فمنیست ها معتقدند: باید این فرهنگ را از اصل ریشه کن کرد تا بتوان تغییرات دلخواه را در فرهنگ موجود ایجاد نمود. (اچ بورک، ۱۳۸۹: ۴۶۲)

دین و خانواده: فمنیست ها نگاهی بدبینانه به دین و خانواده دارند. به نظر آن ها، دین ساخته و پرداخته مردان بوده است تا از طریق آن بتوانند زنان را تحت سلطه خویش قرار دهند. (همان: ۴۶۶) خانواده نیز موجب تحقیر و تبعیض زنان است. خانم *مارتا ناسبام* معتقد است: بی رحمانه ترین تبعیض ها نسبت به دختران از محیط خانواده شروع می شود. همچنین *سیمون دوبووار* می گوید: به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. (همان: ۴۶۰-۴۶۱)

ب) تأکید بر برابری حقوقی:

در نظام‌های تربیتی غربی، به‌ویژه در چارچوب سکولار، برابری حقوقی زن و مرد به‌عنوان یک اصل بنیادی در نظر گرفته شده است. در این نظام‌ها، تلاش می‌شود تا هیچ‌گونه تفاوت حقوقی میان زن و مرد وجود نداشته باشد و هر دو جنس به‌طور برابر از فرصت‌های اجتماعی، آموزشی و شغلی بهره‌مند شوند. (لیندالی، ۲۰۱۵: ۸۳-۸۷)

ج) ترویج استقلال فردی و کاهش تأکید بر نقش‌های سنتی:

یکی از ویژگی‌های نظام‌های تربیتی غربی، ترویج استقلال فردی است. در این نظام‌ها، برخلاف تربیت اسلامی که بر نقش‌های سنتی تأکید دارد، افراد به‌عنوان موجوداتی مستقل در جامعه تربیت می‌شوند. (کانل، ۲۰۰۲: ۴۵-۴۸)

شبهات تربیت جنسیتی در اسلام و غرب

۱_ احترام به کرامت انسانی:

هر دو نظام به احترام به کرامت انسانی زن و مرد تأکید دارند، اما این احترام در اسلام با توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌های متفاوت تعریف می‌شود، در حالی که در نظام‌های غربی، این احترام به معنای برابری کامل در تمامی جنبه‌ها است.

۲_ توجه به عدالت و انصاف در روابط جنسیتی:

هم اسلام و هم غرب به نوعی به اهمیت عدالت جنسیتی توجه دارند. در اسلام، آموزه‌های دینی به برقراری عدالت و رعایت حقوق متقابل میان زن و مرد تأکید دارند. در غرب نیز، به‌ویژه پس از جنبش‌های حقوق زنان، برابری جنسیتی به یک اصل محوری در تربیت و جامعه تبدیل شده است. هر دو دیدگاه به طور کلی بر این باورند که روابط میان جنسیت‌ها باید بر اساس انصاف و احترام متقابل باشد.

۳_ نقش آموزش و تعلیم و تربیت:

هر دو فرهنگ به اهمیت آموزش و تربیت رسمی در شکل‌دهی به هویت جنسیتی کودکان اهمیت می‌دهند.

تفاوت تربت جنسیتی در اسلام و غرب:

۱) مبانی فکری و فلسفی: دین مقدس اسلام که در سر لوحه برنامه آن، قرآن قرار دارد، پایگاه تمدن و اساس و سازمان آن، روی نقطه مرکزی صحیح استوار و برپا شده و پیروان خود را همواره به متانت، حریت، شهامت، مردانگی، آزادگی فکر، عقیده، اخلاق نیک، احسان همنوع، و مکرر امر به هر نوع تحصیلی که مفید به حال جامعه بشریت و محور تمدن باشد دعوت نموده است. (انصاریان، ۱۳۸۳: ۵۳۹)

فلسفه جنسیتی غربی، به ویژه در دوران مدرن، بر مبانی لیبرالیسم و فردگرایی استوار است که تأکید بر حقوق فردی و برابری جنسیتی دارند. جان لاک و جان استوارت میل از جمله فیلسوفانی بودند که برابری جنسیتی را از منظر حقوق فردی بررسی کردند. (رزماری، ۲۰۰۹)

۲. نقش‌های جنسیتی: بر اساس آموزه های دینی، زن و مرد دارای سرشت و حقیقت واحدی هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء : ۱) ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید؛ همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. علامه طباطبائی می‌فرماید: «ظاهر جمله «وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» این است که می‌خواهد بیان کند که همسر آدم از نوع خود آدم بود، و انسانی بود مثل خود او. بنابراین حرف "من" من نشویه خواهد بود (یعنی منشأ چیزی را بیان می‌کند).» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴:

۱۳۶) از این رو، آیه مذکور و آیات مشابه آن، اشتراک انسانی زن و مرد را می‌رساند. اما زن و مرد از نظر جسمی و روانی با هم تفاوت دارند که تفاوت باعث میشود هر کدام نقش‌ها و وظایف مخصوص خود را قبول کنند.

آنچه نقش‌های جنسیتی را به وجود می‌آورد، شیوه جامعه‌پذیری متفاوت زنان و مردان است، و چون این نقش‌های جنسیتی از ظرفیت‌های بالقوه و خواسته‌های فرد جلوگیری می‌کنند، فمینیست‌ها معتقدند: با کنار گذاشتن این نقش‌ها، وضعیت بهتری در پیش روی زنان خواهد بود. آنها بر این باورند که الگوهای ارزشی و رفتاری متمایز میان زن و مرد باید متحول شوند و انسان بودن جای زن بودن یا مرد بودن هدف فرایند جامعه‌پذیری باشد. (مطیع، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۱۳۷)

۳. آزادی‌های فردی: در درون وجود انسان، استعدادها و شایستگیها و نیروهای بالقوه‌ای نهفته شده که بدون آزادی هرگز شکوفا نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹۲) آزادی یعنی آزاد بودن در بکارگیری نیروها در مسیرهایی که انسان را به هدفهای والاتری (خواه مادی یا معنوی) می‌رساند. (همان: ۹۳)

۴. حقوق زنان: نقطه اشتراک فمینیست‌ها اعتقاد به تشابه و همسانی در حقوق، و امکانات و فرصت‌ها در حوزه خانواده و جامعه است. جامعه مطلوب از نظر آنها جامعه‌ای است که جای تفاوت نقش‌ها با تساوی در همه عرصه‌ها و فعالیت‌ها عوض شود و در صحنه فعالیت‌های اجتماعی، زن و مرد به طور مساوی ایفای نقش کنند. این در حالی است که اندیشه دینی زن را موجودی متفاوت از مرد می‌داند که انتظارات و استعدادهای گوناگون جایگاه خاصی به او داده است، به گونه‌ای که نادیده انگاشتن تفاوت‌های دو جنس به همان اندازه به جامعه انسانی و شخصیت زن آسیب می‌رساند که نادیده انگاشتن برابری انسانی. (بشیری، ج ۱: ۱۳۱: ۸)

۵. نظام خانواده:

در رویکردهای فمینیستی، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ستم‌آلود است که باید دگرگون شود. به عقیده سیمون دوبوار آنچه زن را در قید بندگی نگه می‌دارد، دو نهاد عمده ازدواج و مادری است. وی ازدواج را نوعی «فحشای عمومی» و عامل بدبختی زنان می‌داند و با تولیدمثل و شکل رایج روابط جنسی به عنوان مسائل اساسی جنبش فمینیسم مخالفت می‌کرد. (موسسه فرهنگی طاها، ۱۳۷۷: ۱۷)

۶. تربیت جنسی:

از دید گروه‌های گوناگون فمینیست، کارکرد تنظیم رفتار جنسی یا ارضای نیازهای جنسی در خانواده، یکی از نمودهای بارز نابرابری بین زن و مرد است. آنها از اینکه ارضای تمایلات جنسی همچنان بر حسب معیارهای مردانه تعریف می‌شود و محرک جنسی مرد قوی‌تر از محرک جنسی زن فرض می‌شود، گلایه می‌کنند. (گرت، ۲۵: ۱۳۸۰-۲۶)

تحلیل تطبیقی شعار زن، زندگی، آزادی در اسلام و غرب

مفهوم زن در اسلام غرب

اساس شخصیت زن در جهان بینی اسلامی به عنوان «موهبت الهی» که دارای «شخصیت مستقل» و «آزاده» است، بر بنیاد «کرامت»، «شرافت»، «عفت» و «پاکی» استوار است. زن در اسلام در عین اینکه «مظهر جمال و ظرافت» است، از «حقوق انسانی» و «مسئولیت‌های خطیر فردی و اجتماعی» برخوردار است؛ اما زن در نظر و عملکرد مدعیان این شعار، «موجود و شهروند درجه دوم»، کلید و ابزاری «جنسیتی» برای «بهره‌برداری سیاسی»، «کشته‌سازی»، «التذاذ»، «هوس‌بازی»، «قبح‌شکنی» و «برهنگی» است. به همین دلیل، هرگز در قاموس آنان، دو تعبیر «زن فاطمی» و «زن زینبی» جایگاهی ندارد. (یادداشت دانشگاه رازی، ۵ آذر ۱۴۰۱) زن در اسلام موجودی اصیل و حقیقی است نه وجودی

طفیلی و تبعی. (انصاریان، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۶)

زن در قرون اخیر فقط و فقط به منظور کالای شهوت و بهره گرفتن از او برای جاسوسی و پر کردن جیب بی‌غیرتان ملل و ستمگران و زورمندان مورد توجه قرار گرفت، آزادی بدون قید و شرط به او داده شد، از خانه برای ارضای اهداف شیطانی به کوچه و بازار، به مدرسه و اداره و به مراکز خوش‌گذرانی و عیش و نوش کشیده شد؛ هجومی که تمدن جاهلی از طریق بی‌حجابی به انبیا و فرهنگ الهی برد در تمام ادوار تاریخ بی‌سابقه بود، بسیاری از شکست‌های مادی و معنوی بشر معلول بی‌بند و باری جنس زن شد. (همان: ۴۹)

مفهوم زندگی در اسلام و غرب

زندگی در لغت فارسی عبارت است از حیات، محیا، مقابل مرگ و ممات و آن صفتی است مقتضی حس و حرکت. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۹۸)

علامه جعفری بر این باور است که دین گواراترین آب حیات زندگی انسان‌هاست؛ زیرا تنها دین است که می‌تواند چهار سؤال اساسی «من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ برای چه آمده‌ام؟» را پاسخگو باشد، به همین دلیل، فقدان دین و دینداری را ندانستن پاسخ به مبدأ و مقصد زندگی انسان‌ها می‌داند که موجب گیجی و تحیر و بی‌معنایی زندگی آنها می‌شود. (جعفری، ج ۲۰: ۷۹)

فمینیست کسی است که معتقد است زنان به دلیل جنسیت خود دچار تبعیض هستند و نیازهای مشخصی دارند که نادیده گرفته شده‌اند و لازمه برآوردن این نیازها، تغییر اساسی در نظام‌های جامعه -همچون نظام حقوقی، نظام سیاسی و نظام فرهنگی- است. هر چند آرا و گرایش‌های فکری فمینیستی یکسان نیستند، همه آنها بر دو اصل پای می‌فشارند: اول، زنان تحت ستم و تبعیض‌اند و این، ناشی از جنسیت آنها است؛ دوم، ستم و تبعیضی که به زنان روا می‌شود، اصالت ندارد و باید از میان برود (فرهنگ واژه‌ها، ۴۲۴).

(خطیبی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۶۷)

مفهوم آزادی در اسلام و غرب

انسان که یک موجود خاصی است و زندگی او زندگی اجتماعی است و علاوه بر این در زندگی فردی خود موجود تکامل یافته‌ای است. ما آزادی را به دو قسم منقسم می‌کنیم. یک نوع آزادی اجتماعی است. آزادی اجتماعی یعنی چه؟ یعنی بشر باید در اجتماع از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد، یعنی تمام قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند. این را می‌گویند آزادی اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۳: ۴۳۷)

اما نوع دیگر آزادی، آزادی معنوی است. تفاوتی که میان مکتب انبیاء و مکتبهای بشری هست در این است که پیغمبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی به بشر آزادی معنوی بدهند، و آزادی معنوی است که بیشتر از هر چیز دیگر ارزش دارد. (همان: ۴۴۰) آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است و در واقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش. (همان: ۴۴۸)

اما در غرب آزادی را به معنای پشت کردن به حق و استقلال از خدا و سرباز زدن از بندگی ربّ العالمین پنداشت، (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۵۱)

و لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (حشر: ۱۹)

مانند کسانی مباشید که خدای را فراموش کردند و خدا خودشان را فراموششان ساخت. اینانند بدکاران نافرمان. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۵۰)

زن، زندگی، آزادی

(به کردی: ژن، ژیان، ئازادی) شعاری سیاسی و اجتماعی است که نخستین بار توسط زنان مبارز کرد در کردستان ترکیه و سپس در جنگ علیه داعش استفاده شد. جنبش آزادی‌بخش کردستان با رهبری عبدالله اوجلان از جنبش‌های رادیکال مبارزه آزادی زنان است. اوجلان زن را به‌عنوان اولین ملت به اسارت گرفته شده در تاریخ معرفی کرده و پس از آن که ایدئولوژی آزادی زن را در سال

۱۹۹۸ ارائه نمود، گفت «تا زن آزاد نشود، جامعه آزاد نخواهد شد.» او می‌نویسد «زن، زندگی، آزادی یعنی زن آزاد، سرزمین آزاد و حتی مرد آزاد». (سایت ویکی دانشنامه)

(شعار زن زندگی آزادی حرف اسلام و دین است امادشمنان می خواهند آن را جور دیگری تفسیر کنند و بعد حیوانی زن را مدنظر بگیرند دقیقاً شبیه زمان جاهلیت.)

(در نگاه غربی ها، آزادی یعنی پشت پا زدن به حکم محکم عقل و روگرداندن از دین و غوطه ور شدن در منجلا ب فحشا و فساد اخلاقی، آزادی یعنی به هیچ اصلی از اصول اخلاقی پای بند نبودن، آزادی یعنی خاموش کردن وجدان و کشتن فطرت.

در این فرهنگ، اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، باید از جذابیت های جنسی خودش چیزی را ارایه بدهد. این آزادی زن نیست. آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن مظلوم است. این کار، مردسالاری، ظلم و خیانت به زن، حق کشی نسبت به زن، تجاوز و اهانت به حقوق زن، و تنزل ارزش زن است.

در دنیای امروز، صهیونیست ها پایه گذار خروج زنان از عفت بشری شدند و از ۱۸۰ سال قبل، شروع به برنامه ریزی و اشاعه فساد و فحشا کردند و اروپا و امریکا را به دنبال خود کشاندند.

جیمی کارتر در کتاب خود می نویسد: هر ساله صد هزار دختر به عنوان برده در امریکا فروخته می شود.

این کار بالاترین و بزرگ ترین ضربه بر جسم و روح زن است. زن در غرب، مورد فشارهای روحی و روانی و عاطفی و اهانت شخصیتی و شانی است. دنیای غرب خیال می کند که ارزش و اعتبار زن به این است که حجاب و عفاف خود را کنار بگذارد و با بی بند و باری و ولنگاری، خود را برای مردان شهوتران بیاراید و با تبرج و خودآرایی، اسیر دست مرد شود. این نگاه، اهانت و خیانت به زن و حکم

سقوط زن به حضيض حيوانيت است.

غربي ها براي فروش يك كالاي بي ارزش و براي به دست آوردن پول، پيكر لخت يك زن را نشان مي دهند؛ اين حركت خيانت به زن و به زندگي زن و به آزادي زن است.

آزاد كسي است كه به خاطر دنياي مادي، قدم روي عزت و فضيلت و ايمان و تقوا، و روي مقام انساني خويش نگذارد و خود را از قيد هوا و هوس و شهوت و ثروت و پول و جاه و مقام آزاد كند.

اسلام زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آميزش بي حد و مرز ميان زن و مرد، به حفظ كرامت انساني، به آرايش نكردن در مقابل مرد بيگانه دعوت مي كند و اين عزت و كرامت زن مسلمان است. اگر بخواهيم براي زن يك حركت حقيقي و اساسي بكنيم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خود برسند، بايد به احكام اسلامي نظر داشته باشيم و از آن الهام بگيريم: اسلام طرفدار تكامل بشر است و از نگاه اين مكتب الهي، زن و مرد در مورد ارزش هاي الهي و انساني هيچ تفاوتی با همدیگر ندارند. اسلام در برخی از جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. در اسلام، زنان جزو پیشگامان حركت معنوی انسان به سوی پیشرفت ها هستند. از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، كاملا باز است. اسلام با كار كردن زن موافق است. زن مسلمان حق دارد آن خلایي را كه احساس مي كند، آن وظیفه ای را كه بر دوش خود حس مي كند، انجام دهد. در اسلام زن مالك ثروت خود است و برای سرمایه خود، خودش تصمیم می گیرد، غربي ها ۱۳۰۰ سال در اين زمینه از اسلام عقبند. در اسلام وقتی برای مومن، "نمونه" می خواهند مشخص كنند، نمونه زن معین می كنند. به حضرت فاطمه E و حضرت مریم و همسر فرعون استناد می كنند. در اسلام علو رتبه را جایگاه حتمی زن می دانند و سلوك به سوی آن را لازم می شمردند. اسلام از آن مردی كه به زن ظلم كند، متنفر و بيزار

است.

بیشترین حقایق و بیشترین واقعیت های فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.

همه دشمنی غربی ها با اسلام عزیز، به علت رشد فرهنگ دینی است. آنان عامل این رشد را جمهوری اسلامی ایران و الگوگیری از این نظام الهی می دانند. به همین علت تمام قدرت خود را به کار گرفته اند که با شعار زن، زندگی، آزادی، و ترویج فرهنگ غربی و فساد و فحشا؛ جلوی رشد اسلام، نگاه درست به زن، زندگی و آزادی را از بین ببرند. اسلام مدافع حقوق و شخصیت زن است. نگاه درست به زندگی را دین تبیین می کند.

در فرهنگ غربی، کلمه آزادی به جای آن که معنای رهایی از بندگی شکم و دامن و پول و مقام و قدرت و وارستگی از پستی و از تعلق خاطر به اباطیل و اوهام و خرافات را بدهد، معنای لالابالیگری و غوطه ور شدن در منجلاب فحشا و بی عفتی و فساد اخلاقی می دهد.

در فرهنگ اسلام، آزادی به معنای رها شدن از قید و بند طاغوت ها و زورگویان عالم، و امکان حرکت و پرواز به سوی سرمنزل انسانیت است. مفهوم آزاد بودن انسان، قرن ها پیش از آن که در اروپا و غرب مطرح بشود، در اسلام مطرح شد، و قرن ها پیش از آن که متفکرین و روشنفکران و انقلابیون و رهبران اروپایی به فکر بیفتند که آزادی بشر را یکی از حقوق اساسی بشر بدانند، این در اسلام ناب مطرح شده است. ناب محمدی [را بگیرند]. (شیرازی، ۲ آبان ۱۴۰۱)

ارائه راهکارهایی برای پیوند و تعامل میان این دو دیدگاه در

راستای بهبود وضعیت زنان.

پیوند و تعامل میان دیدگاه های اسلامی و دستاوردهای غربی برای بهبود وضعیت زنان، نیازمند در نظر گرفتن مشترکات و تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و

دینی است. در اینجا به ارائه راهکارهایی پرداخته می‌شود که می‌توانند تعامل میان این دو رویکرد را تقویت کنند و به ارتقاء حقوق و وضعیت زنان کمک نمایند:

۱. ترویج گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی و بین‌مذهبی

- **راهکار:** ایجاد فضاهای گفت‌وگو میان اندیشمندان، فعالان حقوق زنان و رهبران دینی از هر دو جهان‌بینی اسلامی و غربی می‌تواند به درک بهتر از حقوق زنان و تربیت جنسیتی کمک کند. این گفت‌وگوها می‌تواند بر روی موضوعات مشترکی همچون عدالت جنسیتی، حق آموزش و مشارکت در جامعه متمرکز شود. (وادود، ۱۹۹۹: ۴۵)

۲. استفاده از ظرفیت‌های حقوقی اسلامی و غربی برای تدوین قوانین جامع

- **راهکار:** یکی از راه‌های بهبود وضعیت زنان در جوامع اسلامی و غربی، تدوین قوانین حمایتی بر اساس هر دو سیستم حقوقی است. اسلام از حقوقی چون حق ارث، مالکیت و حق کار برای زنان حمایت می‌کند، و در غرب نیز تلاش‌های حقوقی برای مقابله با تبعیض جنسیتی و خشونت علیه زنان انجام شده است. ترکیب این دو رویکرد می‌تواند قوانین جامع‌تری ارائه دهد. (انجینیر، ۱۹۹۲: ۷۸)

۳. تقویت نقش آموزشی برای ترویج برابری جنسیتی

- **راهکار:** آموزش یکی از ابزارهای اساسی برای ترویج برابری جنسیتی در هر دو فرهنگ اسلامی و غربی است. ایجاد برنامه‌های آموزشی که ارزش‌های مشترک انسانی، عدالت و برابری جنسیتی را ترویج کند، می‌تواند به ارتقاء وضعیت زنان در هر دو جامعه کمک کند.

۴. تقویت نقش والدین در تربیت فرزندان بر اساس عدالت جنسیتی

- راهکار: آموزش والدین در زمینه تربیت فرزندان بر اساس اصول عدالت جنسیتی می‌تواند راهکاری موثر برای انتقال ارزش‌های برابری به نسل‌های آینده باشد. (سی‌ال و دی‌ان، ۲۰۰۴: ۶۷-۷۰)

۵. تدوین سیاست‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان

- راهکار: ترویج مشارکت فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی با استفاده از آموزه‌های اسلامی و غربی می‌تواند به بهبود جایگاه زنان در جامعه کمک کند. اسلام مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را به رسمیت می‌شناسد و جنبش‌های حقوق زنان در غرب نیز بر این مشارکت تأکید دارند. (تانگ، ۲۰۰۹: ۱۱۲)

۶. ترویج دسترسی برابر به آموزش و منابع اقتصادی

- راهکار: ترکیب آموزه‌های اسلامی که بر اهمیت آموزش تأکید دارد و تلاش‌های غربی در زمینه دسترسی برابر به منابع اقتصادی می‌تواند به توانمندسازی زنان کمک کند. هر دو فرهنگ به اهمیت آموزش و بهره‌مندی برابر از منابع اقتصادی اذعان دارند. (فریزر، ۱۹۹۷: ۳۸)

نتیجه گیری

تربیت جنسیتی در اسلام و غرب، با وجود تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و فلسفی، هر دو به دنبال اصولی هستند که به رشد و تعالی فرد و جامعه کمک کنند. اسلام، با تأکید بر اصولی مانند عدالت، تفاوت‌های طبیعی و تکمیل‌کنندگی نقش‌ها میان زن و مرد، الگویی از تربیت جنسیتی ارائه می‌دهد که برای هر جنس نقش‌های مشخصی در خانواده و جامعه تعریف می‌کند. در این دیدگاه، زن در نقش همسر و مادر دارای ارزش والایی است و تربیت او برای حفظ نهاد خانواده و پرورش نسل‌های آینده اهمیت ویژه دارد. همچنین، اسلام تأکید دارد که این تقسیم وظایف نباید به برتری یکی بر دیگری منجر شود، بلکه هر دو جنس در تکمیل یکدیگر عمل می‌کنند و عدالت الهی بر روابط میان آن‌ها حاکم است.

در مقابل، در غرب، به‌ویژه پس از ظهور جنبش‌های فمینیستی و گسترش تفکر لیبرالیستی، برابری جنسیتی به معنای تساوی حقوق و فرصت‌ها تعریف شده است. این دیدگاه بر این اصل تأکید دارد که هر فرد، بدون توجه به جنسیت، باید از آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار باشد و نقش‌های اجتماعی بر اساس توانایی‌ها و علایق شخصی تعیین شوند، نه بر پایه جنسیت. شعار "زن، زندگی، آزادی" که نمادی از این تفکر در جنبش‌های حقوق زنان در غرب است، بر حق انتخاب آزادانه مسیر زندگی و مشارکت زنان در تمامی حوزه‌های اجتماعی تأکید دارد.

در نهایت، با وجود تفاوت‌های فلسفی و دینی، هر دو فرهنگ به اهمیت تربیت جنسیتی اذعان دارند. اسلام، بر پایه عدالت جنسیتی و رعایت ارزش‌های دینی، به حفظ نهاد خانواده و تربیت متعادل توجه دارد، در حالی که غرب با تأکید بر حقوق فردی و برابری اجتماعی، نقش‌های جنسیتی را بازتعریف کرده و در پی حذف کلیشه‌ها و پیشبرد جامعه است. اگرچه این دو رویکرد در روش‌ها و اهداف جزئی تفاوت‌هایی دارند، اما با ایجاد ترویج فرهنگ گفت و گوهای بین فرهنگی و

بین مذهبی ، استفاده از ظرفیت های حقوقی اسلامی و غربی برای تدوین قوانین جامع ، تقویت نقش آموزشی برای ترویج برابری جنسیتی ، تقویت نقش والدین در تربیت فرزندان بر اساس عدالت جنسیتی ، میتوان جامعه ای را ایجاد کرد که در آن زن و مرد بتوانند نقش های مؤثری ایفا کنند.

منابع :

قرآن

نهج البلاغه، جعفری، محمد تقی

۱. احمد، پناهی، خانواده از منظر دین و روانشناسی، معرفت، ۱۳۸۷
۲. اسدی، انیس، مطهری راد، اشتغال زوجین و آثار و پیامدهای آن بر فرزندان، چهارمین کنفرانس بین المللی ۳- پژوهش های دینی اسلامی، فقه حقوق در ایران و جهان
۳. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، دار العرفان، قم - ایران، ۱۳۸۶
۴. انصاریان، حسین، بر بال اندیشه، دار العرفان، قم - ایران، ۱۳۸۳ ه.ش.
۵. اسماعیل چراغی کوتیانی، فمینیسم و کارکردهای خانواده: نشریه معرفت
۶. بشیری، ابوالقاسم، نشریه معرفت، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
۷. خطیبی کوشک، محمد و همکاران، فرهنگ شیعه، زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۶
۸. داود حسینی نسب، «نقش آموزی جنسیت و تفاوت های جنسیتی در کودکان»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، دریا، تهران - ایران، ۱۳۸۳ ه.
۱۰. رضوانی محسن، فمینیسم، نشریه معرفت،
۱۱. شیرازی، علی، زن، زندگی، آزادی در فرهنگ الهی و غربی، ۲ ابان ۱۴۰۱
۱۲. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، سازمان

تبلیغات اسلامی. مرکز چاپ و نشر، تهران - ایران، ۱۳۷۱ ه.ش.

۱۳. قائمی، علی، **اسلام و تربیت دختران**، انتشارات امیری، آئین چاپ ، ۱۳۷۴

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، **اخلاق در قرآن** ، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم - ایران، ۱۳۸۵ ه.ش.

۱۵. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، صدرا، تهران - ایران، ۱۳۷۶ ه.ش.

۱۶. مؤسسه فرهنگی طه، **نگاهی به فمینیسم**، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی قم ۱۳۷۷

۱۷. ناهید مطیع، **«فمینیسم در ایران در جست‌وجوی یک رهیافت بومی»**، بولتن مرجع ۴: گزیده مقالات و متون درباره فمینیسم، ۱۳۷۸،

۱۸. هاشمی ، حسین ، **چیستی و اهداف تربیت** ، پژوهش های قرآنی ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

۱۹. هاشملو ، جعفر، تفاوت های کلی در تعلیم و تربیت بین دیدگاه های اسلام و غرب ، دهم مرداد ، ۱۳۹۷

۲۰. یادداشت روابط عمومی دانشگاه رازی؛ **تأملی در شعار "زن، زندگی، آزادی ۵ اذر ۱۴۰۱"**

۲۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت ، دارصادر ، ۱۳۰۰ ه ق

۲۲. طباطبائی ، محمد حسین ، **تفسیر المیزان** ، اسماعیلیان ، دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۰ ه ش

۲۳. استفانی گرت، **جامعه‌شناسی جنسیت**، مترجم کتایون بقایی ، نشر نی، چاپ ۳، ۱۴۰۰

۲۴. آدامز ای. ام، **معنای زندگی**، ترجمه زهرا گلپایگان، نشریه نقد و نظر

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

۲۵. اندرو وینسنت، *ایدئولوژی های مدرن سیاسی*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۸

۲۶. اندرو هی وود، *درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی*، ترجمه محمدرفعی مهرآبادی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹

۲۷. انجینیر، آ. آ. (1992). *حقوق زنان در اسلام*. انتشارات سی. هرست و شرکا

۲۸. سیمون کوهن بارون، *زن چیست، مرد کیست*، ترجمه گیسو ناصری، انتشارات پل، نوبت ۸، ۱۴۰۲

۲۹. فریزر، ن. (1997). *عدالت متوقف شده: تأملات انتقادی در مورد وضعیت "پسا-سوسیالیستی"*. انتشارات راتلج

۳۰. گرت، استفانی، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتایون بقایی، تهران، دیگر، ۱۳۸۰

۳۱. کانل، رابرت ویلیام. (۲۰۰۲). *"جنسیت: مقدمه‌ای کوتاه"*. کمبریج: انتشارات پولیتی،

۳۲. کان جی، کارلسون و دیگران، *بهداشت روانی زنان*، ترجمه خدیجه ابوالمعالی، هاروارد امریکا، انتشارات ساوالان، نوبت ۳، ۱۳۸۹

۳۳. مارتین، سی. ال. و روبل، دی. ان، *جستجوی کودکان برای سرنخ‌های جنسیتی: دیدگاه‌های شناختی درباره توسعه جنسیتی*، مقالات جاری در علوم، ۲۰۰۴

۳۴. لینزی، لیندا لی. (۲۰۱۵). *"نقش‌های جنسیتی: دیدگاهی جامعه‌شناختی"*. نیویورک: انتشارات پیرسون

۳۵. رابرت اچ. بورک، *در سراسیمگی به سوی گومورا*، ترجمه الهه هاشمی

، انتشارات حکمت ، چاپ ۴، ۱۳۸۹

۳۶. روزه پیره، روان‌شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه محمد حسین

سروری، انتشارات جانزاده، چاپ ۴، ۱۳۷۷

۳۷. تونگ، رزماری. (۲۰۰۹). اندیشه فمینیستی: مقدمه‌ای جامع‌تر،

انتشارات وست‌ویو

۳۸. وادود، آ. (1999). قرآن و زن: بازخوانی متن مقدس از دیدگاه

زنانه. انتشارات دانشگاه آکسفورد، صفحه ۴۵.

تأثیر ملاک‌های غیر الهی در افزایش طلاق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱ اشرف ارجمند^۱

چکیده

با توجه به اهمیت جایگاه خانواده در نظام اجتماعی، لازم است دولت‌ها و ملت‌ها توجه زیادی به این امر مهم داشته باشند، یکی از معضلاتی که تمام جوامع بشری دچار آن شده‌اند، افزایش طلاق است که این امر نشأت گرفته از عوامل مختلفی می‌باشد. این مقاله به روش کتابخانه‌ای به کنکاش پرداخته و به این نتیجه رسیده که یکی از این عوامل، ملاک‌های غیر الهی است. از جمله این ملاک‌ها؛ مهریه سنگین است که خانواده دختر تصور می‌کند که می‌تواند ضمانت زندگی دخترشان شود. ادامه تحصیلات ملاک دیگری است که افراد برای کسب جایگاه اجتماعی و گاهی فخر فروشی به دنبال مدرک‌های بالاتر می‌روند و چه بسا موجب اخلاف در روند زندگی شود، اما ملاک دیگر، داشتن انتظارات نابجا و افزایش سطح این انتظارات است که تصور می‌شود در ابتدای زندگی باید همه چیز مهیا باشد؛ لذا با هزینه بالا جهیزیه سنگینی تهیه می‌کنند، مورد دیگر آرزوهای بلند است که برای ادامه زندگی خود در نظر می‌گیرند که موجب اختلاف و مشکلات می‌شود، همچنین تجمل‌گرایی که خانواده‌ها را به سمت خرید وسایل گران قیمت و مارک‌های خاص سوق داده و یا اینکه در ابتدای زندگی اصرار بر مالکیت مسکن شخصی دارند. به دنبال زیبایی محصور کننده رفتن، مورد دیگری است که نتیجه آن، توجه به ظاهر و عدم توجه به اخلاق و فرهنگ است، گاهی هدف از ازدواج، مهاجرت و تابعیت گرفتن است که بعد از رسیدن به هدف، زندگی سست می‌شود و گاهی سخت‌گیری در انتخاب و شرایط با تصور رسیدن به فرد کامل است. ملاک دیگر، دوستی قبل از دواج است که با هدف آشنایی انجام می‌شود ولی دچار یکسری هیجانات می‌شوند که بعد از رسیدن زوجین به هم و سرد شدن هیجانات، زندگی دچار مشکل می‌شود؛ حال اگر زوجین این سطح از انتظارات را کم نکنند، موجب افزایش طلاق می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ملاک، معیار، طلاق، غیرالهی، الهی.

^۱ طلبه سطح دو مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه >

مقدمه

پدیده طلاق، پدیده‌ای چند عاملی است که هرگز یک عامل به تنهایی نمی‌تواند موجبات پیدایش آن را فراهم کند. اکثر اوقات بزرگترین مشکلات از جزیی‌ترین مسائل ایجاد می‌شود. همین جزیی‌ها باعث ویران شدن خانواده می‌شود.

آمار روبه‌رشد افزایش طلاق در هیچ عصری چنین نگران‌کننده نبوده، با این‌که می‌دانیم مساله طلاق یک امر ضروری است ولی باید به حداقل ممکن کاهش یابد چرا که در روایات اسلامی طلاق شدیداً مذمت شده و به عنوان مبعوض‌ترین حلال‌ها از آن یاد شده است.

با توجه به اهمیت موضوع سعی داریم با استناد به آیات و روایات موارد افزایش آن‌ها را مطرح کنیم. امروزه شاهد هستیم، که خانواده‌ها دچار بحران و درگیری‌ها بوده و در رابطه با خود و فرزندانشان مسائل و دشواری‌هایی دارند از قبیل اینکه: روابطشان دچار سستی و تزلزل شده و از صفا و صمیمیت و در نتیجه از آرامش و سکون خبری نیست. زن و شوهر در ظاهر کنار هم هستند ولی وضعیت زندگی، آنها را مثل دو بیگانه در کنارهم قرار داده و همین امر باعث شده که آمار طلاق بسیار زیاد شود و زن و شوهر با اندک بهانه‌ای رشته حیات زناشویی خود را از هم جدا کنند، این‌ها از جمله نابسامانی‌هایی است، که دامنگیر نهاد مقدس خانواده گردیده است. (رضایی، ۱۳۸۳ش)

در مورد پیشینه این بحث، با جستجو و بررسی که شد نوشته‌ای با این عنوان خاص پیدا نشد اما مواردی نزدیک به این موضوع پیدا شد که به شرح ذیل می‌باشد:

کتاب «انتخاب همسر» به قلم استاد ابراهیم امینی که در سال ۱۳۹۲ چاپ شده با موضوع زناشویی - همسرگزینی، مجموعه رهنمودهایی است که مؤلف در تدوین آن متعدد بهره جسته است، وی همچنین در جای جای کتاب نمونه‌هایی

از زندگی زناشویی را شرح داده که مخاطبان می‌توانند کتاب را با این موضوعات و فصل‌ها مطالعه کنند: ۱- فواید ازدواج ۲- شرایط و ویژگی‌های یک همسر مناسب ۳- موانع و مشکلات ازدواج ۴- مراسم نامزدی ۵- تعیین مهر ۶- عقد و عروسی ۷- ناسازگاری‌های زناشویی.

مورد دیگر پایان نامه‌ای با عنوان «نهاد خانواده در اندیشه تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی» که پدید آورش غلامعلی مختاری ملک‌آبادی بوده، در این پژوهش با توجه به اهمیت مباحث خانواده در قرآن و توجه ویژه به تفسیر نمونه به‌عنوان یک تفسیر اجتماعی به این مهم سعی شده آرا و اندیشه‌های تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی راجع به نهاد خانواده به‌صورت نظام‌مند ارائه شود این پژوهش در پنج فصل تنظیم شده که فصل اول شامل: کلیات و مفاهیم است که در بر دارنده بیان مسئله، کارکردها، جایگاه خانواده، قواعد رفتاری، آسیب‌ها والگوی خانواده، تفسیر اجتماعی، تفسیر نمونه. فصل دوم: مسئله تشکیل خانواده و مبانی و کارکردها و جایگاه آن. فصل سوم: این مسئله را دنبال می‌کند که اصول و قواعد رفتاری که شاکله اخلاق فردی و اجتماعی فرد را نشان می‌دهند کدامند. فصل چهارم: در پی رفع گوشه‌ای معضلات و مشکلاتی است که امروزه با خانواده‌های ایران اسلامی دست به گریبان است که شامل مفهوم‌شناسی طلاق، نکوهش طلاق، مشکلات طلاق، زمینه‌های طلاق و هشدارها و توصیه‌هایی برای درمان از زبان اهل‌بیت=و قرآن است. فصل پنجم: نتیجه‌ای عینی از این معارف ناب قرآنی را در ساحت خانواده علوی به نظاره می‌نشینیم و در ابتدا ملاک‌ها و معیارهایی در رابطه با انتخاب همسر شایسته همچون هم‌کفو بودن در ایمان، اخلاق، فرهنگ اجتماعی و آسان‌گیری در برپایی ازدواج اسلامی از بله‌برون، جهیزیه و مراسمات بیان شده و در ادامه معضلاتی مانند کاهش ازدواج، زیاد شدن سن ازدواج، ناهنجاری‌های اجتماعی و دوری از فرهنگ اسلامی گریبان‌گیر خانواده‌ها و جامعه دینی است شده را گوشزد می‌کند.

اما در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تدوین شده، ضمن اشاره به مفهوم

شناسی طلاق، معیار آن ها به بررسی ملاک های غیرالهی و تاثیر آن در افزایش طلاق پرداخته می شود.

مفهوم شناسی طلاق:

واژه طلاق در لغت به معنی جدا شدن از مرد، رهاشدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی و به معنای رهایی از قید و بند است و یکی از ایقاعات است که به وسیله آن پیمان زناشویی گسسته می شود و عهده دار آن مرد است و اقسام و شرایطی دارد. (طلاق: ۲-۱). به معنای دیگر زائل کردن قید و پیوند نکاح (برهم زدن پیوند زناشویی) با صیغه مخصوص یا انحلال عقد نکاح دائم با صیغه مخصوص دانسته اند. طلاق مانند ازدواج با خواندن صیغه صورت می گیرد اما برخلاف ازدواج جزء ایقاعات است یعنی یک طرفه است و تنها از سوی مرد انجام می شود. (مشکینی، ۱۴۳۱ق، ص ۳۵۶ و ص ۹۷). و در لغت عرب واژه ی تطلیق بیشتر برای گسست پیوند زناشویی بکار می رود، و از سوی دیگر از جمله رهایی، آزاد کردن، ترک کردن، واگذاشتن، مفارقت و جدایی است. (اذرنوش، ۱۳۵۸ش، ص ۴۰۲). به معنای ازاله کردن عقد ازدواج می باشد و همچنین «ازاله قید نکاح بدون عوض با صیغه طالق و شبهه آن» و همچنین در اصطلاح حقوقی طلاق این گونه تفسیر شده است: «طلاق ایقاعی است که به موجب آن مرد به اذن یا حکم دادگاه زنی را که به طور دائم در قید زناشویی اوست رها می سازد.» (محمد عاملی، ۱۳۵۷ش، ص ۳۷۸). توضیح مطلب به این صورت است که: اولاً: طلاق جزء ایقاعات است که در کتاب جواهر الکلام بدان تصریح شده است و جزء عقود نیست و تنها ایجاب در آن کفایت می کند اما اگر جزء عقود شرعی قرار می گرفت بایستی علاوه بر ایجاب، قبول هم در آن وجود داشت که در این صورت دو طرفه می بود در حالیکه خود طلاق یک طرفه است و از طرف مرد صورت می گیرد. ثانیاً: اینکه طلاق، فسخ نیست بلکه براساس صیغه خاصی مثل طالق صورت می گیرد در حالیکه اگر فسخ بود دیگر نیازمند صیغه خاص نبود و بدون صیغه هم جاری می شد. بنابراین طلاق

عبارتست از انحلال عقد نکاح دائمی با صیغه خاص ورعایت تشریفات شرعی. (همان، ص ۳۷۸).

اقسام طلاق

در روایات وسیره عملی پیامبر [واهل بیت = مشاهده می‌شود، که آنان طلاق را بسیار مذموم ومنفور معرفی کرده اند. در یک نگاه طلاق را به چهار نوع می‌توان تقسیم نمود:

- ۱- طلاق رجعی: که طی آن مرد به زن بعد از طلاق و قبل از سرآمدن مدت عده می‌تواند بدون عقد به زن خود رجوع کند. (فرهنگ فقه، ص ۲۰۵).
- ۲- طلاق بائن: که طی آن مرد بعد از جدایی حق رجوع به زن خود را بدون عقد مجدد ندارد. (موسوی خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۹۲).
- ۳- طلاق خلع: که در آن زن نسبت به شوهرش کراهت دارد و با بخشیدن دارایی هایش از شوهر می‌خواهد تا او را طلاق دهد.
- ۴- طلاق مبارات: هنگامی صورت می‌گیرد که زن و شوهر متقابلاً از یکدیگر بیزار شده‌اند و برخلاف طلاق خلع که در آن زن برای تحقق طلاق می‌تواند همه دارایی‌هایش را ببخشد فقط می‌تواند از مهریه خود یا به مقدار آن صرف‌نظر کند، یا به عبارت دیگر در این نوع طلاق، بر مرد دریافت بیش از مقدار مهر جایز نیست. (مشکینی، مصطلحات الفقه واصطلاحات الاصول، ص ۳۵۷). (حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۵۹، ح ۳).

ملاک‌های غیر الهی طلاق

به طور کلی ملاک‌های غیر الهی طلاق شامل موارد زیر هستند:

۱- مهریه سنگین:

مهریه عبارت است از مال معین یا چیزی که جایگزین مال باشد و زوج مجبور به پرداخت آن شود. حق کامل زن بر شوهر است که نسبت به تهیه و پرداخت آن اقدام کند. ائمه و بزرگان همواره سبک بودن میزان مهریه را

به عنوان یک هدیه از طرف مرد توصیه کرده اند. ولی در گذر زمان میزان مهریه، بی رویه افزایش یافته و به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده و به سبب ضعف توان اقتصادی مردان در پرداخت مهریه، و به جهت تلقی نادرست مردان از فلسفه وجودی و وضعیت حقوقی مهریه و همچنین اینکه اکثر زنان در پی مطالبه و اخذ آن هستند، به یک مشکل در جامعه تبدیل شده است. اکثریت جامعه معتقدند مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته، به همین دلیل این حق مالی را هیچ می انگارند و جز در موارد اضطرار همچون طلاق بدان توسل نمی جویند، همچنین استواری خانواده در گذشته معلول تعهدات اخلاقی طرفین، قبح طلاق، شدت کنترل اجتماعی، انتظارات محدود بود و به همین دلیل مهریه و سایر الزامات حقوقی نقش چندانی نداشت ولی در جامعه امروز به سبب تغییرات اجتماعی و عرف برای تثبیت این قانون به مقولاتی همچون افزایش مهریه توسل جسته اند. وقتی دقیق تر نگاه می کنیم مهم ترین عامل افزایش مهر در سال های قبل تقلیدی یا همان چشم و هم چشمی بوده؛ به این معنا که فرد یا خانواده او وضعیت بالای مادی اقوام، همسایگان و دیگران را ملاک قرار می دهند و به دست و پا می افتند که خود را هم تراز آن ها قرار دهند، در این خصوص نقش گسترش وسایل ارتباطی رسانه ها نقش تعیین کننده ای داشته است. همین امر درباره اثرپذیری روستاها از شهرها نیز صدق می کند. (انصاریان، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱۶-۱۱۸)، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۰-۴۵)

۲- ادامه تحصیلات:

مدرنیته به عنوان یک نظام، مجموعه ای از ارزش های فردگرایانه و سبک زندگی متنوع و متفاوتی را پیش روی افراد قرار داده است. در اندیشه مدرن لذت و ذائقه فردی، به عنوان یک اصل بر تمام تصمیمات انسانی غالب می شود. بدین ترتیب با رهایی از سنت ها و مسئولیت های مربوط به ازدواج سنتی، دسترسی بیشتر به منابع آموزشی و مالی و کم رنگ و کم رنگ شدن مرزهای جنسیتی، تمایل افراد برای ازدواج و تشکیل خانواده کاهش پیدا می کند. آن که مسئولیت های ازدواج

مانع تحصیل می‌شود پنداری غلط است. ترجیح داده می‌شود ازدواج و کسب آمادگی برای آن، به بعد از فراغت از تحصیل موکول شود. که این مسائل، شرایط ازدواج را دشوار می‌کند و همچنین دختران با تحصیلات بالا کم‌تر به ازدواج با پسران هم‌ردیف یا کم‌تر از خود علاقه نشان می‌دهند، ضمن آن‌که رعایت نکردن تناسب تحصیلی در انتخاب ممکن است به عدم تفاهم فکری در زندگی نیز بیانجامد. بی‌گمان ازدواج‌های دانشجویی ترغیب جوانان به ازدواج در دوران تحصیل با تأکید بر تعدیل خواسته‌ها و نیز انتظارات فرد و خانواده می‌تواند به حل مشکل کمک کند. امروزه سطح تحصیل برخی دختران از سطح تحصیل خواستگارهای آن‌ها بیشتر است. به‌همین دلیل سطح تحصیل پسر نباید ملاک انتخاب قرار گیرد، چرا که خیلی مواقع حتی اگر پسر دارای سطح تحصیلات پایین‌تر از دختر باشد، می‌تواند همسر شایسته‌ای برای وی باشد. اغلب پسران و دختران، علاقه‌مند هستند که تحصیلات خود را حداقل تا دیپلم و در صورت امکان تا لیسانس و بالاتر ادامه دهند و از طرف دیگر ازدواج را با درس‌خواندن ناسازگار می‌دانند؛ زیرا ازدواج مسئولیت‌آفرین است و شخص را مقید می‌سازد. پسر تصور می‌کند که باید همسررداری کند و مخارج خانواده را تأمین نماید، در صورتی‌که شغل و درآمدی پیدا نکرده تا مخارج خود و همسرش را تأمین کند، او هنوز نان خور پدر و مادر خود است و نمی‌تواند هزینه زندگی خانواده‌اش را تأمین کند، به‌علاوه فکر می‌کند بعد از ازدواج باید همسررداری کند و فرصت فراغتی برای درس‌خواندن نخواهد داشت. دختر نیز تصور می‌کند که ازدواج مانع درس‌خواندن اوست؛ زیرا می‌بایست بعد از ازدواج، شوهررداری و خانه‌داری کند و فراغتی برای درس‌خواندن ندارد. خانواده دختر غالباً حاضر نیستند امر ازدواج فرزندان را جلو بیندازند، در نتیجه‌ی چنین اوضاعی، سن ازدواج بالا می‌رود. در شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ ملاک و معیار انتخاب اکثر دانشجویان دختر با وارد شدن به دانشگاه تغییر کرده و توقع دارند که فرد مقابل آن‌ها هم دارای تحصیلات عالی باشد درحالی‌که بالا رفتن تحصیلات دختران گرچه کیفیت خواستگار آن‌ها

را بالا می‌برد ولی تعداد آن را کم می‌کند زیرا افراد دارای تحصیلات پایین‌تر به خواستگاری آن‌ها نمی‌روند و اگر هم بروند آن‌ها قبول نمی‌کنند. (ارمکی، مقاله تغییرات خانواده های ایرانی در مواجهه با مدرنیته جهانی، ۲۷ مهر ۱۳۹۴)، (آیت اللهی، ۱۳۹۳ش، ص ۸۳-۸۵)، (امینی، ۱۳۹۴ش، ص ۵۲-۵۴)

۳- افزایش سطح انتظارات:

در سال‌های اخیر با رشد صنعتی شدن و سرمایه‌داری در جامعه، پدیده مصرف زدگی و ایجاد نیازهای کاذب با استفاده از صنعت تبلیغات به وجود آمده است. در چنین اوضاعی، مردم روزبه‌روز نیازهای جدیدی می‌یابند و بدین ترتیب اتصالات آن‌ها فزونی می‌یابد و موجب چشم و هم چشمی می‌شود. در دهه‌های گذشته، غالب جوانان با کمترین امکانات و با رضایت خاطر ازدواج می‌کردند، اما در سال‌های اخیر، ازدواج مطلوب بسته به داشتن تمام امکانات اعم از خانه، اتومبیل و جهیزیه کامل است. چنین انتظاری نه تنها در بین جوانان، بلکه بین خانواده‌ها هم دیده می‌شود، والدینی که در گذشته با امکانات کم احساس خوش‌بختی داشتند، نسبت به فرزندان خود انتظارات نامعقولی دارند که برآوردن آن‌ها زمانی طولانی می‌طلبد. بدین ترتیب، بسیاری از جوانان ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و با این توقعات سرسام‌آور، خانواده متزلزلی شکل می‌دهند. (آیت اللهی، ۱۳۹۳ش، ص ۸۷-۸۸)

۴- بلندپروازی و زیاده‌خواهی :

ازدواج آن‌قدر هم دشوار نیست که ما می‌پنداریم، بلکه توقعات و بلندپروازی‌های بی‌جا و تجمل‌پرستی اغلب جوانان، ازدواج را این چنین دشوار ساخته است. مراسم عقد و عروسی، هزینه‌های سنگین و کمرشکن و جهاز است که ازدواج‌ها را به صورت غولی وحشتناک درآورده است. جوانان این مراسم سنگین را جزء لاینفک ازدواج و از علایم شخصیت خود می‌پندارند، در صورتی که تجملات و تشریفات، چیزی زاید و غیرعقلانی است، جهیزیه‌های سنگین و

تجملاتی، خریده‌های تشریفاتی و غیرضروری قبل از عقد و عروسی، برگزار کردن مجالس عقد و عروسی در تالارهای پرخرج، مهمانی‌های پرخرج و تشریفاتی، ریخت و پاشها، ولخرجی‌های زیاد، که ازدواج را دشوار ساخته است، همه این‌ها در اثر رقابت، چشم و هم چشمی‌ها و خودنمایی‌ها به وجود آمده طبقات ثروتمند که از امکانات مالی خوبی برخوردار هستند برای نشان دادن ثروت و امکانات خود مراسم ازدواج خود و فرزندان‌شان را با تجملات و تشریفات برگزار می‌کنند بدین وسیله ثروت خود را در معرض دید افراد هم طبقه خود و طبقات پایین‌تر قرار می‌دهند، طبقات متوسط سعی می‌کنند به هر طریق ممکن مراسم ازدواج‌ها را شبیه آنها برگزار کنند، این مورد به طبقات پایین‌تر هم سرایت می‌کند و به تدریج تبدیل به یک ارزش اجتماعی شده و باعث می‌شود که همه در این رقابت همگانی شرکت نمایند. بنابراین تجمل‌گرایی را می‌توان به عنوان ریشه اکثر موانع ازدواج و مهم‌ترین عامل تأخیر آن تا سنین بالاتر، نسبت به بسیاری از دختران و پسران بشمار آورد و برای حل این مشکلات و ده‌ها مشکل مانند این‌ها، چاره‌ای جز مبارزه جدی با تجمل‌گرایی و ترویج ازدواج‌های ساده و کم‌خرج نداریم و این امر مهم نیازمند کار گسترده فرهنگی توسط همه نویسندگان و گویندگان روزنامه‌ها و مجلات، صداوسیما، ائمه جمعه و جماعت بعلاوه اقدام عملی توسط مسئولان عالی‌رتبه نظام و شخصیت معروف اجتماعی دارد. (امینی، ۱۳۹۴ش، ص ۴۷-۴۸ و ۶۶-۶۹)

۵- مسکن:

یکی از موانع بزرگ ازدواج؛ نداشتن منزل شخصی است. تهیه مسکن در ابتدای زندگی برای جوانان بسیار دشوار است و به همین جهت ازدواج‌ها از سنین مناسب تأخیر می‌افتد، این مشکل اختصاص به جوانان ندارد بلکه قشر وسیعی از مردم به این بلیه سخت گرفتارند جوان فکر می‌کند برای ازدواج باید منزل شخصی و مستقل داشته باشد، فرش و اسباب زندگی باید مرتب باشد، باید

مراسم عقد و عروسی را در تالار مجلل برپا سازند، باید بعد از ازدواج خودش و خانواده‌اش در کمال رفاه و آسایش زندگی کنند و چون در آغاز جوانی چنین امکاناتی ندارد تأخیر ازدواج را ترجیح می‌دهد، اما همه این افکار اشتباه است هیچ کدام برای ازدواج ضرورت ندارد اگر منزل شخصی نباشد، در منزل اجاره‌ای هم می‌توان ازدواج کرد، منزل دربست نباشد، در یک اتاق، دو اتاق هم می‌توان عروس آورد، یا منزل پدر و مادر عروس و داماد هم می‌توان عروسی گرفت، اگر فرش و قالی نیست روی موکت هم می‌توان زندگی کرد و اگر زندگی مرفهی نمی‌توان تهیه کرد با رعایت اقتصاد به سادگی می‌توان زندگی کرد، وقتی من به منظور تأمین تشریفات و تجملات ازدواج به موقع و ساده را به تأخیر ازدواج می‌اندازم، مشکلات زیادی بر خود و جامعه تحمیل می‌کنم؛ زیرا تأخیر ازدواج غالباً از آثار سوء جسمانی و روانی و حتی دینی و اخلاقی خالی نیست و عواقب ناگواری را به دنبال خواهد داشت، اگر دختر و پسر موقعیت خود را بشناسند از توقعات و بلندپروازی‌ها دست بردارند پا را به اندازه‌ی گلیم‌شان دراز کنند و با هم تفاهم نمایند که با وضع موجود بسازند و با همین امکانات موجود زندگی خانوادگی را تشکیل دهند می‌توانند در آغاز جوانی از نعمت انس و محبت برخوردار گردند و از عواقب سوء، تجرد مصون و محفوظ بمانند و می‌توانند به تدریج اسباب لوازم زندگی را فراهم سازند و بعد از مدتی زندگی آبرومند مرتبی داشته باشند. (همان، ص ۶۲-۶۴)

۶- زیبایی محصور کننده:

بعضی از دختران به دنبال زیبایی همسر آینده خود هستند و مدام به این موضوع فکر می‌کنند که اگر یکی از دوستانش همسری زیبا دارد، از او عقب نیفتد و دیگران با دیدن همسرش او را مسخره نکنند، در حالی که همه می‌دانیم چنین شخصی به این زیبایی که در خیال دختران هست، به ندرت پیدا می‌شود پس باید واقع بین باشیم و بپذیریم که داشتن تناسب نسبی در همه ابعاد مهم زندگی از جمله بعد فرهنگی، سنی، تحصیلات، سطح طبقاتی از

مولفه‌های اصلی موفقیت زندگی زناشویی است و ملاک زیبایی ظاهری نیز از این جهت استثناء نیست، حتی رسول خدا [هم فرمودند: « اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه فأن فعالهم أحرى أن یكون حسنا»]. خوبی‌ها را نزد زیبا رویان بجوئید زیرا کارهایشان نیز به طریق اولی نیکوخواهد بود. پس تناسب در زیبایی مهم است نه افراط در زیبایی. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱، ص ۱۸۷)

۷- شغل:

دختر و پسر به هنگام ازدواج باید در شغل خواستگار و لوازم شغل او خوب بیندیشند و تحقیق کنند. اگر دیدند می‌توانند با لوازم و آثار شغل او بسازند، ازدواج را بپذیرند و تصمیم بگیرند که خود را با وضع موجود تطبیق دهند و کانون خانواده را قرین شادمانی کنند، اگر چنین قدرت و همتی در خود ندیدند چه بهتر که از اول، ازدواج را نپذیرند، اصل شغل هست و نوع آن چندان مهم نیست و قابل تحمل می‌باشد. (امینی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۶-۱۴۱)

۸- مهاجرت:

هدف برخی از افراد در ازدواج، مهاجرت و گرفتن تابعیت کشورهای خارجی است این افراد به دنبال فردی برای مهاجرت هستند، آن‌ها از ازدواج به عنوان پلی برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند، ازدواجی که هدف آن غیر از عشق باشد نمی‌تواند برای انسان سعادت به ارمغان بیاورد.

۹- کامل بودن فرد از هر نظر:

انسان‌ها ترکیبی از ضعف‌ها و قوت‌ها هستند، تصور یک انسان کامل و ایده‌آل که هیچ مشکلی نداشته باشد، بیشتر در خیالات جا می‌گیرد تا واقعیت، زمان ازدواج دقت کنید که نقاط ضعف و قوت همسر آینده تان را بشناسید و کسی را انتخاب کنید که نقاط قوتش ارزشمندتر از نقاط ضعفش باشد.

۱۰- دوستی قبل از ازدواج:

خیلی از جوانان فکر می‌کنند این دوستی لازمه ازدواج موفق است و متأسفانه رواج این تفکر روزبه‌روز در بین جوانان بیشتر می‌شود، از آن‌جاکه این دوستی‌ها براساس مسائل احساسی و جذابیت‌های نخستین بین دو نفر صورت می‌گیرد، به کلی زمینه یک ازدواج موفق را به مخاطره می‌اندازد به همین علت است که اکثر این دوستی‌ها به ازدواج ختم نمی‌شود. بهتر است دوستی قبل از ازدواج، به صورت آشنایی قبل از ازدواج و تحت نظر خانواده‌ها صورت بگیرد و به جای مسائل احساسی دختر و پسر به مسائل منطقی فرایند شناخت منجر شود. (سایت هم‌اندیشان، ازدواج اشتباه- نشانه‌های ازدواج اشتباه چیست؟، به قلم مرکز مشاوره هم‌اندیشان)

نتیجه‌گیری

ملاک‌های غیر الهی در جوامع موجب شده که میل به ازدواج در جوان‌ها کاهش پیدا کند و حتی اگر ازدواجی هم اتفاق می‌افتد، بخاطر معیارهای غلط و انتخاب نادرست موجب طلاق و جدایی زوجین می‌شود.

در حالی که تاکید اسلام بر ازدواج است که معیارهای درست انتخاب همسر در آیات و روایات آمده و زن و مردی که برای تشکیل زندگی مشترک به دنبال الگوگیری از آیات و روایات باشند، می‌توانند با رعایت آن زندگی موفق‌تری داشته باشند.

برخی از این معیارها که می‌توان به آن اشاره کرد، اقتصاد و رعایت سادگی به‌ویژه در آغاز زندگی مشترک، قناعت، زندگی در حد عامه مردم جامعه، پرهیز از ورود مسائل مادی به ازدواج، دوری از خرج تراشی‌های کاذب، دوری از چشم و هم‌چشمی در مادیات، پرهیز از تجملات، توکل بر خدا در اقتصاد خانواده، تعیین مهریه‌های سبک، تهیه جهیزیه به مقدار شروع یک زندگی و به قدر وسع و توان والدین، طلب جهیزیه ساده از والدین، رعایت وضع مالی ایشان، که از شیوه‌های اسلام برای داشتن یک زندگی موفق هست.

یکی از مهم‌ترین طرق مبارزه با فحشاء، ازدواج ساده و آسان و بی‌ریا و

بی‌تکلف است، زیرا مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرایز وارد شد در حالی که یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از زیر بار ازدواج و تشکیل خانواده؛ مسئله فقر و نداشتن امکانات مالی است که با ازدواج آسان می‌توان این مشکل را برطرف کرد.

اسلام درمورد ازدواج فرزندان، مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده، و پدرانی را که در این مسئله حیاتی بی تفاوت هستند، شریک جرم انحراف فرزندان‌شان شمرده؛ چنانچه در حدیثی از پیامبر [می‌خوانیم «من ادرک له ولد، و عنده ما یزوجه، فلم یزوجه، فأحدث فإلثم بینهما» کسی که فرزندش به رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد اقدام نکند در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود، این گناه بر هر دو نوشته می‌شود.

همچنین در اسلام دستور مؤکد داده شده که هزینه‌های ازدواج را اعم از مهر و سایر قسمت‌ها سبک و آسان بگیرند تا مانعی بر سر راه ازدواج مجردان پیدا نشود از جمله درمورد مهریه سنگین که غالباً سنگ راه ازدواج افراد کم‌درآمد است، در حدیثی از پیامبر اکرم آمده : «شوم المرئیه غلاء مهرها» زن بد قدم زنی است که مهرش سنگین باشد. و از آن‌جاکه بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار این مسئولیت الهی و انسانی متعذر به عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی می‌شوند در آیات فوق صریحاً گفته شده است که فقر نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی‌نیازی می‌شود و دلیل هم این است که انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند، نه ابتکار و نیروی استعداد خود را به اندازه‌ی کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج می‌کند نه به هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و بارور ساختن آن می‌کوشد به همین دلیل مجردان غالباً خانه‌به‌دوش و تهی دستند. اما بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسائل زندگی فرزندان و آینده می‌بیند؛ به همین دلیل هوش، استعداد خود را بکار می‌گیرد و در حفظ درآمدهای خود و صرفه‌جویی تلاش

می‌کند و در مدت کوتاهی می‌تواند بر فقر چیره شود.

قرآن مهریه را نمادی از درستی، ایثار، بخشش می‌داند و هیچ‌گاه از آن به‌عنوان یک امر اقتصادی صرف و بده بستان بازاری تعبیه نکرده است، حال اگر تنها به‌عنوان اهرم اقتصادی در نظر گرفته شود، زندگی را مستحکم و پایدار نگه نمی‌دارد، پس باید معیارهای اصلی را شناخت و به کار بست، اخلاق اسلامی را در جامعه زنده کرد، به موازین اسلامی در معاشرت‌ها و روابط زن و مرد بسیار توجه کرد.

گروهی از جوانان گمان می‌کنند زیبایی زن یا مال و منال او و دارایی و شخصیت پدرش خوش‌بختی و سعادت می‌آورد اگر با چنین زن یا دختری ازدواج کنند، زندگی بی‌دغدغه و بی‌دردسری را برای او به ارمغان خواهد آورد، اما تجربه و دقت در گذران جوامع و زیر نظر گرفتن این نوع خانواده‌ها، خلاف این را ثابت کرده است.

شریعت اسلام تأمین خوراک و پوشاک و مسکن را به‌عهده مردان گذاشته تا آنان در بیرون تلاش و تکاپو نموده و وظیفه‌ی مادری و تربیت و بزرگ نمودن اطفال را برعهده بانوان گذاشته تا از خودنمایی و ظاهر شدن در بیرون بپرهیزند. ادامه تحصیلات ملاک دیگری است که گاهی زنان برای جایگاه اجتماعی داشتن و گاهی فخر فروشی به دنبال مدرک‌های بالاتر می‌روند و این کار موجب اخلال در روند زندگی می‌شود، اما ملاک دیگر انتظارات نا به جا و افزایش سطح انتظارات است که تصور می‌شود در ابتدای زندگی باید همه چیز مهیا باشد و با هزینه بالا جهیزیه سنگینی تهیه می‌کنند، مورد دیگر آرزوهای بلند است که برای ادامه زندگی خود در نظر می‌گیرند که موجب اختلاف و مشکلات می‌شود، همچنین تجمل‌گرایی ملاک دیگر زندگی است که خانواده‌ها را به خرید وسایل گران قیمت و مارک‌های خاص سوق داده است. یا اینکه برخی تصور می‌کنند که در ابتدای زندگی باید مالک یک مسکن باشند یا برخی دیگر به دنبال زیبایی محصور کننده همسر می‌روند و نتیجه آن توجه به ظاهر می‌شود در حالی که از لحاظ

اخلاق و فرهنگ توافق را در نظر گرفته نمی‌شود. گاهی هدف از ازدواج مهاجرت و تابعیت گرفتن است که بعد از رسیدن به هدف زندگی سست می‌شود و همچنین گاهی سخت‌گیری در انتخاب و شرایط سخت گذاشتن به تصور رسیدن به فرد کامل است اما آخرین ملاک، دوستی قبل از ازدواج است که طرفین ممکن است به عنوان آشنایی دچار یکسری هیجانات شوند و بعد از رسیدن زوجین به هم و سرد شدن هیجانات، دچار مشکل می‌شوند؛ حال اگر زن و مرد برای ازدواج سطح انتظارات را کم نکنند، در زندگی خود به چالش‌های زیادی برمی‌خورند و این امر موجب افزایش طلاق می‌شود.

منابع

قرآن

۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۷۱۱ق.
۲. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمہ، قم، موسسه دارالحديث العلميه والثقافيه، ۱۳۸۵ش.
۳. ارمکی، تقی، مقاله تغییرات خانواده های ایرانی در مواجهه با مدرنیته های جهانی، ۲۷مهر ۱۳۹۴
۴. امام خمینی، توضیح المسائل (محشی) ۱۴۲۴ق، چاپ اول ۱۳۹۲ش.
۵. امینی گلستانی، محمد، آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، قم، سپهرآذین، ۱۳۸۷ش.
۶. امینی، ابراهیم، جوان و همسرگزینی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دهم: ۱۳۹۴
۷. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، انتشارات قم ام ابیها، چاپ نهم زمستان ۱۳۷۷
۸. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، نشر نی، چاپ هفتم ۱۳۵۸.
۹. آیت اللهی، زهرا، اخلاق و خانواده، انتشارات قم دفتر نشر معارف، چاپ سی و دوم تابستان ۱۳۹۳
۱۰. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسین، فرهنگ فقه، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، قم دفتر انتشارات اهل بیت چاپ اول ۱۳۹۲ش.
۱۱. توسلی، افسانه، فولادی، لیلا، امان الهی، مینا، مقاله پژوهشی بررسی جامعه شناختی نگریه به مهریه در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی
۱۲. خرمشاهی، بهاءالدین، پیام پیامبر.

۱۳. خیری، مرضیه، حاجی آقا، مهدی، مقاله بررسی آسیب شناختی اجتماعی بالارفتن سن ازدواج از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۴. رضایی، مریم، مقاله مبغوضیت طلاق در اسلام، رواق اندیشه ۱۳۸۳، شماره ۳۰)
۱۵. سایت آدم و حوا، رسانه اجتماعی، www.adamvahavva.org
۱۶. سایت پرسمان www.porseman.com
۱۷. سایت شادیمما، معیارهای ازدواج موفق
چیست؟ www.shadema.com
۱۸. سایت هم‌اندیشان www.hamadishan.com
۱۹. شفق، غلامرضا، مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۸ش.
۲۰. شهید ثانی، مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول ۱۴۱۳ق.
۲۱. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۲ش.
۲۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم ۱۴۱۳ق.
۲۳. طوسی، تهذیب الحکام، محقق، موسوی الخرسان، حسن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم ۱۴۰۷ق.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۴
۲۵. مجله پیام زن ، ملاک های انتخاب همسر از منظر قرآن و روایات، دی ۱۳۸۷ش)،
۲۶. محقق داماد، بررسی فقهی حقوقی خانواده، (نکاح و انحلال آن)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش.

۲۷. محمد عاملی، محمد جمال الدین، لمعتہ الدمشقیہ، موسسہ اسماعیلیان، چاپ قم ۱۳۵۷ش.
۲۸. مشکینی، مصطلحات الفقه و اصطلاحات الاصول، بیروت منشورات الرضا، چاپ اول ۱۴۳۱ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ازدواج:الگوها، معیارها و ارزشها، انتشارات امام علی بن ابی طالب(ع) ۱۳۸۸ش)
۳۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم دایرة المعارف فقه اسلامی چاپ اول، ۱۳۹۲ش.

نقش امنیت دینی در تاب آوری خانواده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱ فاطمه عابدی شاهپور آبادی^۱

چکیده:

تاب آوری خانواده، توانایی خانواده در مقابله با چالش‌ها و مشکلات زندگی و حفظ تعادل و انسجام خود است. امنیت دینی، یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند به تقویت تاب آوری خانواده کمک کند. عناصر تحقق امنیت دینی عبارتند از: اعتقاد و ایمان، استمرار در آموزش دینی، پایبندی به اخلاق دینی، عمل به دستورات دینی، تلاش برای حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی و حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا؛ اعتقاد و ایمان، به اعضای خانواده امید و انگیزه می‌دهد تا در مواجهه با سختی‌ها و تحولات زندگی، پایداری و تاب آوری خود را حفظ کنند. استمرار در آموزش دینی، موجب تقویت اعتقادات و باورهای دینی اعضای خانواده می‌شود. پایبندی به اخلاق دینی، موجب ایجاد فضایی سالم و امن در خانواده می‌شود. عمل به دستورات دینی، موجب تقویت ایمان و اعتقادات دینی اعضای خانواده می‌شود. تلاش برای حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی، موجب تقویت ارتباط و همدلی بین اعضای خانواده می‌شود. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خیرات، موجب تقویت روحیه تعاون و همدلی بین اعضای خانواده می‌شود. حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، موجب تقویت ایمان و اعتقادات دینی اعضای خانواده می‌شود. در مجموع، می‌توان گفت که عناصر تحقق امنیت دینی، نقش مهمی در تاب آوری خانواده دارند. تقویت این عناصر، می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی، تاب آورتر باشند و از آسیب‌های احتمالی در امان بمانند.

کلیدواژه‌ها: امنیت، تاب آوری، خانواده، دین

مقدمه

ساحت امنیت در زندگی بشر، از مهمترین و اثرگذار ترین ساحاتی است که دین ترسیم گر مسیری صحیح برای آن است؛ از طرفی خانواده اولین، کوچکترین و مهمترین نهاد اجتماعی در نظر اسلام شناخته می شود؛ قوام، شکیبایی و تاب آوری این نهاد اجتماعی، منجر به قوی تر، داناتر و توانمندتر شدن آن می گردد.

با توجه به جایگاه خانواده در نگاه دین و اهمیت بقا و اصلاح جامعه دینی، ضرورت دارد تا به جایگاه و نقش امنیت دینی در قوام و تاب آوری این جزء مهم اجتماع بپردازیم.

در حوزه‌ی تاب آوری خانواده تحقیقات متعددی صورت گرفته است که از جمله‌ی آن ها می توان به مقاله‌ی «تدوین و اعتبار یابی الگوی تاب آوری خانواده مبتنی بر آموزه های قرآنی» نوشته‌ی محبوبه چمی و دیگران یا مقاله «عوامل و مولفه های تاب آوری از منظر قرآن و روایات» نوشته‌ی مهدی حبیب الهی اشاره کرد لکن بررسی آن از بُعد امنیت دینی موضوعی است که مستقلا به آن پرداخته نشده است. هدف ما از این نوشتار شفاف سازی ماهیت امنیت دینی و بررسی نسبت آن با تاب آوری خانواده است لذا در این نوشتار برآنیم تا مولفه های موثر در امنیت دینی و نقش هر یک از این مولفه ها در تاب آوری خانواده به عنوان رکن رکن جامعه دینی را تبیین کنیم.

مفهوم شناسی

معنای لغوی و اصطلاحی امنیت

کلمه امنیت ریشه در واژه «أَمْن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می باشد. واژه «أَمْن» یعنی بی گزند و بی آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی گزند و بی آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. (سالار، مولفه های امنیت در اندیشه امام خمینی، ص ۱۱۳)

امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می کند که فرد و یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند. (میرعرب، نیم نگاهی به مفهوم امنیت، ص ۱۳۳)

معنای لغوی و اصطلاحی دین

در زبان عربی برای دین کاربردهای مختلفی بیان شده که مهمترین آنها عبارت است از: طاعت و انقیاد، جزاء و حساب و رسم و عادت. راغب در «المفردات» می گوید:

«الدِّينُ يُقَالُ لِلطَّاعَةِ وَالْجَزَاءِ، وَاسْتَعِيرَ لِلشَّرِيعَةِ» (اصفهانی، المفردات فی غرایب القرآن، ص ۳۲۳)

«دین، به طاعت و جزاء گفته می شود و استعاره از شریعت است»

فیروزآبادی نیز در «معجم القاموس المحيط» در این باره می گوید:

«الجزاء، العاده، الذل، الحساب، القهر، الغلبه، الاستعلاء، السلطان، الملك، الحكم، السيره، التدبير، الورع، المعصيه، الحال، القضاء. و اسم لجميع ما يتعبد الله عزوجل به» (فیروز آبادی، معجم القاموس المحيط، ج ۴ ص ۲۲۵)

«[واژه ی دین، دارای این معانی است: جزاء، عادت، ذلت، حساب رسی، قهر، غلبه، استعلاء، سلطنت، مالکیت، حکم کردن، روش، تدبیر، پرهیز، معصیت، حال، قضاء و همچنین اسم است برای هر آنچه خداوند عز و جلّ با آن عبادت می شود.»

از نظر اصطلاح، اندیشمندان مسلمان گاهی دین را به معنای مکتب و گاهی نیز به معنای دین داری تعریف کرده اند. برخی از این تعریف ها عبارت اند از:

۱- دین، مجموعه ای از برنامه های عملی هماهنگ با نوعی جهان بینی است که انسان برای رسیدن به سعادت خود، آن را وضع می کند و یا از دیگران می پذیرد. (طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۲-۳)

۲- دین، عبارت است از مجموع عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها می باشد، گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. (جوادی آملی، شریعت در آیینه معرفت، ص ۹۳)

در این دو تعریف، دین به معنای مکتب است. همچنین این نوع تعریفها را می توان تعریف عام دین دانست که همه مسلکها و مرامهای زندگی مبتنی بر نوعی جهان بینی را در بر می گیرد، اعم از این که مادی باشد یا غیر مادی، حق باشد یا باطل.

۳- دین، در اصطلاح به معنای اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان و دستورهای عملی متناسب با این عقاید است. (مصباح یزدی، آموزش عقائد، ج ۱ ص ۲۸) این تعریف، تعریف دین به معنای دین داری است نه مکتب. (ابراهیم زاده- ی آملی، عبدالله، "دین پژوهی"، صص ۱۸-۲۴)

تعریف امنیت دینی

باتوجه به معانی و تعاریف پیش گفته از «امنیت» و «دین» می توان تصویری روشن از «امنیت دینی» و معنای مراد از آن ارائه داد. «امنیت دینی» -که یک اضافه ی وصفی به حساب می آید- بیان کننده ی مصونیت، بی بیمی و آرامش ناشی از اعتقاد و عمل به یک مکتب و دستورات آن است. در اینجا مکتب مورد نظر ما اسلام، دستورات و معتقدات آن است.

تعریف لغوی و اصطلاحی تاب آوری

تاب آوری در لغت به معنای شکیبایی و تحمل کردن، طاقت آوردن، مقاومت و ایستادگی کردن است و اگر در مقابل کسی یا چیزی باشد به معنای «تحمل آن چیز را داشتن» یا «برابر آن کس ایستادگی کردن» است. (دهخدا، لغت نامه، ج ۱ ص ۶۶۸) و در اصطلاح «انعطاف پذیری در تفکرات، احساسات و رفتارها در مواجهه با سختی های زندگی و دوره های طولانی تحت فشار بودن، به طوری که پس از طی بحران قوی تر، داناتر و توانمندتر شده باشیم. (پمبرتون، تاب آوری؛ اقدام در کوچینگ)

تعریف لغوی و اصطلاحی خانواده

واژه «خانواده» در فرهنگهای لغت فارسی مترادف و به معنای اهل خانه، اهل بیت، طایفه، خاندان، دوده، دودمان و تبار به کار رفته است و اصطلاحاً گروهی از افراد که از راه پیوند زناشویی و خونی، و نیز روابط دیگر مانند فرزندخواندگی با هم در اقامتگاهی مشترک زندگی می‌کنند را گویند که کوچک‌ترین واحد اجتماعی نهادینه‌شده در جامعه را تشکیل می‌دهند. (محقق داماد و دیگران، واژه "خانواده"، دائرة المعارف بزرگ اسلامی)

تعریف تاب آوری خانواده

«تاب آوری خانواده» به معنای شکیبایی و تحمل سختی‌های زندگی توسط مجموعه‌ای از افراد شکل دهنده‌ی خانواده و به عنوان یک نهاد واحد اجتماعی است به طوری که پس از طی آن سختی‌ها نهادی قوی‌تر، داناتر و تواناتر شده باشد.

مولفه‌های تحقق امنیت دینی

از تعاریف پیش گفته بر می‌آید که امنیت دینی، دارای دو دسته مولفه‌ی «ارزشی» و «کنشی» می‌باشد؛ اجزاء ارزشی، در بر دارنده‌ی نوعی از مولفه‌های صرفاً نظری و بدون پیوند رفتاری می‌باشد اما اجزاء کنشی جنبه عملی پررنگ‌تری در تحقق امنیت دینی داشته و متضمن فعلی از افعال انسانی است. اکنون به بیان مهمترین اجزاء این دو مولفه به عنوان عناصر اصلی در تحقق امنیت دینی پرداخته و در ادامه تاثیر هریک را در تاب آوری خانواده بررسی می‌کنیم:

اجزاء ارزشی امنیت دینی

اعتقادات و ایمان:

دین و اعتقادات مذهبی افراد، نقش اساسی در امنیت دینی ایفا می‌کنند. اعتقاد به اصول و مبانی دینی به عنوان یکی از عناصر اصلی در ایجاد امنیت و آرامش درونی شخصی و خانوادگی مطرح می‌شود. ایمان، رابطه نزدیکی با امنیت دارد؛ زیرا در روایات اسلامی مؤمن به کسی اطلاق شده است که جان و مال دیگران از تعرض او

در امان است به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام فرمودند :

«لَا أَنْبِئُكُمْ لِمَ سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا؟ لِإِيمَانِهِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ» (شیخ

صدوق، صفات شیعه، ج ۱ ص ۶۶)

«آیا به شما بگویم که چرا مؤمن، مؤمن نامیده شده است؟ چون جان و

مال مردم از تعرض او در امان است.»

در حقیقت ویژگی ایمان در افراد و اعتقاد به پروردگار هستی (مبدأ) و معاد موجب خواهد شد تا شخص مؤمن رفتار و گفتار خویش را به گونه ای منظم سازد که در مسیر خواست و رضایت خداوند و نفع بندگان خدا قرار بگیرد و هیچ فردی چشم داشتی به جان و مال دیگران نخواهد داشت و مردم از ناحیه او در امان هستند حضرت علی (علیه السلام) نیز در روایتی کوتاه می فرمایند:

«لَا إِيْمَانُ أَمَانُ» (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱ ص ۲۰)

«ایمان، امنیت است»

قرآن کریم به تعامل ایمان الهی و حیات طیبیه و ایمن اشاره فرموده و سرچشمه اصلی حیات طیبیه و امنیت واقعی را در امنیت معنوی و آن را نیز در ایمان به خدا و کسب رضای الهی یاد کرده است. به اعتقاد قرآن، امنیت دنیایی، نسبی است و امنیت واقعی در جهان آخرت برقرار خواهد شد و اگرچه مؤمن در دنیا به ابتلائات و ناامنی‌های ظاهری ممکن است دچار شود، به پشتوانه مدد الهی دارای امنیت و آرامش معنوی است. این امنیت سرچشمه همه امنیت‌ها و آرامش‌ها و زیربنای زندگی پاکیزه و آرمانی قرآنی است. (اخوان کاظمی، احیاء ایمان الهی و حیات مؤمنانه زمینه ساز و راهبرد دولت مهدوی، ص ۱۰۳)

۱۰۶

استمرار در مطالعه و آموزش دینی:

در مکتب اسلام، آموزش امری است مداوم و مستمر، و مسلمان همیشه باید در وادی آموزش و فراگیری باشد، همان گونه که در اثر زیر آمده است:

«أُطْلَبَ الْعِلْمُ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (نصیرالدین طوسی، آداب المتعلّمین،

ص ۱۱۲)

چنین گفت پیغمبر راستگوی/ زگهواره تا گور دانش بجوی
کسب علم و فراگیری، امر دائمی تلقی شده است و تحصیل علم از نظر اسلام
زمان معین و مشخصی ندارد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (محمّدی ری شهری، العلم والحکمه

فی الکتاب والسنه، حدیث ۷۸۰)

«طلب علم در هر حالی واجب است.»

و حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«لَا يُحْرَزُ الْعِلْمُ إِلَّا مَنْ يُطِيلُ دَرْسَهُ» (همان، حدیث ۱۰۰۵)

«بر دانش و معرفت دست نیابد، مگر کسی که در تحصیل خویش
مدوامت نماید؛ زیرا که به فرموده آن حضرت، دانش و معرفت پایان
نمی پذیرد.» (همان، حدیث ۱۶۵) (مقدسی پور، اصول و روش های آموزش
مفاهیم دینی به کودکان، ص ۳۹)

استمرار در آموزش دینی می تواند تأثیرات بسیار مثبتی بر امنیت دینی داشته
باشد. این استمرار در آموزش دینی نقش مهمی در تقویت هویت دینی افراد ایفا
می کند. به عبارت دیگر، این فرآیند باعث می شود که هویت دینی فرد قوی تر و
پایدارتر شود، که در مواجهه با چالش ها و تحولات زندگی، به راحتی از اصول دینی
خود پیروی کند.

علاوه بر این، استمرار در آموزش دینی به فرد امکان می دهد تا در مقابل تغییرات
فرهنگی و چالش های مدرن مقاومت نشان دهد. تقویت ارتباط با ارزش های اخلاقی و
انسانی نیز از جمله تأثیرات مثبت استمرار در آموزش دینی می باشد. این ارتباط باعث
می شود که افراد در تصمیم گیری ها و رفتارهایشان، به اصول اخلاقی دینی پایبند
باشند.

یکی از جوانب مهم این موضوع، پیشگیری از افت اعتقادات است. آموزش دینی
مستمر به افراد امکان می دهد تا اعتقادات دینی خود را به روز نگه دارند و در مقابل

تهدیدها و افت اعتقادات، مقاومت نشان دهند. همانطور که گفتیم این امر از دیدگاه امنیت دینی بسیار حائز اهمیت است.

همچنین، آموزش دینی به افراد کمک می‌کند تا مسیر زندگی خود را با توجه به اصول دینی انتخاب کنند. انتخاب های همگام با اصول دینی می‌تواند به امنیت دینی افراد کمک کنند و به آن‌ها در جلوگیری از انحراف از مسیر دینی‌شان کمک کنند.

در نهایت، حضور در جامعه دینی و استمرار در فعالیت‌ها و جماعت‌های دینی به افراد این امکان را می‌دهد که با افرادی با ارزش‌ها و باورهای مشابه در ارتباط باشند. این ارتباط افراد را از حمایت جامعه دینی برخوردار کرده و در حفظ امنیت دینی آنان نقش بسزایی ایفا می‌کند.

اجزاء کنشی امنیت دینی

پایبندی به اخلاق دینی:

اخلاق مداری و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، ضریب امنیت در جامعه را افزایش می‌دهد. اخلاق مداری، موجب اعتماد و محبوبیت در جامعه می‌شود. انسان‌های اخلاق‌مدار، قابل اعتمادترند و خصلت‌هایی چون صداقت، گذشت، فداکاری، مناعت، طبع، قناعت، کمال طلبی، درستکاری، طلب رزق حلال و دوری از دروغ و تزویر، موجب محبوبیت بیشتر آن‌ها در میان مردم می‌شود.

اخلاق مداری، موجب آرامش و امنیت در جامعه می‌شود. جامعه‌ای که در آن اخلاق دینی رواج داشته باشد، جامعه‌ای آرام و امن خواهد بود. زیرا در چنین جامعه‌ای، مردم به یکدیگر اعتماد دارند و از آسیب‌های اجتماعی مانند دروغ، ریا، تزویر، تهمت، غیبت، خشم و غضب، بی‌مهری و بی‌تفاوتی در امان هستند. همچنین اخلاق دینی، موجب تقویت ایمان و اعتقادات دینی می‌شود. ایمان و اعتقادات دینی -همانطور که پیش تر گفتیم- از مهم‌ترین عوامل ایجاد امنیت دینی در جامعه هستند. پس اخلاق مداری، موجب تقویت ایمان و اعتقادات دینی می‌شود و در نتیجه، امنیت دینی در

جامعه را افزایش می‌دهد. با توجه به اهمیت این مولفه در تحقق «امنیت دینی» مناسب است در اینجا به این نکته اشاره شود که برای تقویت اخلاق دینی در جامعه، می‌توان به ترویج فرهنگ اخلاق مداری در خانواده‌ها و مدارس توجه کرد؛ خانواده‌ها و مدارس، نقش مهمی در تربیت فرزندان و انتقال ارزش‌های اخلاقی به آن‌ها دارند. همچنین رسانه‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری افکار و رفتار مردم دارند. بنابراین، لازم است که رسانه‌ها، اخلاق مداری و ارزش‌های دینی را ترویج کنند. از طرف دیگر، حمایت از نهادهای مذهبی و فرهنگی نقش مهمی در ترویج اخلاق مداری در جامعه دارد، بنابراین، لازم است که از این نهادها نیز حمایت شود.

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که پایبندی به اخلاق دینی، نقش مهمی در ایجاد امنیت دینی در جامعه دارد. بنابراین، لازم است که همه افراد جامعه به عنوان وظیفه‌ای دینی-انسانی، به اخلاق مداری و ارزش‌های دینی پایبند باشند. (سلمانی، خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۳/۴/۲۵)

عمل به دستورات دینی:

اجرای عملی از دستورات دینی، از جمله نماز، روزه، صدقه دادن و سایر عبادات و عمل‌های دینی، به تقویت امنیت دینی کمک می‌کند. جدای از واجبات محرمات نیز بر همین نمط هستند و تحریم بسیاری از اموری که مرتبط با حقوق مردم است در اسلام، در واقع نوعی پیشگیری و بازدارندگی از عوامل تهدیدکننده امنیت و مصونیت شخصیتی و حیثیتی افراد جامعه است. در فقه اسلامی روی حرمت حیثیت و آبروی افراد تکیه فراوان شده است. به همین خاطر در اسلام اموری مانند غیبت، تهمت، بهتان، افتراء، تجسس، سوءظن، اهانت، استخفاف، تمسخر، آزار و اذیت مردم و دروغ گفتن به افراد حرام شده است. اگر اینگونه امور، در اسلام تحریم نمی‌شد امنیتی برای عرض و آبرو و شخصیت افراد باقی نمی‌ماند. (نیکزاد، دین و امنیت، ص ۲۶)

دین و اعتقادات دینی برای افرادی که به آن پایبند هستند، نقش مهمی و تاثیرات مثبتی بر امنیت دینی فرد و جامعه داشته باشد. در ادامه به برخی از این تاثیرات می‌پردازیم:

۱- احساس امنیت روحی: عمل به دستورات دینی می‌تواند به فرد احساس امنیت روحی و داخلی بدهد. اعتقاد به وجود یک قدرت بزرگتر و مهربانتر که از طریق دستورات دینی خود را به افراد نشان می‌دهد، می‌تواند احساس آرامش و امنیت را در دل فرد ایجاد کند.

۲- ارتباط اجتماعی: عمل به دستورات دینی می‌تواند به تقویت ارتباطات اجتماعی و ایجاد امنیت در جامعه کمک کند. اعتقادات و ارزش‌های دینی می‌توانند افراد را به احترام و همدلی با یکدیگر تشویق کنند و در نتیجه امنیت روحی و اجتماعی را افزایش دهند.

۳- ایجاد همبستگی و اتحاد: عمل به دستورات دینی می‌تواند به ایجاد همبستگی و اتحاد در جامعه کمک کند. اعتقاد به ارزش‌ها و اصول مشترک دینی می‌تواند افراد را به هم پیوند دهد و در نتیجه امنیت جمعی را افزایش دهد. (افشانی و دیگران، نقش دین داری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی، صص ۲۷-۲۸)

۴- ارتباط با خداوند: عمل به دستورات دینی می‌تواند باعث ایجاد و تقویت ارتباط فرد با خداوند شود. این ارتباط قوی و صمیمی با خداوند می‌تواند باعث شود فرد در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی، احساس امنیت و آرامش کند.

۵- انگیزه برای رعایت اصول اخلاقی: دستورات دینی اغلب شامل اصول و ارزش‌های اخلاقی می‌شوند. عمل به این دستورات می‌تواند انگیزه و اراده برای رعایت این اصول را در فرد تقویت کند. این رعایت اصول اخلاقی می‌تواند به ایجاد امنیت در جامعه و جلوگیری از وقوع جرم و جنایت کمک کند.

به طور کلی، عمل به دستورات و اعتقادات دینی برای بسیاری از افراد در جوامع مختلف جهان اهمیت ویژه‌ای دارند. عمل به دستورات دینی نه تنها بر روابط فرد با خداوند و عبادت‌های دینی تأثیر می‌گذارد، بلکه بر امنیت دینی نیز تأثیر مهمی دارد.

تلاش برای حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی:

اصول دینی، به عنوان راهنمایی‌های الهی برای زندگی انسان، دستورات و اصولی را در اختلافات و درگیری‌ها ارائه می‌دهند که در صورت رعایت و عمل به آنها، می‌تواند به افزایش امنیت دینی منجر شود. در ادامه به برخی از تأثیرات حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی بر امنیت دینی می‌پردازیم:

۱. ایجاد همبستگی و اتحاد: حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی می‌تواند باعث ایجاد همبستگی و اتحاد در جامعه شود. اصول دینی معمولاً بر توجه به ارزش‌های مشترک، احترام به حقوق دیگران و تعامل مسالمت‌آمیز تأکید می‌کنند. این اصول می‌توانند افراد را به هم پیوند داده و از بروز اختلافات و تقابلات ناشی از تفاوت‌های مذهبی جلوگیری کنند.

۲. افزایش اعتماد و احترام: حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی می‌تواند باعث افزایش اعتماد و احترام متقابل بین افراد و گروه‌های مختلف شود. اصول دینی به احترام به حقوق دیگران و رعایت اصول اخلاقی تأکید می‌کنند که این امر می‌تواند به ایجاد فضایی امن و پایدار برای تعاملات دینی منجر شود.

۳. حفظ وحدت و استحکام دین: حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی می‌تواند به حفظ وحدت و استحکام دین کمک کند. اختلافات مذهبی و دینی می‌توانند به تمرکز بر تفاوت‌ها منجر شوند. با اعمال اصول دینی در حل و فصل اختلافات، می‌توان از وحدت دین و اجتناب از تفرقه و تمایز مذهبی حفاظت کرد.

۴. ارتقای امنیت روحانی: حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی می‌تواند به ارتقای امنیت روحانی افراد و جامعه کمک کند. اختلافات و درگیری‌ها می‌توانند باعث ناراحتی و نگرانی روحی شود و امنیت روحانی را تهدید کنند.

اصول دینی، به عنوان راهنمایی‌های الهی برای زندگی انسان، دستورات و اصولی را در اختلافات و درگیری‌ها ارائه می‌دهند که در صورت رعایت و عمل به آنها، می‌تواند

به ایجاد امنیت دینی کمک کند. (عبدالحمیدی، دین و نقش آن در پیش‌گیری و رفع اختلافات اجتماعی از منظر قرآن، ص ۹۳)

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات:

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات به عنوان بخشی از عمل به اصول اخلاقی دینی و ارتباط مؤثر با جامعه می‌تواند به امنیت دینی کمک کند. امروزه در جوامع اسلامی به ویژه ایران، یکی از نهادهای اجتماعی مهم برای پیشبرد و ترویج فرهنگ اسلامی، نهادهای مذهبی می‌باشند. این نهادها در یک جامعه در قالب تشکلهای و مؤسسات دولتی و رسمی و نیز غیردولتی و مردم نهاد متبلور می‌شوند. یکی از وظایف اصلی این نهادها، پیشگیری از جرم از طریق مبارزه با عوامل و فرایندها یا موقعیت‌ها، اوضاع و احوال مؤثر در وقوع جرم و نابهنجاری اجتماعی با الگوگیری مستقیم از آموزه‌های دین اسلام، قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام می‌باشد. (حاجی تبار فیروزجائی، نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالشها و راهکارهای مقابله با آن، ص ۴۷) از نمونه‌های دیگر این الگو گیری، مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات است که می‌تواند تأثیرات مهمی بر امنیت دینی داشته باشد. در ادامه به برخی از این تأثیرات می‌پردازیم:

۱. تقویت ارتباط با خداوند: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات، به عنوان یک عمل نیکو و متعالی، می‌تواند باعث تقویت ارتباط فرد با خداوند شود. زیرا این فعالیت‌ها بر اساس اصول و آموزه‌های دینی انجام می‌شوند و فرد را به اجرای وظایف دینی و انسانی تشویق و به رضایت خداوند و امنیت دینی فرد کمک می‌کنند.

۲. تقویت ارتباط با جامعه: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات، فرصتی است برای برقراری ارتباط‌های اجتماعی معنادار با اعضای جامعه؛ این مشارکت‌ها، موجب برقراری و تقویت ارتباطات اجتماعی می‌گردد. این فعالیت‌ها می‌توانند فرد را به افراد جدیدی آشنا کنند و ارتباطات مثبتی را با اعضای جامعه برقرار کنند.

این ارتباطات می‌توانند به تقویت امنیت دینی فرد کمک کنند، زیرا باعث ایجاد همبستگی و اتحاد در جامعه می‌شوند و با داشتن ارتباطات مثبت در جامعه، فرد احساس انسجام و حمایت می‌کند

۳. ترویج ارزش‌های دینی: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات، فرصتی است برای تمرین و تقویت ارزش‌ها و اخلاق دینی؛ این فعالیت‌ها می‌توانند به فرد کمک کنند تا ارزش‌هایی مانند سخاوت، بخشش، عدالت و همدلی را در عمل به کار ببندد. این ارزش‌ها و اخلاق دینی می‌توانند باعث افزایش آگاهی افراد از اصول و موازین دینی شده و به تقویت امنیت دینی فرد کمک کنند و او را در مقابل تهدیدهای مختلف محافظت نمایند.

۴. ایجاد امنیت روحی: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات، فرصتی است برای ایجاد امنیت روحی در خود و دیگران. این فعالیت‌ها می‌توانند باعث افزایش رضایت و خوشبختی درونی شود و در نتیجه به تقویت امنیت دینی منجر گردد.

۵. تحکیم هویت دینی: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات، می‌تواند باعث افزایش اعتماد به نفس و تقویت ارزش‌های دینی در فرد و جامعه گردد زیرا با انجام این فعالیت‌ها، فرد احساس می‌کند که می‌تواند به جامعه خدمت کند و تأثیر مثبتی در زندگی دیگران داشته باشد و از طریق هویت بخشی به این دو رکن محیطی - یعنی فرد و جامعه - به تقویت امنیت دینی خود کمک می‌کند.

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات، به طور کلی می‌تواند به تقویت امنیت دینی فرد و جامعه کمک کند. این فعالیت‌ها ابتدا باعث تقویت ارتباط با خداوند و ارتباط با جامعه شده و با تقویت ارزش‌های دینی در فرد و جامعه به آن‌ها قدرت روحی و هویت دینی بخشیده می‌تواند تأثیرات مهمی بر امنیت دینی داشته باشد. (سعیدیان جزی، تبیین نسبت سیاست و امور خیر در حکمرانی ایرانی-اسلامی، همایش ملی خیر ماندگار)

حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا:

حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا از طریق عبادات و دعاها تأثیر قابل توجهی بر تحقق امنیت دینی دارد. ارتباط با خدا در اسلام به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأمین امنیت دینی مطرح است. در ادامه به برخی از تأثیرات حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا بر تحقق امنیت دینی در اسلام می‌پردازیم:

۱- احساس امنیت روحی: حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا باعث ایجاد احساس امنیت روحی در فرد می‌شود. اعتقاد به حضور و نگرانی خداوند برای مؤمنان، احساس امنیت و آرامش را در دل آن‌ها ایجاد می‌کند.

۲- راهنمایی و پشتیبانی: ارتباط نزدیک با خدا، فرد را در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی هدایت می‌کند. اعتماد به خداوند و استناد به آموزه‌های دینی، فرد را در تصمیم‌گیری‌های مهم و روزمره همراهی می‌کند و امنیت دینی را تضمین می‌کند.

۳- ایمان به قضا و قدر: حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، باعث تقویت ایمان به قضا و قدر در فرد می‌شود. ایمان به این حقیقت که همه اتفاقات زندگی به اراده خداوند بستگی دارد، فرد را از اضطراب و نگرانی‌های زیاد در مواجهه با مشکلات و ناگواری‌ها در امان می‌دارد.

۴- تقویت اخلاق و ارزش‌های دینی: حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، فرد را به رعایت اخلاق و ارزش‌های دینی تشویق می‌کند. اعتقاد به حضور خداوند و توجه به رضایت او، فرد را از اقدامات ناسازگار با اصول دینی بازدارد و امنیت دینی را تقویت می‌کند.

۵- تسهیل در تحقق هدف‌های دینی: حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، فرد را در تحقق هدف‌های دینی خود یاری می‌کند. اعتماد به خداوند و استناد به قدرت و رحمت او، فرد را در راه رسیدن به خواسته‌های دینی خود قوی می‌سازد و امنیت دینی را به او می‌بخشد.

به طور کلی، حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا تأثیر مثبتی بر تحقق امنیت دینی دارد. این ارتباط نزدیک با خدا، به افراد احساس امنیت روحی ای می‌دهد تا در زمان چالش‌ها

با قدرت ایمان به قضا و قدر الهی احساس امنیت دینی را در خود تقویت کند. (فرزندی، اندیشه امنیتی در اسلام، دفتر مکتب و اندیشه دفاعی)

بررسی نقش عناصر امنیت دینی در تاب آوری خانواده

با توجه به تعریف اولیه در باب تاب آوری خانواده و بررسی اجزاء تحقق امنیت دینی، اکنون به تحقیق پیرامون نحوه ی تاثیر این عناصر بر تاب آوری خانواده می پردازیم:

اعتقاد و ایمان:

اعتقاد و ایمان یکی از عناصر تحقق امنیت دینی است و به خانواده امید و انگیزه می دهد تا در مواجهه با سختی ها و تحولات زندگی، استوار و پابرجا بمانند. اعتقاد و ایمان، به معنای باور و یقین به یک نظام ارزشی و معنایی است. این اعتقاد و ایمان می تواند به افراد و خانواده ها کمک کند تا در مواجهه با سختی ها و تحولات زندگی، احساس آرامش و امنیت کنند.

در خانواده های مذهبی، اعتقاد و ایمان به خداوند و احکام دینی، می تواند به اعضای خانواده کمک کند تا در مواقع بحران، به خداوند توکل کنند و از او طلب کمک کنند. این امر می تواند به آنها کمک کند تا امید و انگیزه خود را حفظ کنند و از پس چالش ها برآیند.

برای مثال، یک خانواده مذهبی که یکی از اعضای خود را در اثر بیماری از دست می دهد، ممکن است از اعتقاد و ایمان خود به خداوند برای کنار آمدن با این غم استفاده کند. این خانواده ممکن است به این باور داشته باشند که عزیزشان در مکانی بهتر به سر می برد یا اینکه خداوند این اتفاق را برای خیر آنها رقم زده است. این باورها می تواند به اعضای خانواده کمک کند تا معنا و هدفی در مرگ عزیز خود بیابند و به زندگی ادامه دهند.

علاوه بر این، اعتقاد و ایمان به خداوند می تواند به اعضای خانواده کمک کند تا ارزش های مشترکی را با یکدیگر داشته باشند. این ارزش ها می توانند به آنها کمک کنند تا در مواقع بحران با هم متحد شوند و از یکدیگر حمایت کنند.

برای مثال، یک خانواده مذهبی ممکن است ارزش‌هایی مثل خانواده‌محوری، فداکاری و کمک به دیگران را داشته باشد. این ارزش‌ها می‌توانند به اعضای خانواده کمک کنند تا در مواقع بحران مانند بیماری، طلاق یا از دست دادن شغل، با هم متحد شوند و از یکدیگر حمایت کنند.

در نتیجه، اعتقاد و ایمان یکی از عناصر مهم امنیت دینی است که می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا در مواجهه با سختی‌ها و تحولات زندگی، استوار و پابرجا بمانند. (پارگامنت و دیگران، روش‌های متعدد مقابله مذهبی: توسعه و اعتبار سنجی اولیه مقیاس RCOPE، ص ۷۰۰)

استمرار در مطالعه و آموزش دینی:

مطالعه و آموزش مداوم درباره دین و عقاید مذهبی، افراد خانواده را به تدریج آگاه‌تر و داناتر می‌کند. این آگاهی و دانش می‌تواند در مواجهه با تحولات و چالش‌های زندگی به کار گرفته شده و تاب‌آوری خانواده را تقویت کند. مطالعه و آموزش دینی می‌تواند به افراد خانواده کمک کند تا درک بهتری از خود، جهان و جایگاه خود در جهان داشته باشند. این امر می‌تواند به آنها کمک کند تا در مواقع بحران و چالش، دیدگاه و نگرش بهتری داشته باشند و با آرامش و اطمینان بیشتری با این چالش‌ها روبرو شوند.

مطالعه و آموزش دینی می‌تواند به افراد خانواده کمک کند تا:

- ارزش‌های مشترکی را با یکدیگر به اشتراک بگذارند: این ارزش‌ها می‌توانند به اعضای خانواده کمک کنند تا در مواقع بحران با هم متحد شوند و از یکدیگر حمایت کنند.

- معنا و هدفی در زندگی خود بیابند: این امر می‌تواند به آنها کمک کند تا در مواقع سختی، امید خود را حفظ کنند و به زندگی ادامه دهند.

- راه‌های مقابله با چالش‌ها و مشکلات را بیاموزند: مطالعه و آموزش دینی می‌تواند به افراد خانواده کمک کند تا راه‌های سازگاری با تغییر و انعطاف‌پذیری را بیاموزند.

برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد مذهبی در مقایسه با افراد غیرمذهبی،

در برابر چالش‌های زندگی مقاوم‌تر هستند. به عنوان مثال، یک مطالعه نشان داد که افراد مذهبی کمتر احتمال دارد که دچار افسردگی یا اضطراب شوند. مطالعه دیگری نشان داد که افراد مذهبی بیشتر احتمال دارد که در مواجهه با مشکلات، امید خود را حفظ کنند.

البته، مطالعه و آموزش دینی به تنهایی نمی‌تواند تاب آوری خانواده را تضمین کند. عوامل دیگری مانند حمایت اجتماعی، منابع مالی و سلامت جسمی نیز در تاب آوری خانواده نقش دارند. با این حال، مطالعه و آموزش دینی می‌تواند یکی از عوامل مهم در تقویت تاب آوری خانواده باشد. (همان)

پایبندی به اخلاق دینی:

رعایت اخلاقیات و ارزش‌های دینی در روابط خانوادگی، باعث ارتقاء همبستگی داخل خانواده و ایجاد تعادل روانی می‌شود. خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که نقش مهمی در رشد و تکامل افراد و جامعه ایفا می‌کند. روابط خانوادگی بر اساس اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی، زمینه‌ساز ایجاد فضایی توأم با آرامش، صمیمیت و مهربانی می‌شود. اخلاقیات و ارزش‌های دینی مجموعه‌ای از هنجارها و رفتارهای مطلوبی است که به تنظیم روابط بین افراد کمک می‌کند. این هنجارها و رفتارها در منابع دینی مانند قرآن، احادیث و سیره اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده‌اند.

برخی از مهم‌ترین اخلاقیات و ارزش‌های دینی که در روابط خانوادگی نقش مهمی دارند عبارتند از:

- احترام متقابل: احترام متقابل به معنای ارزش قائل شدن برای یکدیگر و رعایت حقوق یکدیگر است. این امر باعث می‌شود که اعضای خانواده احساس ارزشمندی و امنیت کنند.

- مهربانی و محبت: مهربانی و محبت باعث ایجاد صمیمیت و گرمی در روابط خانوادگی می‌شود. این امر باعث می‌شود که اعضای خانواده احساس آرامش و امنیت کنند.

- صداقت و راستگویی: صداقت و راستگویی باعث ایجاد اعتماد و اطمینان در روابط خانوادگی می‌شود. این امر باعث می‌شود که اعضای خانواده بتوانند به یکدیگر اعتماد کنند و با خیال راحت با یکدیگر درد و دل کنند.

- گذشت و بخشش: گذشت و بخشش باعث می‌شود که اعضای خانواده بتوانند اشتباهات یکدیگر را ببخشند و روابط خود را حفظ کنند. این امر باعث می‌شود که اعضای خانواده احساس آرامش و امنیت کنند.

رعایت اخلاقیات و ارزش‌های دینی در روابط خانوادگی باعث ارتقاء همبستگی داخل خانواده و ایجاد تعادل روانی می‌شود. در خانواده‌هایی که اعضای آن به اخلاقیات و ارزش‌های دینی پایبند هستند، روابط بین آنها مبتنی بر احترام، محبت، صداقت، گذشت و بخشش است. این امر باعث ایجاد فضایی توأم با آرامش، صمیمیت و مهربانی در خانواده می‌شود.

همبستگی داخل خانواده به معنای پیوستگی و اتحاد اعضای خانواده است. خانواده‌هایی که اعضای آنها از لحاظ عاطفی و فکری به یکدیگر نزدیک هستند، همبستگی بیشتری دارند. رعایت اخلاقیات و ارزش‌های دینی در روابط خانوادگی باعث تقویت همبستگی داخل خانواده می‌شود.

تعادل روانی به معنای احساس آرامش و رضایت از زندگی است. خانواده‌هایی که اعضای آنها از لحاظ عاطفی و روانی سالم هستند، تعادل روانی بیشتری دارند. رعایت اخلاقیات و ارزش‌های دینی در روابط خانوادگی باعث ایجاد تعادل روانی در اعضای خانواده می‌شود.

نتیجه اینکه رعایت اخلاقیات و ارزش‌های دینی در روابط خانوادگی، نقش مهمی در ارتقاء همبستگی داخل خانواده و ایجاد تعادل روانی دارد. خانواده‌هایی که اعضای آن به اخلاقیات و ارزش‌های دینی پایبند هستند، روابطی قوی‌تر و پایدارتری دارند و اعضای آنها احساس آرامش و رضایت بیشتری از زندگی می‌کنند. (صفورایی‌پاریزی، اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده، ص ۹۳)

عمل به دستورات دینی:

رعایت دستورات و فرامین دینی در زندگی روزمره، نقش اساسی در ایجاد تاب آوری خانواده دارد؛ عمل به دستورات دینی باعث ارزشمندسازی زندگی و تمرکز بر ارزش‌های معنوی و اجتماعی می‌شود. دین، مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که به افراد کمک می‌کند تا زندگی خود را معنادار و ارزشمند کنند. خانواده‌هایی که بر این ارزش‌ها تمرکز دارند، در برابر مشکلات مقاوم‌تر هستند و می‌توانند با موفقیت از آنها عبور کنند.

نمونه‌هایی از دستورات دینی که باعث ایجاد تاب آوری خانواده می‌شوند از قرار زیر است:

- احترام به والدین: احترام به والدین، یکی از دستورات مهم دین اسلام است. این دستور، باعث ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و احترام در فرزندان می‌شود. فرزندان که به والدین خود احترام می‌گذارند، در مواقع سختی، از والدین خود حمایت می‌کنند و به آنها کمک می‌کنند.

- مهربانی با یکدیگر: مهربانی با یکدیگر، یکی دیگر از دستورات مهم دین اسلام است. این دستور، باعث ایجاد حس صمیمیت و محبت در خانواده می‌شود. اعضای خانواده‌ای که با یکدیگر مهربان هستند، در مواقع سختی، از یکدیگر حمایت می‌کنند و به یکدیگر کمک می‌کنند.

- کمک به نیازمندان: کمک به نیازمندان، یکی دیگر از دستورات مهم دین اسلام است. این دستور، باعث ایجاد حس نوع دوستی و همدلی در خانواده می‌شود. اعضای خانواده‌ای که به نیازمندان کمک می‌کنند، در مواقع سختی، از یکدیگر حمایت می‌کنند و به یکدیگر کمک می‌کنند.

- صبر و شکیبایی: صبر و شکیبایی، یکی از دستورات مهم دین اسلام است. این دستور، باعث ایجاد حس آرامش و امنیت در خانواده می‌شود. اعضای خانواده‌ای که صبور هستند، در مواقع سختی، روحیه خود را حفظ می‌کنند و با امید به آینده، به زندگی ادامه می‌دهند.

-توکل به خدا: توکل به خدا، یکی از دستورات مهم دین اسلام است. این دستور، باعث ایجاد حس امید و انگیزه در خانواده می‌شود. اعضای خانواده‌ای که به خدا توکل دارند، در مواقع سختی، تسلیم نمی‌شوند و به تلاش خود ادامه می‌دهند. با عمل به این دستورات دینی، می‌توان خانواده‌ای تاب آور و مقاوم ایجاد کرد که بتواند در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی، ایستادگی کند و به موفقیت دست یابد(کاویانی و دیگران، تأثیر درمان شناختی - رفتاری مذهب محور بر تاب آوری زوجین، صص ۲۵)

تلاش برای حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی:

حل و فصل اختلافات و مشکلات خانوادگی با استفاده از اصول دینی، تاب آوری خانواده را تقویت می‌کند. این عمل به عنوان یک راه حل سازنده، منجر به رشد و ارتقاء خانواده می‌شود. اصول دینی می‌توانند به عنوان یک راهنمایی قوی برای حل و فصل اختلافات و مشکلات خانوادگی عمل کنند. با توجه به این اصول، خانواده‌ها می‌توانند به صورت مؤثرتری با چالش‌ها و مشکلات روبرو شوند و روابط خانوادگی را تقویت کنند. حکمیت یا داوری راه‌کار قرآن کریم برای تحکیم خانواده و حل مناقشات خانوادگی است. قرآن کریم به اقوام زوجین دستور می‌دهد که با مشاهده نشانه‌های اختلاف و ناسازگاری، محکمه صلح خانوادگی تشکیل دهند تا بین دو طرف نزاع، صلح و سازش ایجاد نمایند.(هدایت نیا، نقد حکمیت در دعاوی خانوادگی؛ از مقررات تا اجرا، صص ۷۶)

حل و فصل اختلافات و مشکلات خانوادگی با استفاده از اصول دینی می‌تواند به صورت‌های زیر نیز تاثیرگذار باشد:

-احترام به همدیگر: اصول دینی به ما آموزش می‌دهند که به همدیگر احترام بگذاریم و با احترام به نظرات و احساسات یکدیگر، بهترین راه‌حل‌ها را برای حل و فصل اختلافات پیدا کنیم.

-بخشش و عفو: اصول دینی ما را به بخشش و عفو نسبت به یکدیگر تشویق می‌کنند. با بخشش و عفو کردن، می‌توانیم اختلافات را بهبود بخشیم و روابط خانوادگی را تقویت کنیم.

-صبر و شکیبایی: اصول دینی به ما آموزش می‌دهند که در مواجهه با مشکلات و اختلافات خانوادگی، صبور و شکیبا باشیم. با صبر و شکیبایی، می‌توانیم بهترین راه‌حل‌ها را پیدا کنیم و به تدریج مشکلات را حل کنیم.

-ارتباط با خدا: اصول دینی به ما یادآوری می‌کنند که در هر موقعیتی با خداوند ارتباط برقرار کنیم و از راهنمایی و پشتیبانی او استفاده کنیم. این ارتباط می‌تواند به ما کمک کند تا در حل و فصل اختلافات خانوادگی بهترین تصمیمات را بگیریم.

به طور کلی، توانایی حل و فصل اختلافات و مشکلات خانوادگی با استفاده از اصول دینی می‌تواند به تقویت تاب آوری خانواده کمک کند و منجر به رشد و ارتقاء خانواده شود.

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات:

مشارکت خانواده در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، یکی از عوامل مؤثر در تقویت تاب‌آوری خانواده است. این مشارکت، به خانواده کمک می‌کند تا مهارت‌ها و منابع لازم برای مقابله با مشکلات را کسب کند.

مشارکت خانواده در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، از طُرُق زیر بر تاب‌آوری خانواده تأثیر می‌گذارد:

-تقویت روابط اجتماعی: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، فرصتی را برای خانواده فراهم می‌کند تا با افراد دیگر در جامعه ارتباط برقرار کند. این ارتباطات، می‌تواند به تقویت روابط خانوادگی و افزایش همبستگی در خانواده کمک کند.

-افزایش آگاهی از ارزش‌های انسانی: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، به خانواده کمک می‌کند تا ارزش‌های انسانی مانند مهربانی، بخشش و همدلی را بیاموزد. این ارزش‌ها، می‌توانند به خانواده کمک کنند تا در مواجهه با مشکلات و زمان‌های سخت، تاب‌آورتر باشد.

-افزایش احساس رضایتمندی: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، می تواند احساس رضایتمندی خاصی به خانواده ببخشد. این احساس رضایتمندی، می تواند به تقویت تاب آوری خانواده و افزایش روحیه و انگیزه اعضای خانواده در مواجهه با چالش ها کمک کند.

-ارتقای اعتماد به نفس: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، می تواند به اعضای خانواده اعتماد به نفس بیشتری ببخشد. این اعتماد به نفس، می تواند در تاب آوری خانواده در مواجهه با مشکلات و تحمل فشارهای روزمره مؤثر باشد.

-انتقال ارزش های اجتماعی به نسل های آینده: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، فرصتی را برای آموزش و انتقال ارزش های اجتماعی به نسل های جوان فراهم می کند. این ارزش ها شامل مسئولیت پذیری، همدلی، فداکاری و همبستگی با دیگران است. انتقال این ارزش ها به نسل های آینده، باعث تقویت تاب آوری خانواده می شود.

مشارکت خانواده در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، راهی مؤثر برای تقویت تاب آوری خانواده است. این فعالیت ها می توانند به خانواده کمک کنند تا در مواجهه با مشکلات و چالش ها، قوی تر و سازگارتر باشد. (صفحه ی اینترنتی خیریه ی دارالاکرام، مقاله ی کمک داوطلبانه در موسسات خیریه)

حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا:

ارتباط با خدا و تاب آوری خانواده دو مفهومی هستند که در ارتباط با یکدیگر قرار می گیرند. ارتباط با خدا به معنای برقراری ارتباط عمیق و روحانی با خداوند است، در حالی که تاب آوری خانواده به معنای توانایی خانواده در مقابله با مشکلات و استرس های زندگی است. ارتباط با خدا می تواند به عنوان یک منبع قوی برای تقویت تاب آوری خانواده عمل کند. در ادامه به برخی از تأثیرات ارتباط با خدا بر تاب آوری خانواده می پردازیم:

-ایجاد امید و اعتماد: ارتباط با خدا می تواند امید و اعتماد خانواده را تقویت کند. اعتقاد به وجود یک قدرت بزرگتر و مهربانتر که همیشه در کنار خانواده است،

می‌تواند در مواجهه با مشکلات و آزمایش‌های زندگی احساس امنیت و امید را به خانواده منتقل کند.

-ارائه راهنمایی و پشتیبانی: ارتباط با خدا می‌تواند به خانواده کمک کند تا در مواجهه با تحولات و چالش‌های زندگی، راهنمایی و پشتیبانی خداوند را دریافت کنند. اعتقاد به اینکه خداوند همیشه در کنار خانواده است و به آن‌ها کمک می‌کند، می‌تواند اعتماد به نفس و قدرت مقابله خانواده را افزایش دهد.

-ارتباط عمیق با ارزش‌های معنوی: ارتباط با خدا می‌تواند خانواده را به سمت ارزش‌های معنوی هدایت کند. اعتقاد به ارزش‌هایی مانند عدالت، محبت، صبر و بخشش که در دین وجود دارند، می‌تواند خانواده را در مواجهه با مشکلات و تنش‌های بین فردی تقویت کند.

-ایجاد همبستگی و اتحاد خانواده: ارتباط با خدا می‌تواند همبستگی و اتحاد خانواده را تقویت کند. اعتقاد به اینکه خانواده در پناه خداوند قرار دارد و با هم می‌توانند تمامی مشکلات را پشت سر بگذارند، می‌تواند اعتماد و همبستگی خانواده را تقویت کند.

این چهار مورد به عنوان نمونه‌ای از تأثیرات تداوم ارتباط با خدا بر تاب آوری و تحمل مشکلات توسط خانواده می‌باشد؛ البته هم این مورد و هم موارد پیشین قابل توسعه و نمونه‌یابی‌های بیشتری نیز می‌باشد.

نتیجه‌گیری

خانواده، اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و تربیت افراد ایفا می‌کند. تاب آوری خانواده، توانایی آن در تحمل و سازگاری با سختی‌ها و تغییرات زندگی است. عوامل مختلفی می‌توانند بر تاب آوری خانواده تأثیر بگذارند، از جمله آن‌ها عناصر تحقق امنیت دینی است.

در این پژوهش، هفت عنصر تحقق امنیت دینی، یعنی اعتقاد و ایمان، استمرار در آموزش دینی، پایبندی به اخلاق دینی، عمل به دستورات دینی، تلاش برای حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خیرات و حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، به عنوان عواملی که می‌توانند به تقویت تاب آوری

خانواده کمک کنند، معرفی شده‌اند.

اعتقاد و ایمان، پایه و اساس امنیت دینی است. اعتقاد به وجود یک نیروی برتر و مهربان که حامی خانواده است، به اعضای خانواده اطمینان می‌دهد که در سختی‌ها تنها نیستند و در نهایت به خیر می‌رسند. این باور، به اعضای خانواده آرامش و امید می‌بخشد و به آنها کمک می‌کند تا سختی‌ها را تحمل کنند و از مسیر زندگی خود منحرف نشوند.

استمرار در آموزش دینی، موجب تقویت اعتقادات و باورهای دینی اعضای خانواده می‌شود. این امر به اعضای خانواده کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی، تصمیم‌گیری‌های درست و مطابق با اصول دینی داشته باشند. همچنین، آموزش دینی به اعضای خانواده کمک می‌کند تا با ارزش‌های اخلاقی و انسانی آشنا شوند و این ارزش‌ها را در زندگی خود به کار ببندند.

پایبندی به اخلاق دینی، موجب ایجاد فضایی سالم و امن در خانواده می‌شود. اخلاق دینی، بر پایه ارزش‌هایی مانند صداقت، عدل، صلح، همدلی و تعاون استوار است. رعایت این ارزش‌ها در خانواده، باعث می‌شود تا اعضای خانواده با یکدیگر مهربان و صمیمی باشند و از یکدیگر حمایت کنند.

عمل به دستورات دینی، موجب تقویت ایمان و اعتقادات دینی اعضای خانواده می‌شود. همچنین، عمل به دستورات دینی، به اعضای خانواده کمک می‌کند تا زندگی سالم و سعادتمندانه‌ای داشته باشند.

تلاش برای حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی، موجب تقویت ارتباط و همدلی بین اعضای خانواده می‌شود. اختلافات و تنش‌ها، می‌توانند به انسجام و تاب آوری خانواده آسیب برسانند. حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی، می‌تواند به اعضای خانواده کمک کند تا اختلافات خود را به روشی مسالمت‌آمیز و عادلانه حل کنند.

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیرات، موجب تقویت روحیه تعاون و همدلی بین اعضای خانواده می‌شود. این امر، به اعضای خانواده کمک می‌کند تا احساس

مفید بودن داشته باشند و از زندگی خود احساس رضایت کنند.

حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، موجب تقویت ایمان و اعتقادات دینی اعضای خانواده می‌شود. همچنین، ارتباط با خدا، به اعضای خانواده کمک می‌کند تا در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات زندگی، امید و آرامش داشته باشند.

در مجموع، می‌توان گفت که عناصر تحقق امنیت دینی، نقش مهمی در تاب آوری خانواده دارند. اعتقاد و ایمان، استمرار در آموزش دینی، پایبندی به اخلاق دینی، عمل به دستورات دینی، تلاش برای حل و فصل اختلافات با استفاده از اصول دینی و حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، از جمله عواملی هستند که می‌توانند به تقویت تاب آوری خانواده کمک کنند.

با توجه به نقش مهم این عناصر، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای تقویت تاب آوری خانواده ارائه داد:

- ترویج فرهنگ دینی و مذهبی در خانواده‌ها
- ترویج فرهنگ دینی و مذهبی در خانواده‌ها، زمینه‌ساز تقویت عناصر تحقق امنیت دینی در خانواده می‌شود. این امر می‌تواند از طریق برگزاری مراسم مذهبی، شرکت در فعالیت‌های دینی و مذهبی، مطالعه کتب و منابع دینی و... انجام شود.
- آموزش دینی به اعضای خانواده، به ویژه کودکان
- آموزش دینی به اعضای خانواده، به ویژه کودکان، یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت تاب آوری خانواده است. این امر به اعضای خانواده کمک می‌کند تا با ارزش‌های دینی و انسانی آشنا شوند و این ارزش‌ها را در زندگی خود به کار ببندند.
- تقویت ارتباط بین اعضای خانواده
- تقویت ارتباط بین اعضای خانواده، موجب ایجاد فضایی سالم و امن در خانواده می‌شود. این امر می‌تواند از طریق ایجاد فرصت‌های گفتگو و تعامل بین اعضای خانواده، انجام کارهای گروهی و... انجام شود.
- حل و فصل اختلافات به روشی مسالمت‌آمیز
- حل و فصل اختلافات به روشی مسالمت‌آمیز، موجب تقویت ارتباط و همدلی بین

اعضای خانواده می شود . این امر می تواند از طریق آموزش مهارت های حل اختلاف، به اعضای خانواده انجام شود.

- مشارکت در فعالیت های اجتماعی و خیرات

مشارکت در فعالیت های اجتماعی و خیرات، موجب تقویت روحیه تعاون و همدلی بین اعضای خانواده می شود. این امر می تواند از طریق معرفی فعالیت های اجتماعی و خیریه به اعضای خانواده، انجام شود.

- حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا

حفظ و ارتقاء ارتباط با خدا، موجب تقویت ایمان و اعتقادات دینی اعضای خانواده می شود. این امر می تواند از طریق ایجاد فرصت های معنوی برای اعضای خانواده، مانند نماز، دعا، تلاوت قرآن و... انجام شود.

فهرست منابع:

قرآن کریم

۱. ابراهیم زاده‌ی آملی، عبدالله، «دین پژوهی»، مرکز چاپ ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه: اداره ی آموزش عقیدتی-سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، نوبت سوم، تابستان ۱۳۸۷ هـ.ش
۲. اخوان کاظمی، بهرام، «احیاء ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه ساز و راهبرد دولت مهدوی»، نشریه مشرق موعود، پاییز ۱۳۸۸ هـ.ش، شماره ۱۱، صص ۱۰۱-۱۱۶
۳. اصفهانی، راغب، «المفردات فی غرایب القرآن»، تحقیق: صفوان عدنان الداودی، دار القلم، الدار الشامیة، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ هـ.ق
۴. افشانی، سید علیرضا، ذاکری همامانه، راضیه، عسکری ندوشن، عباس، «نقش دین داری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی (مطالعه ای در شهر یزد)»، نشریه مطالعات اجتماعی ایران، بهار ۱۳۹۴ هـ.ش، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، صص ۲۵-۴۹
۵. پارگامنت، کرل؛ کوهن، هانس گئورگ؛ پرز، لوسی، «روش های متعدد مقابله مذهبی: توسعه و اعتبار سنجی اولیه مقیاس RCOPE»، نشریه ی مطالعات دینی، سال ۲۰۰۰ م، شماره ۳۹، صص ۷۰۰-۷۱۴
۶. پمبرتون، کارول، «تاب آوری؛ اقدام در کوچینگ»، ترجمه: محمدرضا مقدسی و مرضیه نزاکت الحسینی، انتشارات پروچستا، ۱۳۹۸ هـ.ش
۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، «غرر الحکم و درر الکلم»، مصحح: سید مهدی رجایی، قم: دار الکتاب الإسلامی، دوم ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۱ ص ۲۰
۸. جوادی آملی، عبدالله، «شریعت در آینه معرفت»، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش، ص ۹۳

۹. حاجی تبار فیروزجائی، حسن، «نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالشها و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، تابستان ۱۳۹۸ هـ.ش، شماره ۵۶، صص ۴۷-۶۸
۱۰. سایت «دائرة المعارف بزرگ اسلامی» (www.cgie.org.ir)
۱۱. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، به کوشش ایرج مهرکی، غلامرضا ستوده و اکرم سلطانی زیر نظر جعفر شهیدی، ۱۳۹۰ هـ.ش، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ
۱۲. ری شهری، محمد محمدی، «العلم والحکمه فی الکتاب والسنة»، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ هـ.ش
۱۳. سالار، محمد، «مؤلفه های امنیت در اندیشه امام خمینی (رحمه الله علیه)»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶، سال ۱۳۸۲ هـ.ش، صص ۱۱۱-۱۳۵
۱۴. سعیدیان جزی، مریم، «تبیین نسبت سیاست و امور خیر در حکمرانی ایرانی-اسلامی (مطالعه و ارزیابی تاریخی)»، سومین همایش ملی خیر ماندگار، تهران، ۱۳۹۹ هـ.ش
۱۵. سلمانی، محمدعلی، «مصاحبه»، خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۳/۴/۲۵
۱۶. صفورایی پاریزی، محمد مهدی، «اثربخشی رعایت آموزه های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده»، نشریه معرفت اخلاقی، زمستان ۱۳۸۸ هـ.ش، شماره ۱، صص ۹۳-۱۲۱
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، «شیعه در اسلام»، تهران: ادباء، الف، ۱۳۸۸ هـ.ش
۱۸. عبدالمحمدی، حسین، «دین و نقش آن در پیشگیری و رفع اختلافات اجتماعی از منظر قرآن»، ماهنامه معرفت، سال ۱۳۹۱ هـ.ش، شماره ۱۷۳، صص ۹۳-۱۰۶

۱۹. فرزندی، عباسعلی، «اندیشه امنیتی در اسلام؛ اهداف و زمینه ها»، سایت دفتر مکتب و اندیشه ی دفاعی، ۱۳۹۹/۳/۲۰ (<https://sndu.ac.ir/maktab>)
۲۰. فیروز آبادی، مجد الدین، «معجم القاموس المحيط»، لبنان-بیروت، دار العلم للجمع، بی تا.
۲۱. کاویانی، زینب؛ حمید، نجمه؛ عنایتی، میرصلاح الدین، «تأثیر درمان شناختی - رفتاری مذهب محور بر تاب آوری زوجین»، نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، پاییز ۱۳۹۳ هـ ش، شماره ۳، صص ۲۵-۳۴
۲۲. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، «صفات شیعه»، لطیف راشدی و سعید راشدی، قم: مسجد مقدس جمکران، دوم، ۱۳۸۷ هـ ش
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، «آموزش عقاید»، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵ هـ ش .
۲۴. خیریه دار الاکرام، صفحه ی اینترنتی، «کمک داوطلبانه در موسسات خیریه»، سال ۲۰۲۲ م، (<http://b2b.ir/p44008>)
۲۵. مقدسی پور، علی، «اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان»، نشریه معرفت، سال ۱۳۸۲ هـ ش، شماره ۷۵، صص ۳۶-۴۴
۲۶. میرعرب، مهرداد، سجادی، سید عبدالقیوم، «نیم نگاهی به مفهوم امنیت»، مجله علوم سیاسی، شماره ۹، ۱۳۷۹ هـ ش، صص ۱۳۳-۱۴۲
۲۷. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، «آداب المتعلّمین»، محقق، سید محمد رضا حسینی جلالی، شیراز: کتابخانه مدرسه علمیه امام عصر (عج)، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ ق
۲۸. نیکزاد، عباس، «دین و امنیت»، نشریه رواق اندیشه، سال ۱۳۸۱ هـ ش، شماره ۱۵، صص ۹-۲۸

۲۹. هدایت نیا، فرج‌الله، «نقد حکمیت در دعاوی خانوادگی؛ از مقررات تا اجرا»، نشریه ی مطالعات راهبردی زنان، بهار ۱۳۸۴ ه ش، شماره ۲۷، صص ۷۶-۱۱۲

جهاد امید در بیانات مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش نخبگان علمی،

فرهنگی و اجتماعی

فاطمه سادات خاتمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

چکیده

ناامیدی سم کشنده ایست که اگر ملتی به آن دچار شود؛ نشاط، شور و تحرک خود را از دست میدهد و متوقف شده و باید به انتظار بی عملی، عقب افتادگی، انزوا و شکست قطعی خویش بنشیند. مسلم است برای به ناپودی کشیدن یک کشور هیچ سلاحی مفید تر از تزریق ناامیدی در میان مردم و مسئولین آن به خصوص جوانان نیست. پژوهش حاضر با هدف پرداختن به این مهم، که حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز به عنوان راهبر این کشور عظیم و عزیز در بیانیه گام دوم انقلاب برای ترسیم آینده ای بهتر، پیش از هر توصیه ای به ضرورت آن (امیدآفرینی) می پردازند و آن را نخستین و ریشه ای ترین جهاد معرفی می کنند؛ و همچنین مشخص کردن وظایف نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی در این عرصه، به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که دشمنان در حال یاس آفرینی با القای ناکارآمدی دین و انقلاب هستند؛ و بهترین سلاح برای مقابله با آنها تبیین است که با توجه به هجمه شدید دشمنان باید به صورت جهادی به آن پرداخت و مسئول اصلی این وظیفه ی مهم و سرنوشت ساز مسئولین، صدا و سیما، حوزه های علمیه و دانشگاه ها، بانوان، هنرمندان و شاعران هستند، در ادامه بیانات مقام له که به تفکیک به وظایف هر گروه پرداخته است، بررسی شده است.

کلید واژه ها: امید، جهاد امید، تبیین، نخبگان، آیت الله خامنه ای

f.s.khatamii@gmail.com

^۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه

مقدمه

امید از جمله مسائل مهمی است اگر در جامعه وجود داشته باشد؛ حرکت، پیشرفت و حماسه را به دنبال خواهد داشت و چنین جامعه ای همواره پیروز است و عقب نشینی نخواهد کرد. کما اینکه در تاریخ ایران عزیزمان مشاهده می شود که امید و اطمینان مردم را به حرکت، پیشرفت و حماسه کشاند و تا به پیروزی رساندن انقلاب به رهبری حضرت امام خمینی «رحمة الله علیه» عقب نشستند و در تمام سالیان پس از انقلاب نیز همین عامل مهم سبب همراهی و حمایت مردم شده است. به همین جهت دشمنان این مرز و بوم در تلاش ویژه خود به دنبال ناامید کردن مردم به ویژه جوانان هستند تا بتوانند به آرزوی دیرینه خود، یعنی استحاله این انقلاب عظیم برسند. چنانکه در سوره ممتحنه نیز خداوند با عبارت وَدَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ تصریح میکند که خواسته حقیقی دشمنان استحاله و بازگشت از دین و ائین است: نَ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءٌ وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ (هر گاه آنها بر شما تسلط یابند باز همان دشمن دیرینند و هر چه بتوانند به دست و زبان بر عداوت شما می کوشند و چقدر دوست می دارند که شما کافر شوید. ۲. ممتحنه) اگر مسئله دنیای امروز عدم وجود زمینه های کافی برای ایجاد امید و امیدواری عمیق نسبت به حال و آینده است؛ خوشبختانه ما در کشورمان درگیر این بعد از مسئله نیستیم و زمینه های امید و امیدواری در کشور ما زیاد است اما غفلت پیش آمده به سبب تلاشهای سخت کوشانه دشمنان در القای ناکارآمدی دین و انقلاب باعث شده است که این امیدها به درستی دیده نشوند. به همین سبب در این پژوهش کوشیده شده است تا راه های نشان دادن زمینه های امید و امیدواری به مردم و از بین بردن این غفلت را در گستره فرمانی مهم، به نام جهاد امید، به عنوان وظیفه ای همگانی علی الخصوص بر عهده ی نخبگان و فعالان علمی، فرهنگی و اجتماعی بیان شود.

اگر از این مهم که امام خامنه ای مدظله العالی آن را نخستین و ریشه ای ترین جهاد نامیدند، غفلت بشود؛ و ناامیدی از آینده برملت چیره بشود؛ بی عملی، بی تحرکی، انزوا و توقف و عقب ماندگی به وجود می آید و شکست قطعی را به دنبال خواهد داشت؛ این سم مهلک آن چیزی است که دشمن میخواهد .

مطابق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی پژوهش هایی مرتبط با مقاله حاضر یافت شد. از جمله آن ها می توان به مقاله شاخص های امید آفرینی انتظار در مدل اسلامی پیشرفت در اندیشه امام خامنه ای مدظله العالی (رضایی و شرفی، ۱۴۰۱) اشاره نمود. در این مقاله به شاخص های محوری امیدآفرینی همچون امید و پیشرفت، امید و دشمن، اقدامات امیدبخش مسئولان، امید و رسانه، مایه های امید در کشور، امید و انقلاب و امید و موعود پرداخته و نتایج آن نشان میدهد که در افق دید رهبر انقلاب، آینده تمدن اسلامی، آینده درخشان و با شکوهی است و مامی توانیم تمدن نوین اسلامی را با وجود شاخصه اصلی بهره مندی انسان ها از همه ظرفیت های مادی و معنوی، برپا کنیم. مقاله ارائه الگوی امید به آینده در اندیشه امام خامنه ای (مولائی، ۱۴۰۱) به بررسی ابعاد و مولفه های امید به آینده در اندیشه رهبر که شامل: ارکان (صبر و استقامت، اعتماد به وعده الهی، فائق آمدن بر مشکلات و...)، مبانی و جهت سازه ها (افق روشن، اصول امید آفرینی، آموزه های دینی و...)، موانع و چالشها (استعمار، استبداد، استکبار، تضعیف ساخت درونی و...) و اهداف (پیشرفت روز به روز، زمینه ساری ظهور و تمدن اسلامی و...) پرداخته که دستیابی به استقلال و آزادی، پیشرفت، عزت مسلمین و شکست دشمنان را تسهیل میکند. مقاله واکاوی تحلیلی معنای امید در بیانات آیت الله خامنه ای؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (سرو و هزار جریبی و عالمی، ۱۴۰۰) سومین پژوهش مرتبط است. مسئله این مقاله چیهستی و چگونگی تحقق امید با تکیه بر بیانیه گام دوم است و نتیجه این مقاله این است که امید در اندیشه امام خامنه ای کلید همه قفل ها و مایه پیشرفت و

حرکت رو به جلو است. مقاله بررسی جایگاه امید؛ به عنوان ریشه ای ترین جهاد جوانان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (بی نام): به ماهیت امید، نقش امید در زندگی و علت تاکید امید در جوانان و راههای افزایش امید در جوانان پرداخته است و نتیجه آن نشان می دهد که تقویت و نهادینه شدن امید در زندگی، تلاش و پویایی را به دنبال خواهد داشت و سبب سربلندی کشور است. مقاله مصادیق قرآنی اقدامات کفار و منافقین در مایوس سازی مومنین با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (فهمیه تابش، محمد تابش، کریمی نیا و انصاری مقدم، ۱۴۰۰) آخرین پژوهش مرتبط است. در این مقاله به اقدامات کفار برای مایوس سازی مومنین پرداخته شده است؛ من جمله: سیاه نمایی، ایجاد ترس، ایجاد باور به ظلم، شایعه سازی، فشار اقتصادی و جداسازی مردم از مسئولین؛ که در قرآن و روایات هم به آنها اشاره شده است. در پژوهش های معرفی شده به چیستی و چرایی جهاد امید و تاثیرات آن در جامعه پرداخته شده است و بیانات مقام معظم رهبری در امیدآفرینی و اقدامات کفار در مایوس سازی مومنین را به آیات قرآن و روایات مستند کرده اند. اما در پژوهش حاضر به روش دشمنان در مایوس سازی و روش مقابله با آنان و بایسته های این جهاد در بیانات مقام معظم رهبری پرداخته و سپس به شرح وظایف هر یک از اقشاری که مخاطب فرمان جهاد امید هستند؛ به عنوان نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته شده است.

مفهوم شناسی :

امید: در لغتنامه ها امید؛ آرزو، چشم داشت، آرزوی روی دادن امری همراه با انتظار تحقق آن معنا شده است؛ اما در معنای اصطلاحی رهبری نگاه خوشبینانه به آینده و انگیزه برای حرکت را امید مطرح می نمایند که میبایست با دو معیار متکی بودن بر واقعیت و صادقانه بودن همراه باشد (در بیانیه گام دوم انقلاب؛ ۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/41673>) و الا امید کاذب انسان را فریب خواهد داد و از

پیشرفت باز خواهد داشت. قرآن نیز در آیات ۱۰۵ سوره انبیا ، ۵ قصص و ۱۲۸ اعراف در مقام امیدافرینی برای مومنان آینده ای خوش را به تصویر می کشد که در آن وارثان زمین اند و این واقعیتی است که آن صادق علی عظیم از آن سخن می گوید.

جهاد: در لغتنامه ها کارزار کردن، جنگیدن در راه حق معنا شده است؛ اما در معنای اصطلاحی رهبری حرکتی که در مقابل حرکت خصمانه و غرض آلود دشمن انجام میگیرد و با استمرار، همه جانبگی و هوشمندی همراه است را جهاد میگویند. در دیدار فعالان بخش های اقتصادی کشور؛ ۹۰/۰۵/۲۶؛ <https://khl.ink/f/17022> (آیات قرآن نیز به آن اشاره می کنند: فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) هر که به ستم بر شما دست دراز کند او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. ۱۹۴ بقره) و يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه با فوجی (از دشمن) مقابل شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید، باشد که فیروزمند و فاتح گردید. ۶۵ انفال)

جهاد امید: حرکت همه جانبه ، هوشمندانه و مستمر برای تزریق نگاه خوشبینانه نسبت به آینده در جامعه؛ در مقابله با فعالیت های مایوس سازی دشمنان .

روش پژوهش

روش گردآوری پژوهش حاضر ، توصیفی -تحلیلی است. به این صورت که ابتدا با استفاده از کلید واژه های امید ، امید به آینده ، جهاد، جهاد امید ، تبیین و یاس و ناامیدی؛ در بیانات مقام معظم رهبری جستجو انجام شد و سپس نظرات ایشان پیرامون این کلید واژه ها جمع آوری شد و مجموعه ای از داده های خام به وجود

آمد. در مرحله بعد داده ها پردازش شد و موارد ضروری از غیر ضروری جدا گردید و در آخرین مرحله یافته ها به صورت یک متن منسجم جهت ارائه جمع آوری شد.

بیانات مقام معظم رهبری

سیاست تبلیغی دشمنان مایوس سازی مردم و حتی مسئولان از آینده و در ابهام نگه داشتن افکار عمومی به خصوص جوان هاست؛ که در این راه از خبرهای دروغ و تحلیل های مغرضانه و وارونه نشان دادن واقعیت ها و پنهان کردن محسنات و بزرگ کردن عیوب استفاده می کنند. مسلما غبار آلود بودن فضا فرصت بسیار مناسبی برای دشمنان است تا حق و باطل را در هم بیامیزند و در ظاهر دوست به حرکت ملت ایران ضربه بزنند؛ لذا بهترین راه خنثی کننده این توطئه دشمنان، روشن و شفاف نگه داشتن فضا با تبیین و صراحت در بیان حق است که ذیل جهاد امید تعریف میشود. موفقیت در میدان عملی جهاد امید نیازمند رعایت بایسته هایی است که در ادامه ذکر میشوند.

الف. بایسته های کلی جهاد های فکری از منظر مقام معظم رهبری

۱. شناختن عناصر درگیر در صحنه: برای اینکه بتوانیم حرکت معقولی داشته باشیم لازم است که صحنه و میدان فعالیت خود را بشناسیم یعنی بدانیم جمهوری اسلامی الان در چه موقعیتی هست، شامل چه فرصت ها و تهدید هایی هست، دوستان و دشمنانش چه کسانی هستند و در چه موقعیتی قرار دارند. (در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۸/۰۳/۰۱، <https://khl.ink/f/42633>)

۲. داشتن جهت گیری کلی به سمت جامعه اسلامی و تمدن اسلامی: مقام معظم رهبری با توجه به ایه ۱۰۳ سوره آل عمران (أَغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) میفرماید جهت کلی حرکت ملت ایران حرکت به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است لذا باید در نهایت فعالیت هایمان منتهی به یک تمدن پیشرفته اسلامی بشود. (همان)

۳. شناختن عوامل امیدبخش: اگر عوامل امیدبخش را شناسیم حرکت ما متوقف می شود و پیش نخواهیم رفت. عوامل امید بخش در جامعه ما زیاد است که چند مورد مهم آن عبارت است از راه انداختن انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی و نگهداری و حفظ آن در مقابل ابرقدرت های دنیای استکبار؛ انحطاط و فرسودگی جبهه مقابل و حرکت رو به زوال آن؛ و وعده تخلف ناپذیر خداوند که فرمود ان تنصرالله ينصرکم .(همان) قرآن در موارد مختلف با عبارت اذکروا نعمت الله علیکم به یادآوری نعمت های الهی که اثر امید رسانی دارند میپردازد من جمله آیه ۱۱سوره مائده که در رابطه با نعمت پیروزی و غلبه یافتن بر دشمنان و طواغیت است: یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمت الله علیکم اذ هم قوم ان یبسطوا الیکم ایدیهم فکفّ ایدیهم عنکم و اتقوا الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون؛(ای کسانی که ایمان آورده اید، نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که قومی آهنگ آن داشتند که بر شما دست یازند، و [خدا] دستشان را از شما کوتاه کرد و از خدا پروا دارید، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.)

۴. عدم غفلت از سنت های الهی: رمز پیروزی ما در مقابل جبهه وسیع دشمنان همانگونه که به تجربه در دفاع مقدس هشت ساله نمایان شد، توجه به سنت ها و امدادهای الهی است. (در دیدار مردم قم، ۹۴/۱۰/۱۹، <https://khl.ink/f/46976>).

آیات قرآن نیز تجربه تاریخی ملت ما را تأیید میکند که نیروی ایمان بر امکانات و تسهیلات و ادوات جنگی پیروز میشود: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ(ای اهل ایمان، شما اگر خدا را یاری کنید (یعنی دین و پیغمبر خدا را) خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند. ۷محمد) ؛ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ(و آنان که در (راه) ما (به جان و مال) جهد و کوشش کردند محققا آنها را به راههای (معرفت و لطف) خویش هدایت

می‌کنیم، و همیشه خدا یار نکوکاران است. ۶۹ عنکبوت) ؛ اُخْرَى ُ تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۖ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ (و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید نصرت و یاری خدا (در جنگ) و فتح نزدیک (سپاه اسلام) است، و اهل ایمان را (به این دو نعمت) بشارت ده. ۱۳۰ ص)

۵. پیروی از خط امام و شهدا :حرکت امام خمینی و شهدای عزیز انقلاب از صدر تا کنون سبب امیدواری در میان ایرانیان و دیگر مسلمانان جهان شده است. رمز ماندگاری این امید پیروی از خط امام و شهدا است . (در دیدار اقشار مختلف مردم، ۶۸/۰۳/۳۱؛ <https://khl.ink/f/2105>)

۶. خودسازی :برای اینکه بتوانیم خوب بفهمیم و خوب عمل کنیم نیازمند تقوا و خودسازی هستیم. بالا رفتن ایمان و بصیرت سبب می شود تا با رعایت ادب اسلامی اگر از یک جهت گیری که بعضی اشخاص در آن هستند ناراضی هستیم به جای تخریب و اهانت و نام بردن از اشخاص به تبیین بپردازیم . (دیدار کارگزاران نظام، ۸۲/۰۸/۱۱، <https://khl.ink/f/3202> و در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۸۵/۰۶/۰۹، <https://khl.ink/f/3350>) قرآن مومنان را امر میکند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (ای اهل ایمان، متقی و خدا ترس باشید و همیشه به حق و صواب سخن گوید. ۷۰ احزاب) و صبر و مقاومت و تقوا را وسیله ای برای جذب امدادهای الهی میداند: بَلَىٰ ۚ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَٰذَا يُصِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (بلی اگر صبر و مقاومت پیشه کنید و پرهیزکار باشید، چون کافران بر سر شما شتابان بیایند خدا پنج هزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است به مدد شما می‌فرستد. ۱۲۵ آل عمران)

۷. شجاعت: روحیه شجاعت سبب میشود تا رودربایستی ها، خودخواهی ها و عظمت جبهه دشمن مارا از بیان حق و حقیقت منصرف نکند. (خطبه های نماز جمعه، ۷۴/۱۱/۲۰، <https://khl.ink/f/2784>)

نترسیدن از دشمن و دشمنی ها از اثار ایمان است: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند: لشکری بسیار بر علیه شما مؤمنان فراهم شده، از آنان در اندیشه و بر حذر باشید، (این تبلیغات) بر ایمانشان بیفزود و گفتند: تنها خدا ما را کفایت کند و او نیکو وکیل و کارسازی است. ۱۷۳ آل عمران) و وعده فرشتگان به مومنان با ایمان آن ست که به سبب ایمانشان دیگر ترس و اندوهی نداشته باشند: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (آنان که گفتند: محققا پروردگار ما خدای یکتاست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی (از وقایع آینده) و حزن و اندوهی (از گذشته خود) نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که (انبیا) وعده دادند بشارت باد. ۳۰ فصلت)

۹. داشتن راهکار عملی: با هدایت، تمرکز، پیگیری و فعالیت های پی در پی که بر عهده حلقه های میانی یعنی مجموعه ای از خود ملت است می توانیم به راهکارهای عملی مناسبی برای مقابله با دشمنان دست پیدا کنیم. (در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۸/۰۳/۰۱، <https://khl.ink/f/42633>)

۱۰. اقدام به موقع: یکی از مسائل مهم این است که کار را در وقت لازم و به موقع انجام بدهیم چرا که تشخیص تصمیم گیری و اقدام خواص در لحظه لازم تاریخ و ارزش ها را نجات میدهد. (در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله، ۷۵/۰۳/۲۰، <https://khl.ink/f/4790>)

۱۱. گفتن واقعیت: به مسائل کشور واقع بینانه نگاه کنیم و واقعیت را به درستی، زیبایی و شیرینی بیان کنیم. غلبه دادن نگاه منفی خلاف واقع بینی و موجب ناامیدی است و غلبه دادن نگاه مثبت بدون دیدن نقاط منفی هم گمراه کننده است. لذا باید نقاط مثبت و منفی را در کنار هم ببینیم. (در دیدار مسئولان جمهوری اسلامی، ۹۰/۰۵/۱۶، <https://khl.ink/f/16889>) قرآن مومنان را امر میکند: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا** (ای اهل ایمان، متقی و خدا ترس باشید و همیشه به حق و صواب سخن گوید. ۷۰ احزاب)

۱۲. توجه به افکار و احساسات مخاطب: توجه به افکار و احساسات مخاطبان اهمیت زیادی دارد ما وظیفه داریم به لحاظ فکری بنیه اعتقادی جوانان را تقویت کنیم و به لحاظ احساسی با رفتار درست و خوب دل ها را نرم کنیم و عناده را به زانو در بیاوریم. (دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها، ۸۹/۰۴/۲۰، <https://khl.ink/f/9720>) قرآن عامل موفقیت و تاثیرگذاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله را مهربانی او با مردم بیان میکند: **فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۚ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۚ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ** (به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند، پس از بدی آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد. ۱۵۹ آل عمران)

۱۳. گفتمان سازی: برای اینکه بتوانیم به نتیجه دلخواه مان برسیم حق و حقیقتی که دریافت کرده ایم را باید با شیوه های مختلف در میان مردم تکرار کنیم تا تبدیل به یک گفتمان بشود. (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۹۶/۰۶/۳۰، <https://khl.ink/f/37721>)

۱۴. نوآوری و استفاده از هنر: باید تمام تلاش خودمان را به کار بگیریم تا حرف حق را با شیوه های نو و زبانهای جدید و با استفاده از قالبهای هنری جذاب به گوش مخاطبانمان برسانیم. (در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات سراسر کشور، ۷۲/۰۲/۰۶، <https://khl.ink/f/7586>)

۱۵. استفاده از فضای مجازی: می توانیم از فضای مجازی که بستری برای القای ناامیدی در دست دشمنان است؛ برای امید آفرینی، توصیه به صبر، توصیه به حق، توصیه به بصیرت آفرینی و خسته نشدن و تنبلی نکردند و غیره استفاده کنیم. (در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۹۹/۱۲/۲۱، <https://khl.ink/f/47510>)

ب.وظایف دستگاه های حاکمیتی و نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی در جهاد امید

۱. وظایف قوه مجریه: در عرصه جهاد امید بهترین عمل برای قوه مجریه، مردمی بودن است یعنی مشکلات و راه حل ها را به طوری که موجب یاس نشود با مردم به میان بگذارد و از مردم کمک های فکری و عملی بخواهد، هر جا هم خطائی اتفاق می افتد صریحاً از مردم عذرخواهی کند. دادن گزارش صادقانه، بدون مبالغه و بزرگ نمایی خدمات نیز سبب دلگرمی مردم می شود. برگزاری دیدار ها و جلسات عمومی با مردم به طوری که سوالات مردم پاسخ داده بشود و در رسانه هم پخش بشود نیز اثربخش است و جلوی غرض ورزی و غرض و رزان را خواهد گرفت. (در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی؛ ۷۸/۰۱/۰۱، <https://khl.ink/f/2936> و در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۹۰/۰۶/۰۶، <https://khl.ink/f/17106>)

۲. وظایف قوه مقننه: جایگاه مجلس جایگاه روشنگری مردم نسبت به نقشه های دشمنان است. آن جایی که دشمن سوالاتی را مطرح می کند ابهام و بذر تردیدی

را می‌کارد، آنجا وظیفه شماست که آن بذر تردید را از بن و ریشه در بیاورید و حقایق را روشن کنید؛ اگر چنین کردید بسیاری از خلاها و تاریکی‌ها برطرف خواهد شد. پیش‌نیامدن اختلاف و درگیری و تشنج بر سر قضایای سیاسی در مجلس نیز بعد دیگر مسئله است. (در دیدار نمایندگان مجلس؛ ۷۱/۰۳/۲۰، <https://khl.ink/f/262> و ۸۴/۰۳/۰۸، <https://khl.ink/f/3293>) عدم اختلاف از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن آن را از مولفه‌های قدرت می‌شمارد: وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ۚ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نیپوید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است. ۴۶ انفال)

۳. وظایف قوه قضاییه: اولاً در زمینه مسائل اقتصادی طوری حرف نزنید که تلقی عمومی این بشود که فساد عمومی است در حالی که فساد عمومی نیست و در مواردی که واقعاً فساد است قاطعانه و روشن برخورد کنید و برخورد را نیز تبیین کنید. دوماً آقایانی که مراجعه مردمی دارید گشاده رو باشید و اگر مشکلی حل نمی‌شود آن را با ملاطفت برایش تبیین کنید. (در دیار مسئولان قوه قضائیه؛ ۱۴۰۰/۰۴/۰۷، <https://khl.ink/f/48211> و در دیدار مدیران و مسئولان استان بوشهر؛ ۷۰/۱۰/۱۲، <https://khl.ink/f/2546>)

۴. وظایف صدا و سیما: ایده آل در صدا و سیما آن است که صدا و سیما را دانشگاهی برای تدریس اصول اسلام انقلابی بدانید که در آن پایه‌ها، مفاهیم و درس‌های اسلام ناب انقلابی تدریس می‌شود. سنگر صدا و سیما جزو برترین و مهم‌ترین و حساس‌ترین سنگرهاست. هدف جنگ نرم استحاله جمهوری اسلامی است و مسئولین و مردم در آماج حملات قرار گرفته‌اند. هدف از حمله به مردم تغییر باورهاست؛ تغییر

باور ها نسبت به مبانی عقیدتی سیاسی کشور و تغییر باورها نسبت به گذشته یعنی نگاه به پهلوی را تغییر بدهند و نتیجه بگیرند که جمهوری اسلامی آمد و یک چیزی که خوب بود را از دست ما گرفت، تغییر باورها نسبت به آینده با القای فایده ندارد بیخودی حرکت می کنید، تغییر باور ها نسبت به وضع کنونی کشور که هیچ چیز نداریم نه کاری شده و حرکتی انجام گرفته است و تغییر باورها نسبت به جهان بیرون که آن را زینت بدهند. دومین هدف سست کردن ایمان و بازداشتن مردم از حرکت است با استفاده از اموری مثل مواد مخدر تا شهوات .

مهمترین ابزار دشمن برای اثرگذاری و نفوذ برنامه ریزی است و جهت دار حرکت کردن در تمامی برنامه ها از خبر و سریال و مستند گرفته تا آشپزی، اما حرکتی که در مقابله با آنها در داخل صورت گرفته حرکت خوبی است اما خیلی سطحی ست یعنی برنامه های معارفی که میگذارید حرکت در سطح است. حرکت در عمق یعنی در تمامی برنامه ها از برنامه های کودک گرفته تا سریال و مستند و غیره همین اهداف برنامه های معارفی بدون آن که تظاهر بشود دنبال بشود و مخاطب را اقناع کند یعنی اهداف ما در برنامه های متنوعی صدا و سیما امتداد پیدا کند. در جهت رفع این عیب بزرگ سطحی بودن همه مسئولیم و باید اقدام کنیم. چند راهکار برای بهبود این وضعیت: اولاً داشتن تحلیل واقع بینانه از شرایط کنونی کشور است که متاثر از تلقین دشمن یا سطحی نگری و یا اغراق و تردید در ظرفیت ها نباشد، ثانياً مقایسه وضعیت فعلی جمهوری اسلامی با چهل سالگی کشورهای دنیا با هدف شناخت پیشرفت های معجزه آسای جمهوری و همچنین وضعیت کشورهای مطیع آمریکا. ثالثاً تعریف یک تفکر مبنایی برای صدا و سیما، رابعا لزوم برنامه ریزی برای هر یک از موضوعات نیازمند تبیین .

صدا و سیما قرارگاه مقدم فعال جنگ نرم است و سیاست کلی آن باید تقویت مدیریت های اجرایی باشد، اگر ضعف ها و دردها را می گوید باید طوری بگوید که

مردم را مایوس نکند و مدیریت را تضعیف نکند، باید علاج جویانه و دلسوزانه مطرح کند و با هوشمندی مدیران را هدایت کند تا نقاط نقص کارشان را رفع کنند. توفیقات دولت را نیز تبیین کند و میکروفون را جلوی دهان کسانی که از این پیشرفت ها بهره مند می شوند بگیرد. (در دیدار مسئولان صدا و سیما؛ ۶۹/۰۵/۰۷، <https://khl.ink/f/2338> و ۹۴/۰۷/۲۰، <https://khl.ink/f/31050> و <https://khl.ink/f/3262>، ۸۳/۰۹/۱۱)

۵. وظایف سازمان تبلیغات اسلامی: با توجه به رسالتی که مقام معظم رهبری برای این سازمان تعریف می کند (رسالت این سازمان اولاً تبیین و عرضه فکر و فرهنگ و معارف اسلامی با توجه به نیازهای روز و با نوآوری در ادبیات و روش ها به گونه ای که بر دل و جان مخاطبان بنشیند و وجود آنان را از کوثر حقیقت دین سیراب نماید. ثانیاً رصد و مقابله هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و رسانه ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است. دشمنانی که درصدد تھی کردن انقلاب از عقبه دینی و ایمانی و مردمی آن می باشند.) بهترین کنشگری برای این سازمان در عرصه جهاد امید اهتمام جدی به انجام رسالتش است. (انتصاب حجت الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۹۷/۰۵/۲۸، <https://khl.ink/f/40291>)

۶. وظایف نخبگان: امروز یکی از بخش های جنگ نرم دشمنان ناامید کردن نخبگان و بی آینده نشان دادن آنهاست چرا که حضور جوانان نخبه در هر کجا که باشد خلاق امید است کسانی که با پیشرفت کشور موافق نیستند با حضور جوانان نخبه هم موافق نیستند بهترین راه مقابله با آنها حضور فعال و مستمر و امیدوارانه در بخشهای گوناگون کشور است. یکی دیگر از وظایف مهمی که بر عهده نخبگان و خواص است این است که حقایق را بدون تعصب و بدون حاکمیت تعلقات جناحی روشن و بیان کنند. (در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی؛ ۱۴۰۱/۰۷/۲۷،

<https://khl.ink/f/51184> و در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر؛ ۸۸/۰۵/۰۵، <https://khl.ink/f/7770>)

۷. وظایف حوزه های علمیه :روحانیت وظیفه دارد وسط میدان باشد و از گمراهی و انحرافات فکری جوانان مانع بشود. لذا حوزه های علمیه ابرای اینکه بتوانند دین را خوب تبلیغ کنند باید در متن حوادث علمی عالم باشند و بدانند که جریان های فکری و حرف های تازه در دنیا چیست. همچنین مجموعه روحانیت به هیچ وجه نباید شکل اداری پیدا کند و باید حالت طلبگی خودش را که انس با مردم و رفتن میان مردم و سخن گفتن به زبان مردم است حفظ کند. در دیدار طلاب مدرسه فیضیه؛ ۷۰/۱۲/۰۱، <https://khl.ink/f/2590> و در آغاز درس خارج فقه؛ ۷۸/۰۶/۲۸، <https://khl.ink/f/2970> و در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید؛ ۹۵/۰۶/۱۶، <https://khl.ink/f/34309>)

۸. وظایف ائمه جمعه و جماعت :در این نبرد که به ایمان، بصیرت، تقوا و اخلاق مردم ما حمله می شود ما برای دفاع نیازمند قرارگاه هستیم. نماز جمعه از مهم ترین قرارگاه ها است؛ که به دلیل محل اجتماع بودنش یک فرصت بزرگ برای تبیین یعنی به دست آوردن سوالات و ابهامات مردم و پاسخگویی به آنها با مطالب قوی و مستند است. مثلاً با توجه به رواج دروغ، تهمت و شایعه پراکنی در فضای مجازی در خطبه های نماز جمعه باید لزوم رعایت تقوا در فضای مجازی تبیین بشود. امامت مساجد نیز یک کار مهم است اینکه امام جماعت قبل از وقت شروع نماز به مسجد برود و یک نماز با کیفیت بخواند و سپس رو به مردم برگردد و مسائل را برای مردم تبیین بکند. (در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور؛ ۹۴/۱۰/۱۴، <https://khl.ink/f/31847> و <https://khl.ink/f/4127>، ۷۲/۰۶/۲۸)

۹۸/۰۴/۲۵، <https://khl.ink/f/43057> و در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران؛ ۹۵/۰۵/۳۱، <https://khl.ink/f/34109>)

۹. وظایف علما و مبلغین: طلبه های جوان که خودشان از مصادیق امید های آینده هستند باید بدانند که امروز وظایف روحانیت به دو جهت مضاعف است اولاً به خاطر این که فرصت برای تبلیغ اسلام در دنیا به وجود آمده و ثانیاً همین فرصتو ترس دشمنان اسلام سبب افزایش حملات آنها نسبت به اسلام شده است. در این کارزار سه کار عمده بر عهده روحانیون هست که شامل هدایت دینی، هدایت سیاسی و راهنمایی خدمات اجتماعی است؛ در هدایت دینی دو بعد اندیشه و عمل مطرح میشود که در بعد اندیشه نیاز است که مجهز وارد میدان بشوید و اعتقادات موروثی مردم را عمق ببخشید و اسلام ناب را تبیین کنید و عبودیت الهی را در صحنه زندگی اجتماعی - سیاسی تبیین کنید تا طواغیت ازاله و زدوده و افشا بشوند و در بعد عملی، هدایت عملی مردم به عبادات و ظواهر دینی یک کار مهم است. میتوانید از فرصت ماه مبارک که فرصت تبلیغ و تبیین است استفاده کنید. (در دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه های علمیه استان تهران؛ ۹۵/۰۲/۲۵، <https://khl.ink/f/33076> و در دیدار طلاب و روحانیون حوزه های علمیه شیعه و اهل سنت هرمزگان؛ ۷۶/۱۱/۲۸، <https://khl.ink/f/11398> و در جلسه درس خارج فقه در استانه فرا رسیدن ماه مبارک رمضان؛ ۹۸/۰۲/۱۰، <https://khl.ink/f/42428>)

۱۰. وظایف اساتید دانشگاه :دانشگاه می تواند به عنوان سنگری بسیار فعال در جهت حرکت و امید بخشی و روشنگری ذهن مردم به کار برود. در این سنگر همانطور که جوان ها افسران جنگ نرم هستند، اساتید فرماندهان جنگ نرم هستند. یکی از وظایف فرماندهان این جنگ یعنی اساتید مسئله تبیین

است. کار فرهنگی را باید در دانشگاه یک اصل بدانند و ذهن ها را با فرهنگ انقلاب من جمله «فرهنگ امیدواری و ما می توانیم» آشنا کنند و یکی دیگر از وظایف این فرماندهان پر کردن خشاب اسلحه هاست برای مثال وقتی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت مطرح می شود پیدا کردن این الگو کار دانشگاه ها و کار اساتید است. (در دیدار اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها؛ ۱۸/۰۶/۹۹، <https://khl.ink/f/2353> و در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها؛ ۲۹/۰۳/۹۵، <https://khl.ink/f/33445>)

۱۱. وظایف دانشجویان و جوانان: بنا به فرمایش حضرت آقا جوانان ما افسران جنگ نرم هستند و از وظایف افسران جنگ نرم می توان امیدآفرینی، توصیه به ایستادگی، توصیه به تنبلی نکردن، توصیه به خسته نشدن و غیره را نام برد. امروز وظیفه این افسران از این جهت سنگین است که نه تنها فقط باید خودشان حقیقت را تشخیص بدهند که باید با اهمیت دادن به مسئله تبیین خودشان را مجهز کنند و فضای پیرامون خودشان را هم روشن و بصیرت افزایی کنند. (در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث؛ ۲۱/۱۲/۹۹، <https://khl.ink/f/47510> و در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم؛ ۴/۰۸/۸۹، <https://khl.ink/f/10456> و در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی؛ ۵/۰۷/۱۴۰۰، <https://khl.ink/f/48746>)

در زمینه پرهیز از سستی و تنبلی کردن میتوان به آیات ۱۳۹ آل عمران و ۳۵ محمد اشاره کرد: وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (شما هرگز سستی نکنید و (از فوت متاع دنیا) اندوهناک نشوید، زیرا شما فیروزمندترین و بلندترین ملل دنیایید اگر در ایمان ثابت قدم باشید.) و فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ

وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرَكُمْ أَغْمَالَكُمْ (پس (شما ای اهل ایمان در کار دین) سستی روا مدارید و (از ترس جنگ، کافران را) دعوت به صلح مکنید، که شما غالب و بلند مقام تر خواهید بود و خدا با شماست و از (ثواب) اعمال شما هیچ نمی کاهد).

۱۲. وظایف بانوان: از جمله وظایف اساسی بانوان نخبه که بنابر فرمایش حضرت آقا یکی از مهمترین مسئولیت های امروز است این است که نقش زن را از دیدگاه اسلام ترسیم، برجسته و روشن کنند. البته این حرکت راه افتاده است اما باید تشدید و فراگیر بشود. (در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی؛ ۹۱/۰۴/۲۱، <https://khl.ink/f/20388>)

۱۳. وظایف هنرمندان و شاعران: مهمترین وظیفه هنرمندان تبلیغ و تبیین است باید حقیقتی را که درک میکنید تبیین کنید و برای آن که آنچه که درک میکنید درست باشد باید مجاهدت کنید فریب خوردن و بی بصیرتی دون شان یک انسان هنری است باید حقیقت را بفهمید و همان حقیقت را تبلیغ کنید. در میان ابزارهای هنری، بیان نمایش به معنی عام آن از بقیه بیان ها رساتر، بلیغ تر و جالب تر است. توقع این است که در هنرهای نمایشی به ارزشهای اسلامی که بالاترین ارزش ها هستند و می توانند انسان ها را به خود مجذوب و یا در مقابل خود خاضع کنند اهمیت داده بشود. امروز همه فیلم های خوب دنیا پیام و حرفی برای گفتن دارند؛ این ملت ملتی است که قیام کرده تا رشته های وابستگی به دنیای مستکبر متفرع و تحقیق کننده را بگذارد و با کمال شدت و در عین مظلومیت هم می جنگد. چگونه هنر می تواند از کنار این همه زیبایی بی تفاوت بگذرد؟ هنرمندان ما باید پیام این ملت را با زبان هنر به گوش دنیا برسانند و با هرچه در توان دارند در جهت نشاط این ملت قدم بردارند.

شعر نیز یک عنصر اثرگذار است که این اثر گذاری برای شاعران مسئولیت آور است و سبب قرار گرفتن شعرا در خدمت جریان روشنگری الهی در طول تاریخ

بشراست .واکنش سریعی که شاعران به حوادث نشان میدهند یکی از اقدامات با ارزش است. (در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر؛ ۸۰/۰۵/۰۱، <https://khl.ink/f/3074> و در دیدار هنرمندان و سینما گران؛ ۷۳/۱۱/۰۳، <https://khl.ink/f/19662> و در دیدار جمعی از شعرا؛ ۸۸/۰۶/۱۴، <https://khl.ink/f/8001> و <https://khl.ink/f/30174>، ۹۴/۰۴/۱۰ و <https://khl.ink/f/42611>، ۹۸/۰۲/۳۰)

۱۴. وظایف مداحان: در مقابل تلاش های دشمن ما وسیله هایی داریم که کاملاً منحصر به فرد است مثل همین جامعه مداحان و مجالس مذهبی که اگر محتوا و مضمون منبر ها و مداحی های ما مضمون شایسته ای باشد هیچ وسیله ای نمی تواند با آنها مقابله کند. این فرصت فرصت بزرگی است که آن را نباید از دست داد. از نشانه های از دست دادن این فرصت بزرگ این است که خروجی منبر ما بی اعتقادی به آینده و ناامیدی از آینده بشود یا اینکه به آتش اختلافات مذهبی در میان مسلمانان که یک برگ برنده در دست دشمنان است دمیده شود. باید صف خودتان و صف دشمنان را بشناسید و در مقابل آنها وقت را هدر ندهید و صف آرایایی کنید و علاوه بر ترویج اخلاق و رفتار و معارف اسلامی، مسائل گوناگونی سیاسی را روشنگری کنید و با گنجاندن اهداف انقلاب اسلامی در شعر و القای آن با صوت و لحن خوش در مجالس به تبیین اهداف انقلاب پردازید. (در دیدار مداحان اهل بیت؛ ۹۷/۱۲/۰۷، <https://khl.ink/f/41810> و <https://khl.ink/f/26171>، ۹۶/۱۲/۱۷ و <https://khl.ink/f/39136>، ۹۳/۰۱/۳۱)

۱۵. وظایف مطبوعات و رسانه ها: نظام اسلامی مستغنی از آگاهی مردم نیست. در نظام های مردمی که نظام ما هم اینگونه است باید مردم اهل تحلیل بشوند تا بفهمند نظام برایشان مفید است. در این راستا نیاز است که به مردم آگاهی بخشیده بشود. مطبوعاتی که بنابر عناد و بدجنسی نداشته باشند در هر رشته ای که قلم

بزنند چون بر آگاهی مردم می افزایند به نفع نظام حرکت کرده‌اند. البته خود این مطبوعات باید توجه داشته باشند که با دعوای بین خودشان فضا را متشنج نکنند و نظامی را که قبول دارند تضعیف نکنند، امید را در دل های مردم متزلزل نکنند و در مقابل مطبوعاتی که به تفرقه اندازی، اختلاف افکنی، تشنج آفرینی، تشویش افکار عمومی، ناامید کردن، چهره سازی عناصر وابسته و مرید دشمن، و از نظر انداختن عناصر مفید و مخلص و دلسوز حرکت می کنند بایستند. (در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور؛ ۷۵/۰۲/۱۳، <https://khl.ink/f/2799> و در دیدار با جوانان در مصلی بزرگ تهران؛ ۷۹/۰۲/۰۱، <https://khl.ink/f/3003>)

نتیجه گیری

هدف مقاله حاضر بررسی جهاد امید در بیانات مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی بود. در این راستا مشخص شد دشمنان می خواهند با خبر های دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت ها، پنهان کردن جلوه های امید بخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک دادن نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ؛ دین و انقلاب را ناکارآمد نشان داده و مردم و حتی مسئولان را از آینده ناامید کنند. ملت ایران مخصوصاً خواص بایستی تا حد امکان با شفاف سازی از غبار آلوده شدن فضا جلوگیری کنند و با صراحت، حق و حقیقت را بیان و تبیین کنند تا توطئه دشمنان خنثی شود. در این راه به طور کلی همه نخبگان نیازمند هستند که مواردی را رعایت کنند؛ از جمله :

عناصر درگیر در صحنه (دوست و دشمن) را بشناسند، جهت گیری کلی به سمت تمدن نوین اسلامی داشته باشند، عوامل امید بخش را برای خود یادآوری کنند، از سنتهای الهی غفلت نکنند، ایمان و بصیرت خود را افزایش دهند. شجاعت و نوآوری داشته باشند. واقعیت را بگویند، از هنر و فضای مجازی استفاده کنند، کار را به هنگام و در وقت خودش انجام دهند، گفتمان سازی کنند، به افکار و احساسات مخاطب توجه کنند و خط امام را ادامه دهند .

منابع

قرآن کریم

۱. فروزان رضائی، ورمزیار؛ شرفی، محمود؛ «شاخص های امید آفرینی انتظار در مدل اسلامی پیشرفت در اندیشه امام خامنه ای مدظله العالی»، نشریه رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی/اسلامی، سال دوم شماره ۲؛ صص ۱۲۴-۱۶۷، ۱۴۰۱.
۲. مولائی، مرتضی، «ارائه الگوی امید به آینده در اندیشه امام خامنه ای» 18 صفحه - از ۱۱۹ تا ۱۳۶، ۱۴۰۱.
۳. نویسندگان: محمد سهیل سرو؛ نویسندگان: جعفر هزارجریبی؛ شهاب الدین عالمی، «مقاله واکاوی تحلیلی معنای امید در بیانات آیت الله خامنه ای؛ با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»؛ مجله: پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۳۹، 33 صفحه - از ۷۳ تا ۱۰۵ زمستان ۱۴۰۰.
۴. فهیمه تابش، محمد تابش، محمدمهدی کریمی نیا، مجتبی انصاری مقدم، «مقاله مصادیق قرآنی اقدامات کفار و منافقین در مایوس سازی مومنین با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی سال سوم، شماره ۲۶ صص 55 - 67، ۱۴۰۰.
۵. سایت khamenei.ir

خلاصة المحتويات

دراسة مكانة احترام الأطفال في الفكر القرآني للعلامة الطباطبائي

فاطمة كرمابي^١

خلاصة

الطفولة هي إحدى مراحل نمو الإنسان. وأهمية هذه المرحلة هي من الأهمية بمكان حتى أن التعاليم القرآنية أولتها اهتماماً خاصاً. لأن مستقبل كل إنسان يعتمد على طفولته. ومن الطرق الصحيحة والناجعة في تربية الإنسان طريقة احترام و«تكریم الشخصية». وهذه الطريقة في الواقع هي الداعم للصحة النفسية للإنسان وأحد أهم العوامل في تنمية شخصية الإنسان. أجرى البحث الحالي باستخدام المنهج المكتبي وهدفه هو معرفة أهمية المكانة التربوية والاجتماعية لاحترام شخصية الطفل في القرآن الكريم من منظور فكر العلامة الطباطبائي. يتناول هذا البحث قضايا مختلفة مثل الطفولة، واحترام الأطفال، ومكانة احترام الأطفال في القرآن الكريم، ونظريات ومنهج العلامة الطباطبائي. إن احترام وتكریم شخصية الإنسان من المبادئ التي يجب مراعاتها في عملية التربية، لأن الإنسان يحتاج إلى تقدير الآخرين له وتكریمهم. إذا شعر الطفل بالشخصية والكرامة في داخله فإنه يكتسب الثقة بالنفس، ويكتسب الكرامة والمكانة في المجتمع، ويحافظ على صحته. ومع ذلك، إذا كان يشعر بنقص في الشخصية داخلياً، فإنه سوف يكون عرضة للانحرافات وسوء السلوك الاجتماعي. ولذلك، فمن خلال احترام الطفل، يمكن تحويله إلى كائن قيم وكريم.

الكلمات المفتاحية: الطفل، الاحترام، العلامة الطباطبائي، القرآن

دور الأم في تربية الأبناء المهدويين

فاطمة لكزاده^١

خلاصة

تتناول هذه المقالة دور الأم في تربية الأبناء المهدويين وتحلل أبعاد هذا الدور المختلفة، مؤكدة على أهمية التربية الدينية والمهدوية. ويؤكد أن التربية المهدوية تعنى إعداد الجيل القادم لظهور الإمام المهدي (ع) وتحقيق العدالة والسلام في المجتمع. المسألة الرئيسية هي أن الأمهات، باعتبارهن الملمات الأوليات والقُدوة التربوية، يمكن أن يكنّ فعّالات في تشكيل شخصية أبنائهن وأخلاقهم ومعتقداتهم الدينية وإعدادهم للحياة في مجتمع عادل ومهدوي. يتناول هذا البحث دور الأم من منظور فردى، والذي يتضمن: دور الأم في التربية والتنمية العاطفية، وتعليم مفاهيم المهدية، والقُدوة، وخلق روح التوقع، والتربية الأخلاقية والدينية، ومن منظور اجتماعي، تعليم احترام الآخرين، والمسؤولية، وتعليم المشاركة الاجتماعية، وتعزيز العلاقات الاجتماعية، وتشجيع التعاون والتكافل، من أجل تشكيل الأطفال بطريقة تحولهم إلى أفراد واعين ومسؤولين في المستقبل. تم إجراء البحث الحالي باستخدام المنهج المكتبي والوصفي بالاعتماد على المصادر الموثوقة والوثائق الدينية والاجتماعية. تؤكد هذه المقالة على أنه من خلال تربية الأطفال المهدويين وتعزيز التعاليم الإسلامية، يمكن تعزيز التكافل الاجتماعي وإنشاء مجتمع مثالي ومهدوي تكون فيه القيم الإنسانية والأخلاقية في مركز الاهتمام.

الكلمات المفتاحية: دور الأم، التربية الدينية، تربية الأبناء، الأبناء المهدويين، الجوانب الفردية، الجوانب الاجتماعية.

دين و تعالى تربيت با رويکرد خانواده/ سال دوم / شماره ٣ / پاييز و زمستان ١٤٠٢

^١ طالبة في المستوى الثانى، معهد حضرة أمينة الإكليريكي للتعليم العالى < قم

دراسة مقارنة للتربية الجندرية فى الإسلام والغرب، مع التركيز على شعار "المرأة تعيش حرة".

الهام نيكبخت^١

خلاصة

وبحسب التعاليم الإسلامية فإن الاختلاف فى تربية الأولاد والبنات يعنى تنمية كل منهما على المسار الطبيعى لخلقه. وفى آيات القرآن الكريم والتقاليد الإسلامية تم ذكر الفروقات الطبيعية بين الرجل والمرأة، حيث أن لكل منهما أدواراً فريدة فى المجتمع والأسرة. ولكن هذا لا يعنى أن أحدهما أفضل من الآخر، بل يدل على تقسيم الواجبات بحسب بنية الخلق. يتناول هذا المقال دراسة مقارنة للتربية الجندرية فى الإسلام والغرب، مع التركيز على شعار "المرأة، الحياة، الحرية". إن شعار "المرأة والحياة والحرية" يعنى ببساطة التأكيد على حقوق المرأة، وأهمية الحياة البشرية، وحرية اختيار المسار فى الحياة. تم إعداد هذه المقالة بأسلوب وصفى تحليلى ومكتبى. وفى القسم الأول تم دراسة الأسس النظرية للتربية الجندرية فى الإسلام. وفى الجزء الثانى، يتم دراسة التعليم الجندرى فى الغرب، ثم فى الجزء المقارن يتم تقييم شعار "المرأة، الحياة، الحرية" فى ثقافتين. وأخيراً، تقدم المقالة اقتراحات لتحسين تعليم النوع الاجتماعى فى ضوء التعاليم الإسلامية والإنجازات الغربية. ومن هنا فإن الإسلام، الذى يركز على العدالة بين الجنسين والالتزام بالقيم الدينية، يركز على الحفاظ على مؤسسة الأسرة والتربية المتوازنة، وهو ما لا يوجد فى الغرب. الكلمات المفتاحية: التربية الجندرية، الإسلام، الغرب، المرأة، الحياة، الحرية.

أثر المعايير غير الإلهية على زيادة حالات الطلاق

اشرف ارجمند^١

خلاصة

ونظراً لأهمية مكانة الأسرة في النظام الاجتماعي، فمن الضروري أن تولي الحكومات والدول اهتماماً وثيقاً لهذه القضية المهمة. من المشاكل التي تعاني منها كافة المجتمعات البشرية هي زيادة حالات الطلاق، والتي تنبع من عوامل مختلفة. وقد استكشفت هذه المقالة هذا الأمر من خلال طريقة المكتبة وخلصت إلى أن أحد هذه العوامل هو المعايير غير الإلهية. ومن بين هذه المعايير؛ المهر كبير، وتعتقد عائلة الفتاة أنه يمكن أن يضمن حياة ابنتهم. إن التعليم المستمر هو معيار آخر يسعى من خلاله الناس إلى الحصول على شهادات أعلى من أجل الحصول على مكانة اجتماعية وأحياناً من أجل المظاهر، وقد يؤدي إلى تعطيل مجرى الحياة. إلا أن هناك معيار آخر وهو وجود توقعات غير مناسبة وارتفاع مستوى هذه التوقعات، حيث يُعتقد أن كل شيء جاهز في بداية الحياة. ولذلك فإنهم يعدون مهراً كبيراً بتكلفة عالية. وهناك مشكلة أخرى وهي الطموحات العالية التي يحملونها لبقية حياتهم، مما يسبب الخلافات والمشاكل. كذلك الرفاهية، التي تدفع الأسر إلى شراء سلع باهظة الثمن وماركات خاصة، أو الإصرار على امتلاك منزل خاص بها في وقت مبكر من حياتها. أما السعي وراء الجمال الجذاب فهذا أمر آخر، والنتيجة هي الاهتمام بالمظهر وعدم الاهتمام بالأخلاق والثقافة. في بعض الأحيان يكون هدف الزواج هو الهجرة والحصول على الجنسية، ولكن بعد تحقيق الهدف تصبح الحياة صعبة. في بعض الأحيان يكون هناك صرامة في الاختيارات والشروط مع فكرة الوصول إلى الشخص المثالي. المعيار الآخر هو الصداقة قبل الزواج، والتي تتم بهدف التعارف، ولكنهما يعيشان سلسلة من المشاعر التي بعد أن يجتمع الزوجان وتهداً المشاعر، تصبح الحياة صعبة. والآن، إذا لم يخف الأزوج هذا المستوى من التوقعات، فسوف يؤدي ذلك إلى زيادة حالات الطلاق.

الكلمات المفتاحية: معيار، معيار، طلاق، غير إلهي، إلهي.

١ طالبة في المستوى الثاني، معهد حضرة أمينة الإكليريكي للتعليم العالي < قم

دور الأمن الدينى فى صمود الأسرة

فاطمه عابدى شاهيورآبادى^١

خلاصة

المرونة الأسرية هى قدرة الأسرة على مواجهة تحديات الحياة ومشاكلها والحفاظ على توازنها وتماسكها. ويعد الأمن الدينى أحد العوامل المهمة التى يمكن أن تساعد فى تعزيز قدرة الأسرة على الصمود. وتتضمن عناصر تحقيق الأمن الدينى: الإيمان والعقيدة، والاستمرارية فى التعليم الدينى، والالتزام بالأخلاق الدينية، والالتزام بالتعاليم الدينية، والسعى إلى حل النزاعات باستخدام المبادئ الدينية، والحفاظ على العلاقة مع الله وتعزيزها. إن الإيمان والثقة يمنحان أفراد الأسرة الأمل والدافع للحفاظ على استقرارهم وقدرتهم على الصمود فى مواجهة صعوبات الحياة وتغييراتها. إن التعليم الدينى المستمر يعزز المعتقدات والقناعات الدينية لأفراد الأسرة. إن الالتزام بالأخلاق الدينية يخلق بيئة صحية وآمنة داخل الأسرة. إن إتباع المبادئ الدينية يعزز الإيمان والمعتقدات الدينية لأفراد الأسرة. إن محاولة حل النزاعات باستخدام المبادئ الدينية تعمل على تعزيز التواصل والتعاطف بين أفراد الأسرة. المشاركة فى الأنشطة الاجتماعية والخيرية تعزز روح التعاون والتعاطف بين أفراد الأسرة. إن الحفاظ على العلاقة مع الله وتعزيزها يعزز الإيمان والمعتقدات الدينية لأفراد الأسرة. وبالمختصر يمكن القول أن عناصر تحقيق الأمن الدينى تلعب دوراً هاماً فى صمود الأسرة. إن تعزيز هذه العناصر من شأنه أن يساعد الأسر على أن تكون أكثر قدرة على الصمود فى مواجهة تحديات الحياة ومشاكلها وحمايتها من الأذى المحتمل

الكلمات المفتاحية: الأمن، والمرونة، والأسرة، والدين

جهاد الأمل في تصريحات المرشد الأعلى (سماحة آية الله العظمى السيد الخامنئي)، مؤكداً على

دور النخب العلمية والثقافية والاجتماعية

فاطمه سادات خاتمي^١

خلاصة:

اليأس هو السم القاتل الذي إذا عانت منه الأمة؛ إنها تفقد حيويتها وحماسها وحركتها، وتتوقف، وعليها أن تنتظر خمولها وتخلفها وعزلتها وفشلها النهائي. ومن المؤكد أنه لا يوجد سلاح أكثر فعالية لتدمير أي بلد من زرع اليأس في نفوس شعبه ومسؤوليه وخاصة الشباب. تهدف هذه الدراسة إلى معالجة هذه القضية المهمة، التي تناولها سماحة آية الله العظمى السيد الخامنئي، بصفته قائداً لهذا البلد العظيم والحبيب، في بيانه حول الخطوة الثانية من الثورة لرسم مستقبل أفضل، قبل أي توصية، وضرورتها (خلق الأمل) ويقدمها على أنها الجهاد الأول والأكثر جذرية؛ كما تم استخدام المنهج الوصفي التحليلي في تحديد واجبات النخب العلمية والثقافية والاجتماعية في هذا المجال. وتظهر النتائج التي تم الحصول عليها أن الأعداء يخلقون اليأس من خلال غرس عدم فعالية الدين والثورة. وأفضل سلاح لمواجهتهم هو التفسير، والذي في ظل الهجوم المكثف الذي يشنه الأعداء، لا بد من مواجهته بطريقة جهادية والمسؤولون الرئيسيون عن هذه المهمة المهمة والمصيرية هم المسؤولون، وهيئة الإذاعة والتلفزيون الإيرانية، والحوزات والجامعات، والنساء، والفنانون والشعراء. وفيما يلي دراسة لتصريحات معاليه، التي تتناول واجبات كل مجموعة على حدة.

الكلمات المفتاحية: الأمل، جهاد الأمل، التفسير، النخب، آية الله خامنئي

^١ طالبة في المستوى الثاني، معهد حضرة أمينة الإكليريكي للتعليم العالي < قم

Abstract

Examining the Place of Respect for Children in the Quranic Thought of Allamah Tabatabai

Fatemeh Garmabi¹

Abstract

Childhood is one of the stages of human development. The importance of this stage is such that Quranic teachings pay special attention to it, because the future of every person depends on his childhood. One of the correct and efficient methods in educating humans is the method of respect and "honoring personality." This method is, in fact, the support for human mental health and one of the most important factors in the development of one's personality. The present research was conducted using a library method and its purpose is to investigate the importance of the educational and social status of respecting children's personality in the Quran from the perspective of Allameh Tabataba'i's thought. This research explains various issues such as childhood, respect for children, the place of respect for children in the Quran, and the theories and approach of Allameh Tabataba'i. Respect and honoring a person's personality is one of the principles that must be observed in the upbringing process, because a person needs others to value and honor him. If a child feels a sense of personality and dignity within, he will gain self-confidence, gain dignity and status in society, and keep himself healthy. However, if he feels a lack of personality within, he will be prone to deviations and social misbehavior. Therefore, by respecting a child, he or she can be transformed into a valuable and dignified being..

Key words: Child, Respect, Allameh Tabataba'i, Quran
The role of the mother in raising Mahdavi children

Fatemeh Lakzadeh^۱

Abstract

This article examines the role of the mother in raising Mahdavi children and analyzes the various dimensions of this role, emphasizing the importance of religious and Mahdavi upbringing. And it emphasizes that Mahdavi education means preparing the future generation for the emergence of Imam Mahdi (a.s.) and the realization of justice and peace in society. The main issue is that mothers, as the first teachers and educational role models, can be effective in shaping the personality, morality, and religious beliefs of their children and prepare them for life in a justice-oriented and Mahdavi society. This research examines the role of the mother from an individual perspective, which includes: the role of the mother in nurturing and emotional development, teaching the concepts of Mahdism, role modeling, creating a spirit of expectation, moral and religious education, and from a social perspective, teaching respect for others, responsibility, teaching social participation, strengthening social relationships, and encouraging cooperation and collaboration. To shape children in a way that will make them aware and responsible individuals in the future. The present research was conducted using reliable sources and religious and social documents in a library and descriptive manner. This article emphasizes that by raising Mahdavi children and promoting Islamic teachings, one can strengthen social solidarity and create an ideal Mahdavi society in which human and moral values are at the center of attention.

Key words: The role of the mother, religious upbringing, raising children, Mahdavi children, individual aspects, social

^۱ Level ۲ student of Hazrat Amina seminary (peace be upon him)

aspects.

A comparative study of gender education in Islam and the West, focusing on the slogan of "Women Live Freely".

Elham Nikbakht

Abstract

According to Islamic teachings, the difference in raising boys and girls means the development of each in the natural path of their creation. In the verses of the Quran and Islamic traditions, the natural differences between men and women are mentioned, each of which has unique roles in society and family, but this does not mean that one is superior to the other, but rather indicates the division of duties based on the structure of creation. This article deals with a comparative study of gender education in Islam and the West, focusing on the slogan "Women, Life, Freedom". The slogan "Women, Life, Freedom" simply means emphasizing women's rights, the importance of human life, and the freedom to choose one's path in life. This article is prepared in a descriptive-analytical and library format. In the first section, the theoretical foundations of gender education in Islam are examined. In the second part, gender education in the West is examined, and then, in the comparative part, the slogan "Woman, Life, Freedom" is evaluated in two cultures. Finally, the article offers suggestions for improving gender education in light of Islamic teachings and Western achievements. As a result, Islam, based on gender justice and adherence to religious values, focuses on preserving the institution of the family and balanced upbringing, while this is not the case in the West..

Key words: Gender education, Islam, West, woman, life, freedom.

The effect of non-divine criteria on the increase in divorce

ʿAshraf Arjmand

Abstract

Given the importance of the family's place in the social system, it is necessary for governments and nations to pay close attention to this important issue. One of the problems that all human societies have encountered is the increase in divorce, which stems from various factors. This article explored this through a library method and concluded that one of these factors is non-divine criteria. Among these criteria is a heavy dowry that the girl's family believes can guarantee their daughter's life. Continuing education is another criterion that people use to gain social status and sometimes to boast, seeking higher degrees, which may disrupt the course of life. However, another criterion is having inappropriate expectations and increasing the level of these expectations, which is thought to be ready at the beginning of life; therefore, they prepare a heavy dowry at high cost. Another is the high aspirations they have for the continuation of their lives, which causes disagreements and problems. Also, luxury, which leads families to buy expensive items and special brands, or to insist on owning their own home early in life. Going after the beauty that surrounds you is another matter, the result of which is paying attention to appearance and not paying attention to ethics and culture. Sometimes the purpose of marriage is to immigrate and obtain citizenship, but after achieving the goal, life becomes difficult. Sometimes, there is strictness in choices and conditions with the idea of achieving the perfect person. Another criterion is

premarital friendship, which is done with the aim of getting to know each other, but they experience a series of emotions that cause problems in life after the couple gets together and the emotions cool down. Now, if couples do not reduce this level of expectations, it will lead to an increase in divorce.

Key words: Criterion, standard, divorce, non-divine, divine.

The role of religious security in family resilience

Fatemeh Abedi Shahpourabadi^۱

Abstract

Family resilience is the ability of a family to cope with life's challenges and problems and maintain its balance and cohesion. Religious security is one of the important factors that can help strengthen family resilience. The elements of achieving religious security include: belief and faith, continuing religious education, adhering to religious ethics, acting on religious commands, trying to resolve disputes using religious principles, and maintaining and enhancing the relationship with God; belief and faith give family members hope and motivation to maintain their stability and resilience in the face of life's hardships and changes. Continuing religious education strengthens the religious beliefs and convictions of family members. Adherence to religious ethics creates a healthy and safe environment in the family. Following religious precepts strengthens the faith and religious beliefs of family members. Trying to resolve disputes using religious principles strengthens communication and empathy between family members. Maintaining and enhancing a relationship with God strengthens the faith and religious beliefs of family members. In summary, it can be said that the elements of achieving religious security play an important role in family resilience. Strengthening these elements can help families be more resilient in the face of life's challenges and problems and protect them from potential harm.

Keywords: Security, resilience, family, religion.

Jihad of Hope in the Supreme Leader's statements, emphasizing the role of scientific, cultural, and social elites

Fatemeh Sadat Khatami ^۱

Abstract

Disappointment is a deadly poison that, if a nation is exposed to, it loses its vitality, enthusiasm, and mobility, and it stops and must wait for its inaction, backwardness, isolation, and definitive defeat. It is certain that there is no more effective weapon for destroying a country than instilling despair among its people and officials, especially the youth. The present study aims to address this important issue, which His Holiness Ayatollah Khamenei, as the leader of this great and beloved country, addresses in his statement on the second step of the revolution to chart a better future, before any recommendation, the necessity of it (creating hope) and introduces it as the first and most radical jihad; As well as specifying the duties of scientific, cultural, and social elites in this field, a descriptive-analytical method has been used. The results obtained show that the enemies are creating despair by instilling the ineffectiveness of religion and revolution; And the best weapon to confront them is explanation, which, given the intense onslaught of the enemies, must be addressed in a jihadist manner. The main people responsible for this important and fateful task are the officials, the Iranian Broadcasting Corporation, the seminaries and universities, women, artists and poets. The following is a review of His Eminence's statements, which separately address the duties of each group.

Key words: Hope, Jihad of Hope, Explanation, Elites, Ayatollah Khamenei

^۱ Level ۲ student of Hazrat Amina seminary (peace be upon him)